



## تاهنگام ظهور دولت حق به آرامی رفتار کنید!

نامه‌ای مهم از امام صادق علیه السلام به اصحاب و شیعیان خود در رفتار با اهل سنت

از آمیزش و مخالطه با آن‌ها ناچارید - راه تقیه را پیشه کنید؛ همان راهی که خداوند دستور داده که هنگام برخورد با آنان پیش گیرید. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ تَجْتَنِبُوهُ فَقَدْ حَرَّمَهُ وَأَتَّبِعُوا آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ سُنَّتَهُ فَحَدُوا بِهَا وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَكُمْ وَأَرْءَاكُمْ فَتَضَلُّوا فَإِنْ أَضَلَّ النَّاسَ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَرَأَيْهِ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ وَأَحْسَنُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا وَ جَامِلُوا النَّاسَ وَلَا تَحْمِلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ تَجْمَعُوا. مَعَ ذَلِكَ طَاعَةَ رَبِّكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَ سَبَّ أَعْدَاءِ اللَّهِ حَيْثُ يَسْمَعُونَكُمْ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بَغَيْرِ عِلْمٍ وَ قَدْ يَنْبَغِي لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا حَدَّ سَبِّهِمْ لِلَّهِ كَيْفَ هُوَ إِنَّهُ مِنْ سَبِّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَدْ انْتَهَك سَبَّ اللَّهِ وَ مَنْ أَظْلَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِمَّنْ أَسْتَسَبَّ لِلَّهِ وَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَمَهْلًا مَهْلًا فَاتَّبِعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کافی، ج ۸، ص ۲)؛

و بدانید که هر چه خداوند آن را حرام فرموده از آن دوری کنید و از آثار رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (سنت و روش او) پیروی کنید و از هوای نفس و آرای خود پیروی نکنید که گمراه شوید؛ زیرا گمراه‌ترین مردم در پیشگاه خدا آن کسی است که از هوای نفس و رای خود بدون راهنمایی خدا پیروی کند.

تا می‌توانید به یکدیگر نیکی کنید؛ زیرا هر چه خوبی کنید، به خودتان کرده‌اید و اگر بدی هم کنید به خود کرده‌اید. با مردم مدارا کنید و آن‌ها را برگردن خود سوار مکنید تا بدین وسیله اطاعت پروردگارتان را نیز فراهم کرده باشید و مبادا در جایی که دشمنان خدا بشنوند، آنان را دشنام گویند تا در نتیجه، آن‌ها نیز از روی دشمنی و نادانی، خدا را دشنام دهند و شایسته است که شما حد دشنام دادن آن‌ها را نسبت به خدا بدانید که چگونه است. به راستی هر که به دوستان خدا دشنام گوید، خدا را مورد دشنام قرار داده و چه شخصی ستمکارتر از آن کسی است که وسیله دشنام دادن به خدا و اولیای او را فراهم سازد. آهسته، آهسته (یعنی تا هنگام ظهور دولت حق به آرامی رفتار کنید) و از فرمان خدا پیروی کنید که نیرو و جنبشی جز از سوی خدا نیست.

(ترجمه رسولی محلاتی؛ ج ۱؛ ص ۲ به بعد)

اشاره: در کتاب «الروضه کافی» امام صادق علیه السلام نامه مفصلی به اصحاب خود درباره رفتار با اهل سنت نگاشته و توصیه‌های بسیار مهمی را حضرت به اصحاب و شیعیان خود نموده‌اند و از اصحاب خود می‌خواهند نامه را به یکدیگر درس بدهند. این نامه در واقع سنگ محکی برای ما و بسیاری از شیعیان است که ببینیم تابع هوا و هوس خود هستیم یا پیرو اهل بیت. نامه مفصل است و بیش از ۲۰ صفحه می‌باشد. بخش‌هایی از نامه تقدیم می‌گردد باشد که ما هم عامل باشیم؛

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَتَبَ بِهَذِهِ الرِّسَالَةِ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَمَرَهُمْ بِمُكَارَسَتِهَا وَ النَّظَرِ فِيهَا وَ تَعَاهُدِهَا وَ الْعَمَلِ بِهَا فَكَانُوا يَصْعُقُونَهَا فِي مَسَاجِدِ بُيُوتِهِمْ فَإِذَا فَرَعُوا مِنَ الصَّلَاةِ نَظَرُوا فِيهَا قَالُوا...

اسماعیل بن جابر روایت کرده که امام صادق علیه السلام نامه‌ای به اصحاب خود مرقوم داشتند و به آن‌ها دستور دادند که آن را به یکدیگر درس دهند، در آن نگاه کنند و آن را از یاد نبرند و بدان عمل نمایند. آن‌ها نیز این نامه را در جانمازهای خود در خانه‌هایشان گذارده بودند و چون از نماز فارغ می‌شدند، در آن می‌نگریستند.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَمَا بَعْدُ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ الْعَافِيَةَ وَ عَلَيْكُمْ بِالذِّعَةِ وَ الْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَ التَّنَزُّهِ عَمَّا تَنَزَّهُ عَنْهُ الصَّالِحُونَ فَتِلْكَمُ وَ عَلَيْكُمْ بِمُحَامَلَةِ أَهْلِ التَّاطِلِ تَجَمَّلُوا الصَّيِّمِ مِنْهُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ مِمَّا طَنَّتْهُمْ. دِينُوا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ إِذَا أَنْتُمْ جَالِسْتُمُوهُمْ وَ خَالَطْتُمُوهُمْ وَ نَارِعْتُمُوهُمْ الْكَلَامَ فَإِنَّهُ لَا بَدَّ لَكُمْ مِنْ مُجَالِسَتِهِمْ وَ مُخَالَطَتِهِمْ وَ مُنَارِعَتِهِمْ الْكَلَامَ بِالْتَّقِيَّةِ الَّتِي أَمَرَكُمْ اللَّهُ أَنْ تَأْخُذُوا بِهَا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ...»؛

از پروردگار خود عافیت درخواست کنید، آرامش، وقار و سکون را از دست ندهید، شرم و حیا پیشه کنید، از آنچه خوبان پیش از شما دوری کردند شما هم دوری کنید، با اهل باطل مدارا کنید و ستمشان را بر خود هموار سازید؛ مبادا با آن‌ها ستیزه جویی کنید و هنگام آمیزش و نشست و برخاست و گفت‌وگوی با آن‌ها - چون



اگر به یک مملکت سنی  
تعدی شد وظیفه شیعه  
دفاع از آنان است

۹



اسلام آمریکایی و تشیع  
انگلیسی در کلام رهبر معظم  
انقلاب

۶



اهل بیت الگوی ما هستند  
یا خواسته دلمان!

۴



الوحدة الإسلامية في الخطبة  
الفاطمية

۲۲



پرونده ویژه  
فاطمه  
محور وحدت



مقام و منزلت حضرت  
زهرا زنده ندامت

۲۰



جریان شیرازی ها از ابتدا  
مورد حمایت دستگاه های  
اطلاعاتی انگلیس بودند!

۳۸



پرونده ویژه  
تشیع انگلیسی  
پسرونده ای ضرور در فرقه شیرازی ها



شیوه دفاع از اهل بیت  
را باید از خود اهل بیت  
و قرآن آموخت!

۳۴

■ به سفارش  
جنبش فراگیر مقابله با جریان های تفرقه افکن  
مذهبی  
■ سردبیر  
ایمان نوروزی  
■ دبیر تحریریه  
مرتضی کیمیایی  
■ مدیر هنری

سید مهدی حسینی

■ ویراستار

آذر زندی - آمنه بخشایش

■ همکاران این شماره

محمد حسین واسطی، مصطفی جلالی، مرتضی  
کیمیایی، مجید جلیلی، جلیل بهرامی نیا، مجتبی  
احمدی، حسین کمیلی، محمدرضا صاحبی،  
سید مهدی صالحی خوانساری، محمد سلیمانی،  
مصطفی محمدی، حجت الاسلام بابایی،  
حجت الاسلام مسائلی، محمدرضا رضوی

■ نشانی

قم، بلوار پانزده خرداد، کوچه شماره ۴، دفتر  
جنبش فراگیر مقابله با جریان های تفرقه افکن

مذهبی

■ email

jonbesh.fragir@gmail.com



هیچکس دغدغه رهبری  
برای وحدت را نداشت!

۱۸



امام خمینی از ستون های  
اصلی اسلام است

۱۶



وحدت اسلامی  
از منظر بزرگان شیعه و سنی

۱۴



این آقا، سید موسی نیست؛  
او خود حضرت مسیح است!

۱۱



اشعار شیعه و اهل سنت  
در مدح حضرت زهرا علیها السلام

۳۲



تقابلی میان وحدت اسلامی  
و فاطمیه نیست!

۳۰



در اندیشه شیعه و اهل  
سنت سخن و رفتار حضرت  
زهرا علیها السلام حجت است

۲۷



حضرت فاطمه علیها السلام مبنای  
وحدت یا موضوعی برای  
تفرقه بین شیعه و سنی؟

۲۴



دستگاه های جاسوسی غرب  
گروه های افراطی را مدیریت  
می کنند

۴۶



نظر آیت... العظمی خویی  
و شاهرودی در مورد بزرگ  
خاندان شیرازی ها چه بود؟!

۴۴



امید ما به رهبری امام  
خامنه ای فراوان است

۴۲



جریان شیرازی ها و مسیری  
خلاف قرآن و اهل بیت!

۴۱



## اهل بیت الگوی ما هستند یا خواسته دلمان!

احادیثی از ائمه علیهم السلام در برخورد با اهل سنت  
ایمان نوروزی

اشاره: برای خیلی از جوانان مومن به انقلاب اسلامی این سوال پیش می‌آید، وحدتی که امام خمینی (ره) مقام معظم رهبری و سایر علمای بزرگ مطرح و تاکید می‌کنند؛ ریشه‌اش مشترک است یا این تاکیدات به خاطر وجود مباحث و اختلافاتی که در امر امامت وجود دارد و ... چرا این همه تاکید؟! با نگاهی به سیره ائمه و احادیثی که کمتر شنیده یا دیده‌ایم، پاسخ خیلی سوالات روشن و مستدل می‌شود. باید دید که آیا الگوی ما سیره و روش ائمه علیهم السلام و علمای راستین اسلام است یا هوای و هوس یا خواسته دل خودمان؟ اصول کافی یکی از کتب گرانسنگ حدیثی شیعه می‌باشد که قسمتی دارد به نام کتاب العشره کتاب معاشرت و دستور آمیزش با مردم که دستورات ائمه در برخورد با مردم و بخصوص مردم عامه و اهل سنت می‌باشد. صاحب وسائل الشیعه روایات استحباب نماز گزاردن با اهل سنت - در آن فراوان بوده - را در باب مستقلی آورده است. برخی از اصحاب ائمه به دلیل اینکه در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که اکثریت اهل سنت بوده‌اند به فراخور زمان به ائمه مراجعه و خواستار تبیین و تنظیم رفتار خود با اهل سنت بوده‌اند. بخشی از احادیث کتاب معاشرت را و همین احادیثی را که در کتب دیگر نیز عیناً نقل شده مناقش را آورده‌ایم.

### در رفتار با اهل سنت به امامان خود نگاه کنید

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرًا قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَى أَيْمَتِكُمْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَبِشَهْدَتِهِمْ جَنَائِزَهُمْ وَيُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ.

معاویة بن وهب می‌گوید: به حضرت عرض کردم چگونه شایسته است برای ما که با قوم خود [یعنی شیعیان] و مردمانی که با ما آمیزش دارند و شیعه نیستند رفتار کنیم؟ حضرت علیه السلام فرمود:

«به پیشوایان خود نگاه کنید، آنان که از آن‌ها پیروی می‌کنید و هر طور که آن‌ها رفتار میکنند شما نیز همان‌طور رفتار کنید، به خدا سوگند آن‌ها عیادت بیمارانشان را می‌کنند، و بر سر جنازه‌هایشان حاضر می‌گردند و بهسود و زبان آن‌ها گواهی دهند و امانت‌هایشان را به آن‌ها رد کنند».

(کافی، ج ۲، ص ۶۳۶؛ مشکاة الآثار فی غرر الأخبار، ص ۱۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶).

### بکشید هر که دعوت به تفرقه کرد!

امام علی علیه السلام می‌فرماید: أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ «آگاه باشید که هر کس مردم را به این شعار [تفرقه و جدایی] دعوت کرد، او را بکشید؛ هر چند زیر عمامه‌ی من باشد».

نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷

### نماز با اهل سنت ثواب نماز با رسول خدا صلی الله علیه و آله

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هر که با آن‌ها [اهل سنت] در صف اول نماز بگذارد، گویا با رسول خدا صلی الله علیه و آله در صف اول نماز خوانده است»

(کافی، ج ۳، ص ۳۸۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹-۳۰۰).

## حق همسایه را ادا کنید

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعًا عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْتِهَادِ وَأَشْهَدُوا الْجَنَائِزَ وَعُودُوا الْمَرْضَى وَأَحْضَرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَسَاجِدَكُمْ وَأَحْبَبُوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَمَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقًّا وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ.

حبیب خثعمی گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام می فرمود:

«بر شما باد به پارسائی و کوشش در اطاعت، بر سر جنازه‌ها حاضر شوید، بیمارها را عیادت کنید و با مردم در مساجد حضور بهم رسانید و برای مردم چیزی را دوست دارید که برای خودتان دوست میدارید، آیا شرم نکند یکی از شما که همسایه‌اش حق او را بشناسد ولی او حق همسایه‌اش را نشناسد.»

(کافی، ج ۲، ص: ۶۳۶)

شیعه علی علیه السلام باید بهترین باشد

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّادَانَ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي اسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع... فَوَاللَّهِ لَحَدَّثَنِي أَبِي ع أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ ع فَيَكُونُ زَيْنَتَهَا أَدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَقْضَاهُمْ لِلْحَقِّ وَأَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَصَابَاهُمْ وَوَدَّاعَهُمْ تُشَالُ الْعَشِيرَةُ عَنْهُ فَتَقُولُ مَنْ مِثْلُ فَلَانٍ إِنَّهُ لَأَدَانَا لِلْأَمَانَةِ وَأَصْدَقُنَا لِلْحَدِيثِ».

زید شحام میگوید، حضرت صادق علیه السلام به من فرمود:

«به خدا قسم که پدرم به من چنین گفت: اگر مردی از شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام در قبیله ای بود باید بهترینشان باشد در ادای امانت و مراعات حقوق و راستگویی تا به او وصیت کرده و امانت بسپارند و از او طلب یاری کنند و بگویند: چه کسی مثل فلانی است که امانت دارترین و راستگوترین باشد؟»

(کافی، ج ۲، ص: ۶۳۶؛ صفات الشیعه، ص: ۲۷، ح: ۳۸؛ تحف العقول، ص: ۲۹۹، الوافی، ج ۵، ص: ۵۲۴، ح: ۲۴۹۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص: ۵، ح: ۱۵۴۹۶)

امام حسن و امام حسین علیهم السلام و نماز پشت مروان

عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: صَلَّى حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَ نَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ.

امام حسن و امام حسین علیهم السلام پشت مروان نماز می خوانند و ما با آن‌ها [اهل سنت] نماز می خوانیم.

(وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۳۰۱)

امام صادق علیه السلام:

## آیا با مخالفین در مسجد نماز می خوانی؟

وَ عَنْهُ عَنِ الزُّبَيْرِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ الْمُتَنَّى عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا إِسْحَاقُ أَتُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ صَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

اسحاق بن عمار می گوید امام صادق علیه السلام «ع» به من فرمودند:

«ای اسحاق، آیا با مخالفین در مسجد نماز می خوانی؟ گفتم: آری. امام فرمودند: با آن‌ها نماز بخوان؛ زیرا کسی که با آن‌ها در صف اول نماز بخواند مانند کسی است که شمشیرش را در راه خدا آخته است»

(شیخ طوسی، تهذیب، ج ۴، ص: ۲۷۷ و شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۳۰۱)

## چگونگی رفتار با اهل سنت

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ معاوية بن وهب قال: قلت لأبي عبد الله ع كيف ينبغي لنا أن نضع فيما بيننا وبين قومنا وفيما بيننا وبين خِطابتنا من الناس قال فقال تؤدون الأمانة إليهم و تقيمون الشهادة لهم و عليهم و تعودون مرضاهم و تشهدون جنائزهم.

معاویة بن وهب گوید، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم:

با مردمی [عامه و اهل سنت] که با ما آمیزش دارند شایسته است چگونه رفتار کنیم؟ گوید که در پاسخ فرمود: «امانت آن‌ها را به ایشان بپردازید، و (در هنگام نیاز) گواهی بر سود و زیانشان بدهید و بیمارانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه مرده‌هایشان حاضر شوید.»

(کافی، ج ۲، ص: ۶۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص: ۵)

## اگر خوش رفتار باشید می‌گویند اینان جعفری‌اند!

وَ رَوَى عَنْهُ ع زَيْدُ الشَّحَامِ أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِفُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَ الْمُؤَدِّيْنَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَشْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ.

امام صادق علیه السلام خطاب به زید بن حشام می فرماید:

«ای زید! با مردم [عامه و اهل تسنن] با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگزارید و مریضانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید، خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند، خدا او را رحمت کند که اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید، خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند، خداوند جزایش را بدهد که اصحابش را بد تربیت کرده است.»

(من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۳۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۴۳۰)

## تعایش و زندگی مسالمت‌آمیز

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَّازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَ إِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَ حُضُورِ الْجَنَائِزِ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«بر شما باد به نماز در مسجدها، به نیکی به همسایگان، ادای شهادت و حاضر شدن در تشییع جنازه‌ها؛ زیرا شما ناچارید به زیستن با مردم، به راستی کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد و ناچار مردم باید با همدیگر سازش داشته باشند.»



## اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی در کلام رهبر معظم انقلاب

گردآوری: مصطفی محمدی

۳

### علنی کردن اختلافات ممنوع! این را چقدر باید تکرار کرد!

علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفت‌های اعتقادی و به زبان آوردن مطالبی که کینه‌ها را برمی‌افروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما دارد بیشترین استفاده را از آن می‌کند. حالا [اگر] ما چوری عمل نکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این «بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا» است. در جلسات نباید کینه‌ورزی‌های مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده‌ایم؛ بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده‌ی حق

قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین علیهم‌السلام سید اهل الجنة را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه‌ی بزرگوار شیعه را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب‌الاطاعه و مفروض‌الطاعه می‌داند، یکی نمی‌داند؛ اما قبولشان دارند. اینها حقایقی است که باید اینها را فهمید و نهادینه کرد. بعضی البته این را نمی‌فهمند، متحرک به تحریک دشمن می‌شوند؛ در حالی که خیال می‌کنند که کار درست را انجام می‌دهند. «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا. الذین ضل سعیمهم فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا».

۸۸/۲/۲۳ (دیدار مردم کردستان)

۱

ساده زیستی فاطمه یک نمونه برای زنان امروز ساده‌زیستی دختر پیامبر، یک نمونه بارز برای زنان امروز جامعه ماست؛ ما روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذاریم و در زندگی به حد لزوم اکتفا کنیم و از افراط بپرهیزیم و آرزوهای کوچک و حقیر را فدای ارزش‌های بزرگ نکنیم؛ نمونه کامل آن را می‌توان در زندگی حضرت زهرا سلام... علیها دید.

۶۴/۱۱/۴

۲

### همه حضرت فاطمه علیها‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام را قبول دارند

چه کسی است که فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام را



۹

### مزدوران شیعه، مزدوران سنی!

یکی از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و به خصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و مسئله شیعه و سنی است؛ دو دسته عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یک دسته از سنی‌ها، یک دسته از شیعه‌ها؛ یک دسته آن تکفیری‌های منحرف از حقیقت دین، یک دسته هم از کسانی که برای دشمن کار می‌کنند، زیرا اسم شیعه و به نام شیعه، تحریک احساسات دیگران را می‌کنند، و دشمنی‌ها را توجیه می‌کنند و آتش فتنه را برافروخته می‌کنند.

۹۲/۶/۱۴

۱۰

### حنجره‌های الهی و حنجره‌های شیطانی!

امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ای الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملت‌های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است... کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور می‌کنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار می‌کنند، به نفع ابلیس‌ها کار می‌کنند.

۹۲/۳/۱۸

۱۱

### اهانت به مقدسات یکدیگر حرام شرعی!

هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه‌های مسلمان یا تکفیری یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر، شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است.

۹۲/۷/۲۲

تکلیف بزرگ برای همه‌ی ما است؛ وحدت به معنای تکیه بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم و میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند و تکلیف عمده هم در این مورد بردوش نخبگان است؛

۹۲/۱۰/۲۹

۷

### اختلاف مسلمانان و آسودگی رژیم صهیونیستی!

اختلاف مذاهب اسلامی، اختلاف شیعه و سنی در حد اختلاف عقیدتی مشکلی به وجود نمی‌آورد؛ مشکل آن وقتی است که این اختلاف عقیدتی به اختلاف روحی، به اختلاف رفتاری، به درگیری، به ستیزه‌گری و به دشمنی بینجامد؛ دشمنان دنیای اسلام به دنبال این فکرند و خوب فهمیده‌اند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید.

۸

### آن تشیعی که از لندن و آمریکا بیرون می‌آید به درد شیعه نمی‌خورد!

از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند و می‌بینید، می‌شنوید و یا خبر دارید که وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌ای را در اختیار این‌ها می‌گذارند؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی‌خورد. رهبران دینی تشیع و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار و دیگران، این همه تأکید می‌کنند بر حفظ اتحاد امت اسلامی و برادری مسلمانان با یکدیگر، آن وقت یک عده‌ای - کاسه‌ی داغ‌ترازش - دنبال آتش افروزی، دنبال ایجاد درگیری و اختلاف هستند. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.

۹۲/۶/۲۰

شما را قبول ندارد هدایت کنید؛ چه کار می‌کنید؟ اول شروع می‌کنید به مقدسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بکلی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست.

۹۳/۱/۳۱

۴

### کاری نکنیم که احساس افتخار به شیعه تبدیل به دشمنی شود!

ما افتخارمان به این است که شیعه‌ی علوی هستیم، ما افتخارمان به این است که معرفت به مقام ولایت پیدا کرده‌ایم؛ امام بزرگوار ما پرچم ولایت امیرالمؤمنین را سر دست گرفت، لیکن این وسیله‌ای شد برای اینکه دنیای اسلام - شیعه و غیر شیعه - احساس افتخار کنند به اسلامیت؛ حالا کاری نکنیم که این احساس افتخار، این احساس علاقه مندی دنیای اسلام نسبت به جامعه‌ی شیعه و افتخار شیعه، تبدیل بشود به دشمنی و بغض و کینه؟ این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.

۹۳/۱/۳۱

۵

### عوامل دشمن در جامعه شیعی!

پول نفت فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب، در میان ملت‌های مسلمان شناخته شده و روسپاه است و به استکبار وابستگی دارد، اگر صرف انتشار کتابی در درد تشیع شد، محض رضای خدا و علاقه به تسنن نیست و غرض خبیثی را دنبال می‌کند. عکس قضیه هم صادق است؛ اگر دیدیم عواملی در جامعه شیعی، مشغول تحریک و برانگیختن حساسیت نسبت به برادران اهل سنت یا مقدسات آن‌ها هستند؛ اگر حمل بر کجی سلیقه و بدفهمی نکنیم، باید بدانیم که قطعاً دست دشمن است.

۶۸/۷/۵

۶

### وحدت یعنی تکیه بر مشترکات

مسلمان‌ها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضد وحدت مقابله بکنند و این یک

۱۸

**اگر باطنش را بخواهید، دفاع از آمریکا است!**

این جور نباشد که هرکسی از یک گوشه‌ای خیال کند که دارد از شیعه دفاع می‌کند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست، این دفاع از ولایت نیست؛ اگر باطنش را بخواهید، دفاع از آمریکا است، دفاع از صهیونیست هاست.

۸۷ / ۹ / ۲۷

۱۹

**وحدت تاکتیکی و مصلحتی نیست!**

من از قدیم این اعتقاد و تفکر [وحدت اسلامی] را داشتم و دارم و آن را یک مسئله استراتژیک می‌دانم. یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباطات داشته باشیم... ما با این انگیزه صحیح، مساله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی یک مساله اساسی قرار داده‌ایم.

۶۹ / ۱ / ۲۶

۲۰

**تحریک عواطف مذهبی اهل سنت گناه است**

بدانید که تحریک عواطف مذهبی برادران اهل سنت کار بسیار خطا و گناه است؛ این را به عنوان یک اصل بپذیرید. یک نقطه اختلافی وجود دارد. تکیه بر روی این نقاط، شعله ور کردن آتش تعصبات در این نقاط اختلاف، این درست همان چیزی است که امروز سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل دنبالش هستند.

۸۶ / ۸ / ۲۳

شیعی کردن سایر مسلمین نیست؛ ایران به دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت  و احیاء امت اسلامی است. برای انقلاب اسلامی، کمک به مجاهدان اهل سنت سازمان های حماس و جهاد و مجاهدان شیعی حزب الله و أمل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف می‌کند.

۹۰ / ۱۱ / ۱۴

۱۶

**دشمن را ناامید کنید**

من اصرار دارم که در سراسر کشور، چه آن مناطقی که سنی و شیعه در کنار هم زندگی می‌کنند و چه آن مناطقی که فقط شیعه اند یا آن مناطقی که فقط سنی هستند، همه جوری رفتار کنند که دشمن بفهمد در این کشور نمی‌تواند به بهانه اختلاف مذهب، میان مذاهب اسلامی اختلاف ایجاد کند.

۹۰ / ۷ / ۲۵

۱۷

**این ندای وحدت را هرکس بشکند خائن است!**

این وحدت در ایران، گران به دست آمده است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هرکه بشکند خیانت کرده است و هرکه می‌خواهد باشد. فرقی نمی‌کند که سنی باشد یا شیعه باشد.

۷۲ / ۶ / ۱۴

۱۲

**راه عشق به اهل بیت این نیست**

شما [مداحان] از حنجره استفاده می‌کنید که نعمت خداست؛ از لحن و آهنگ استفاده می‌کنید که نعمت خداست؛ از شعر استفاده می‌کنید که قریحه اش نعمت خداداد الهی است و این نعمتها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار می‌دهید؟ در خدمت معرفت افزائی. اگر در خدمت اختلاف افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیت هائی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیت ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر می‌برند، این استفاده، استفاده بدی است و این را خیلی مراقب باشید.

۹۲ / ۲ / ۱۱

۱۳

**مراقب نفوذی های دشمن باشید!**

خیلی مراقب باشید که نفوذی های دشمن، پرچم های اختلاف را بلند نکنند. هر پرچم اختلافی که بلند شد، شما آن را متهم کنید که نفوذی دشمن است، هر چند خودش نداند.

۶۸ / ۴ / ۱۳

۱۴

**هر حرکت اختلافی****بازی در زمین دشمن است!**

من کسی را متهم نمی‌کنم به این که عالمًا و عامدًا دارد نقشه ی دشمن را انجام می‌دهد، اما به طور قطع و یقین می‌گوییم که هر حرکت اختلافی، به هر شکلی، در میان ملت های مسلمان یا در درون یک کشور میان افراد آن کشور، بازی کردن در زمینی است که دشمن آن زمین را تعیین کرده است؛ کمک به دشمن است. مسئله وحدت را همه باید جدی بگیرند.

۹۱ / ۱۱ / ۱۰

۱۵

**ایران به دنبال شیعه کردن سایر مسلمین نیست!**

ایران به دنبال ایرانی کردن اعراب یا







## اگر به یک مملکت سنی تعدی شد وظیفه شیعه دفاع از آنان است

متن کامل سخنان مهم حضرت آیت... العظمی و حید خراسانی در دیدار با آیت... اراکی

نهج البلاغه غوغاست؛ اگر خوب فهمیده و تبیین شود. آیا فقه شیعه مثل مکاسب و جواهر در تمام کتب عامه نظیرش وجود دارد؟! اگر این‌ها ترویج شود، خود اهل سنت لامحاله فطرت دارند و آن فطرت معقول نیست که حقیقت را انکار کند. خلاصه جهات اثباتی را باید تقویت کرد، قدمای اصحاب ما چه بودند؛ علامه حلی را نگاه کنید، حالاتشان را، کتبشان را، مناظراتشان را ببینید و دیگران. خلاصه در این مسئله راه، راه اعتدال است. اسلام دین رحمت و رسول اسلام، رسول رحمت است. آن‌ها رحمت این دین را دیدند. این دین، و رفتار پیغمبر و امیرالمؤمنین جایی را برای این حرکت‌های تکفیری و این تندیه‌ها باقی نمی‌گذارد.

### حضرت امیر حتی برای مسیحی و یهودی دلسوز بود

نص روایت است که امیرالمؤمنین در بازار پیرمردی را دیدند که گدایی می‌کند و فرمودند که او کیست؟ به ایشان گفتند:

تشیع کنید جنازه‌های آنها را.

### لعن وسب بزرگان آن‌ها جایز نیست!

در روایات است: «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا علینا شیناً». در این روایات دو مطلب آمده یکی نفی و دیگری اثبات. نفی این است که نباید با اتباع مذاهب دیگر دشمنی کرد و نباید به مقدسات آنها توهین نمود. لعن وسب بزرگان آنها جایز نیست؛ زیرا موجب دور کردن آنها از اهل بیت علیهم‌السلام و معارف آنها می‌شود. در روایت می‌فرماید: «لا تکونوا علینا شیناً»، این جهت نفی قضیه است.

### برای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام راه را ما بلد نیستیم

اما جهت اثبات این است که فرمود: «کونوا لنا زیناً» و فرمودند: در نمازهای جماعت آن‌ها شرکت و به آن‌ها محبت کنید، از مرضای آن‌ها عیادت و سخنان و معارف ما را برای آن‌ها بیان کنید و عمده این است که برای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام ما راه را بلد نیستیم، راه عبارت است از راه اثباتی. مثلاً

اشاره: در دیدار حضرت آیت... محسن اراکی دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی با حضرت آیت... العظمی وحید (دام ظلّه) که روز جمعه دوم خرداد ماه سال ۹۳ صورت پذیرفت، مرجع عظیم الشان عالم تشیع ضمن سخنانی به نکات مهمی در عرصه تقریب مذاهب اشاره فرمودند که این فرمایشات از سوی دبیرکل مجمع تقریب به عنوان منشور تقریب نام‌گذاری گردید. آنچه می‌خوانید متن کامل سخنان حضرت آیت... العظمی وحید خراسانی در این دیدار است.

### در مساجد اهل سنت نماز بخوانید!

فقاہت در این گونه جریان‌ها واقعا از بین رفته، این کارها موجب اراقه دماء محترمه است و دستور خود ائمه برخلاف این است. سب، لعن علنی جایز نیست. اولاً لعن علنی ممنوع است و واقعا دستورات دین نیز بر همین امر تأکید دارند، ثانیاً در روایت معتبره آمده است: «صلوا فی مساجدھم»، علاوه بر این، عیادت کنید مرضای آنها را،

فرمایند: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ».

خداوند در قرآن می فرماید: «ولا يجرمكم شنتان قوم علی الا تعدلوا، اعدلوا هو أقرب للتقوی».

### اگر به یک مملکت سنی تعدی شد وظیفه شیعه دفاع از آنان است!

استفتائی از ما شد که این ها می گویند، شیعه کافر است و خون شیعه را حلال می دانند؛ با آنها باید چه کنیم؟

در پاسخ گفتیم: کسی که شهادتین را بگوید، نفس تلفظ به این دو کلمه، هم موجب حفظ خون و هم حفظ مال است. این وظیفه هر مسلمانی است که اگر به اندازه یک وجب به مملکت سنی ها در دنیا از سوی کفار تعدی بشود، وظیفه همه شیعیان در قم است که باید دفاع کنند و نگذارند آن نقطه مورد حمله کفار قرار گیرد. باید با آن ها چنین؛ اگر چه با شما چنان می کنند. «ولا يجرمکم شنتان قوم علی الا تعدلوا، اعدلوا هو أقرب للتقوی».

### معارف را منتشر کنید البته بدون تعصب و تحکم

علمای عامه خیلی تقدیر نوشتند و این سندی شد که عمده جهت اثباتی است؛ اما این موجب نمی شود که معارف مذهب را کتمان کنیم. از آن طرف معارف مذهب باید عرضه شود؛ رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام، نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر، خطبه حضرت در تقوا، همچنین آن وصیت بسیار مهم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام به هشام درباره جایگاه عقل، این ها باید به وسیله شماها بدون تعصب و تحکم منتشر شود. بالاخره عقل و فطرت هست و این قوت معارف قطعاً تأثیرگذار است.

### حرام قطعی ست اگر رفتاری باعث شود خون شیعه ای به خطر افتد

خلاصه باید کلمات ائمه رواج داده شود و این کار هم از "شما" بر می آید. هدف هم همین است و آن معارف حقه امیرالمؤمنین انسان را منقلب می کند. این ها را نباید پشت ابرپنهان گذاشت، آن اعمال بلاشکال از محرّمات قطعی شرعی است. علاوه بر آن انجام کاری که احتمال بدهیم خون شیعه ای را که در مکانی در اقلیت زندگی می کند به خطر می اندازد، از محرّمات قطعی است و تمام اعمال را به باد می دهد. اصل در احتیاط در دماء است و نه احتیاط اصولی، بلکه احتیاط فقهی که بینهما بعد المشرقین. انشاء الله این راه طی شود که هم معارف شیعه، از طریق متون اخلاق منتشر شود و هم فقه فقهای مذهب با فقه فقهای عامه مقایسه شوند که بهت انگیز است.

منبع: سایت مجمع تقریب

بیرمردی مسیحی است. ناراحت شدند که چطور در مملکتی که من حکومت می کنم، گدا پیدا شده! و فرمود: «استعملتموه شابا و ترکتموه شیخا!». همان جا دستور دادند از بیت المال برای آن مسیحی گدا شهریه قرار بدهند. در سخنی دیگر آمده وقتی حضرت فهمیدند که خلخال از پای دختر یهودی کشیدند؛ آرزوی مرگ کردند! وقتی انگلیسی ها دیدند که رحمت اسلام و اخلاق و رفتار پیامبر و ائمه مسلمین، مردم را به اسلام جذب می کند؛ محمد ابن عبدالوهاب را ساختند. اسلام را به آن گونه ای که وهابیون و تکفیری ها می خواهند نشان می دهند که همه قتل، دشمنی، کینه و عداوت است. وقتی آن سربریدن ها، قساوت ها و آدم کشی ها را به نام اسلام نشان می دهند؛ دیگر جایی برای قرآن و پیغمبر و امیرالمؤمنین نمی گذارند!

انجیل را در مقابل قرآن، این چنین مطرح کردند که می گوید: اگر به یک طرف سیلی زدند آن طرف دیگر را هم نگه دار! این گونه مردم را نسبت به اسلام بدبین می کنند.

### رفتار پیامبر با غیر واقعا بهت انگیز است

رحمت خود پیامبر اکرم و عنایات او نسبت به غیر، واقعا بهت انگیز است. سنگش می زدند، خاکستر روی سر مبارک حضرت می ریختند و ایشان به جای نفرین دعایشان می کرد: «اللهم اهد قومی». در حقشان دعا و هدایت برای آن ها طلب می کردند. آن ها را به خودش منتسب می فرمود که این ها قوم من هستند و بعد هم برایشان عذر می آورد که «فانهم لا يعلمون». این غوغاست! وقتی هم مکه را فتح کردند، با آن همه مصائبی که در شعب ابیطالب کشیده بودند، تا وارد شدند همه می لرزیدند؛ اما نگاه کردند و فرمودند: «لا تثریب علیکم الیوم، اذهبوا فانتم الطلقاء».

خدا می فرماید: «و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین» و این دین، دین رحمت و این پیغمبر، پیغمبر رحمت است.

### با درستی کردن و لعن کار درست نمی شود! این خلاف قرآن است!

اگر ما به قرآن عمل می کردیم، مسلمانان امروز در چنین وضع نبودند. خدا موسی را می فرستد و نه آیه به او می دهد، آن طرف کیست؟ فرعون. بیان چیست؟ «فقلوا له قولا لیتنا». این راه، راه این دین است. آن وقت ما با درستی می خواهیم وارد شویم؟! این خلاف قرآن است. قرآن می گوید «وقولوا للئناس حسنا». دینی که می فرماید «للناس حسنا» آنوقت للمسلم سوء؟!!

خلاصه متأسفانه فقهی نمانده، این رفتارها و فتواهای خلاف قرآن و رفتار رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام نشانه فقدان فقاقت است. امیرالمؤمنین می

فرمود: «کونوا لنا زیناً» و

فرمودند در نمازهای جماعت

آن ها شرکت کنید، به آن ها

محبت کنید، از مرضای

آن ها عیادت کنید، سخنان

و معارف ما را برای آن ها

بیان کنید. و عمده این

است که برای ترویج معارف

اهل بیت علیهم السلام راه ما را بیلد

نیستیم، راه عبارت است از

راه اثباتی.

نباید با اتباع مذاهب

دیگر دشمنی کرد، نباید به

مقدسات آن ها توهین نمود،

لعن و سب بزرگان آن ها

جایز نیست؛ زیرا موجب

دور کردن آن ها از اهل بیت و

معارف آن ها می شود.

انجام کاری که احتمال

بدهیم خون شیعه ای را که

در مکانی در اقلیت زندگی

می کند به خطر می اندازد،

از محرّمات قطعی است و

تمام اعمال را به باد می دهد.

اصل در احتیاط در دماء

است، نه احتیاط اصولی،

بلکه احتیاط فقهی که

بینهما بعد المشرقین



## این آقا، سید موسی نیست؛ او خود حضرت مسیح است!

برشی از تجربه تقریبی امام موسی صدر  
مجتبی احمدی؛ دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات

**مقدمه:**

تشریح ادیان نماید و تلاش داشت که نشان دهد همه انبیاء در یک جبهه و برای هدفی واحد تلاش کرده و اخلاق ایشان اخلاقی مبتنی بر دلسوزی برای هدایت نوع بشر بوده است. حضرت موسی علیه السلام، حضرت مسیح علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را هم نوا در خدمت به انسان دانسته و چنین می گوید:

«این حضرت مسیح است که فریاد می زند: «هرگز! هرگز محبت خدا با دوست نداشتن انسان جمع نمی شود!» و صدای او در جان ها می پیچد و ندایی دیگر از پیامبر رحمت اوج می گیرد که: «هرگز به خدا و روز واپسین ایمان نیاورده است کسی که سیر به بستر خواب رود اما همسایه اش گرسنه باشد.» (همان: ۱۶)

امام موسی حکمت شریعت های مختلف را در پیشی گرفتن بر خیرات و نه در خود حق پنداری ادیان دانسته و به این آیه استناد می دهد: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ» (۵: ۴۸) (برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم. و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت می ساخت؛ ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است بیازمایدتان. پس در خیرات بر یکدیگر پیشی گیرید. همگی بازگشتتان به خداست).

**سیره مبتنی بر خدمت و هدایت نوع انسان**

سیره عملی تقریبی امام موسی صدر در لبنان مبتنی بر همین گفتمان خدمت و هدایت نوع انسان و ترویج فرهنگ پیشی گرفتن در خیرات تا تکفیر یکدیگر بنا شد. ایشان در مدت حضور خود در لبنان، تلاش داشت این رویه را به رویه غالب تبدیل کند و از تخاصم و تضاد طایفه ای ادیان بکاهد. در این مسیر اقدام به احیا و توسعه جمعیت خیریه "بر احسان" کرد که وظیفه داشت به اوضاع نامساعد فقرا بدون توجه به دین و مذهب شان رسیدگی کند. امام موسی در مورد مؤثر بودن این روش می گوید: «جمعیت به فقیرانی که آن ها را از عائله جمعیت می داند، بدون توجه به مذهب و صرف نظر از آن که شیعه یا سنی یا مسیحی باشند، کمک می کند. این روش، آن قدر جلب اعتماد کرده است که همه مردم، از هر فرقه و دسته، به آن کمک می کنند. مثلاً در روزهای آخر اقامت من، یک نفر از شخصیت های مسیحی به نام [رفله منسه] نزد من آمد و دو ششم از کارخانه یخ سازی خود را وقف جمعیت کرد. دو نفر طبیب مسیحی مجاناً مریم های جمعیت را معالجه می کنند.» (صدر ۱۳۸۳: ۴۱)

دغدغه و عشق خدمت به انسان در امام موسی صدر به جایی رسید که ایشان در بدترین شرایط نیز خود را مکلف به خدمت می دانست به طوری که در ماجرای زیر آوار ماندن ۱۲ نفر از روستانشینان

مسئله روش و الگوی تقریب مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی یکی از چالش های کنونی تقریب گرایان به حساب می آید. لبنان با تنوع بالای ادیان و مذاهب به مثابه جهانی کوچک شده، در یک کشور است و یکی از کشورهای مستعد تقریب یا تکفیر به حساب می آید و طبیعی است که تحقق یک الگوی تقریبی در این کشور می تواند تأثیراتی، خارج از مرزهای این کشور و در سطح بین المللی داشته باشد. در این میان تلاش های امام موسی صدر به عنوان یک روحانی مجتهد شیعه، جهت تقریب مذاهب و ادیان توحیدی لبنان یکی از نمونه های برجسته تقریب گرایی در جهان است و ضروری است که تجربه تقریبی ایشان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

**معبودهای دیگر غیر خدا را برگزیدیم**

در بررسی تجربه تقریبی امام موسی صدر باید ابتدا گفت مان تقریبی ایشان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. امام موسی صدر با نگاهی آسیب شناسانه و تاریخی بر این باور بود که ادیان و مذاهب توحیدی به عنوان پیام هایی جهان شمول با فاصله گرفتن از اهداف و فلسفه وجودی خود به نظام هایی طایفه ای تبدیل شده اند. به جای آنکه مأموریت و دغدغه خود را در خدمت به نوع انسان و تلاش برای رهایی و هدایت نوع بشر قرار دهند بر اساس الگوهای رفتاری نظام های قبیله مأموریت خود را تأمین منافع پیروان و افراد طایفه خود به حساب می آورند. امام موسی در این باره چنین می گوید: «ادیان یکی بوده اند، زیرا در خدمت هدفی واحد بوده و برای دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان ها هستند. و این دو از نمودهای حقیقتی یگانه اند. آنگاه که ادیان در پی خدمت به خویشتن برآمدند میان شان اختلاف بروز کرد و توجه هر دینی به خود آن قدر زیاد شد که تقریباً به فراموشی هدف اصلی انجامید. اختلافات شدت گرفت و رنجهای انسان فزونی یافت... و چون هدف را فراموش کردیم و از خدمت انسان دور شدیم، خدا هم ما را به حال خود گذاشت و از ما دور شد، ما به راههای گوناگون رفتیم و به پاره های مختلف بدل گشتیم و در پی خدمت به منافع خاص خود برآمدیم و معبودهای دیگری غیر خدا، را برگزیدیم و انسان را به نابودی کشانیدیم.» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۵)

**محبت خدا با دوست نداشتن انسان جمع نمی شود!**

امام موسی صدر بر اساس این آسیب شناسی، فاصله گرفتن ادیان از هدف خدمت به انسان ها و دلسوزی برای هدایت آن ها را عامل توجه ادیان به خود دانسته و این درونگرایی ادیان را عامل تضاد و تخاصم بین ادیان می داند. از این رو ایشان تلاش داشت پیروان ادیان را یکبار دیگر متوجه اهداف



امام موسی صدر علی رغم آن که به دنبال شیعه کردن پیروان سایر مذاهب نبود اما بر اساس اصل خدمت به انسان و معیار قراردادادن عمل خیر در سنجش دینداری، تصویری از مذهب شیعه ارائه داد که از جذابیت بالایی نزد پیروان سایر ادیان برخوردار شد



«ایشان می‌خواست همه جا را تحت تأثیر قرار دهد و به همه جا وارد شود. روش ایشان این‌گونه بود، حتی به دیرها و کلیساها وارد می‌شد؛ در زیر صلیب حضرت مسیح به سخنرانی می‌پرداخت و همه را تحت تأثیر قرار میداد. تنها چیزی که برای ایشان اهمیت داشت، آن بود که تصویر حقیقی دین و کلمه الله را، آن‌گونه که شیعه می‌فهمد، به مردم ارائه کند؛ به‌گونه‌ای که دیگران نیز بتوانند با واقعیت شیعه آشنا شوند». (شرف الدین به نقل از کمالیان و رنجبر، ج ۲، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

### به دنبال شیعه کردن سایر مذاهب و ادیان نبود!

نکنه دیگری که باید در تجربه تقریبی امام موسی صدر بدان توجه داشت، چگونگی جمع بین مسئله معرفی و تبلیغ مذهب شیعه و تقریب مذاهب در یک جامعه چند مذهبی بود. امام موسی صدر علی‌رغم آنکه به دنبال شیعه کردن پیروان سایر مذاهب نبود؛ اما بر اساس اصل خدمت به انسان و معیار قرار دادن عمل خیر در سنجش دینداری، تصویری از مذهب شیعه ارائه داد که از جذابیت بالایی نزد پیروان سایر ادیان برخوردار شد. آقای حجازی این خصیصه امام موسی را چنین شرح می‌دهد: «مردم روستاهای جنوب هرگاه آقا را می‌دیدند، با دنیایی از احساس و هیجان خود را به ایشان می‌رساندند؛ چه مسلمان و چه مسیحی. با شور خاصی بر عبا آقا دست می‌کشیدند تا به اصطلاح خود، متبرک شوند. مسیحیان همواره می‌گفتند: «این آقا، سید موسی نیست و او خود حضرت مسیح است».

کار به جایی رسیده بود که بر شیعه بودن مارشک می‌بردند. مرتب می‌گفتند: «شما مسلمان‌ها لیاقت داشتن رهبری مثل امام صدر را ندارید». (حجازی به نقل از کمالیان و رنجبر، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۵۹)

حجت الاسلام ابادری در تأیید تأثیرگذاری این رویکرد امام موسی صدر چنین می‌گوید: «بارها نویسنندگان معروف و شخصیت‌های بارز مسیحی مثل جرج جرداق و شکراله حداد به وی گفته بودند که فرهنگ شیعه‌ای را که شما مطرح می‌کنید؛ اگر همه مثل شما آن را ارائه می‌دادند، الان دیگر اثری از مذهب تسنن و دین مسیحیت در این کشور باقی نمی‌ماند این فرهنگ با این ویژگی‌ها قابل پذیرش برای همه مردم است». (ابادری، ۱۳۸۱: ۹۶)

### منابع:

- ابادری، عبدالحجیم؛ امام صدر امید محرومان؛ تهران: جوانه رشد، ۱۳۸۱.  
- صدر، سید موسی؛ ادیان در خدمت انسان؛ گروه مترجمان، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۴.  
- کمالیان، محسن؛ رنجبر کرمانی، علی اکبر؛ عزت شیعه؛ جلد اول؛ تهران: ناشر مولف، ۱۳۸۸.  
- کمالیان، محسن؛ رنجبر کرمانی، علی اکبر؛ عزت شیعه؛ جلد دوم؛ تهران: صحیفه خرد، ۱۳۸۶.

مسیحی در سخت‌ترین شرایط خود را برای نجات آن‌ها به روستا رساند. خانم هیام عطوی شرح این ماجرا را چنین بیان می‌کند: «... به یاد دارم که در یکی از روستاهای مسیحی نشین اطراف شهر بعلبک لبنان، ۱۲ نفر از روستانشینان بر اثر بارش شدید برف، زیر آوار سقف خانه خود مدفون شده بودند. امام به محض اطلاع از حادثه به آن‌جا شتافت و برای رسیدن به روستا، سه کیلومتر در برف پیاده‌روی کرد. وقتی امام به روستا رسید، محاسن ایشان به شکل قندیل درآمده و عبایشان یخ زده بود. چشمان مردم روستا که به امام می‌افتاد، بی اختیار فریاد می‌کشیدند که این خود حضرت مسیح است که برای نجات ما به این‌جا آمده است...». (عطوی به نقل از کمالیان و رنجبر، ج ۲، ۱۳۸۸: ۵۱۴)

### وحدت بین ادیان یک هدف نه یک تاکتیک

امام موسی صدر به وحدت بین ادیان به مثابه یک امر تاکتیکی و مصلحتی نمی‌نگریست؛ بلکه ایشان عمیقاً به وحدت مبتنی بر اهداف دین اعتقاد داشت. یکی از زیباترین خاطرات امام موسی صدر در این مورد، داستان بستنی فروش مسیحی شهر صور بود که به دلیل تبلیغات بستنی فروش شیعه مبنی بر نجس بودن بستنی‌های وی امرار معاشش دچار مشکل شده بود. حجه الاسلام ادیب حیدر این خاطره را چنین نقل می‌کند: «در شهر شیعه نشین صور یک بستنی فروش مسیحی زندگی می‌کرد که به سختی زندگی خود و خانواده اش را می‌گذراند؛ برای اینکه مشتری مسلمان نداشت و عملاً تحریم شده بود. وضع به جایی رسید که امرار معاش و ادامه زندگی برای این بستنی فروش مسیحی غیر ممکن شد و به همین جهت نزد امام صدر رفت. مدتی گریست و مشکل خود را مطرح نمود. تصور می‌کنید که عکس‌العمل امام صدر چگونه بود؟ این بزرگوار در محل این بستنی فروش حاضر شد، در جلوی مغازه نشست و به همراه دوستان خود از بستنی او تناول نمود. از آن روز به بعد وضع آن بستنی فروش سکه شد». (ادیب حیدر به نقل از کمالیان و رنجبر، ج ۱، ۱۳۸۸: ۱۹۶-۱۹۷)

### حضور در محافل دینی سایر ادیان و مذاهب

اما موسی صدر همچنین تلاش داشت با حضور در محافل سایر ادیان و مذاهب فاصله‌های بین ادیان را کنار بزند و زمینه‌ای برای اصلاح تصویر ذهنی ادیان و مذاهب از یکدیگر بوجود آورد. اصلاح تصویر ذهنی‌ای که می‌توانست پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی را از بین برده و تقریب بین الادهانی ایجاد کند. استاد شرف الدین این دغدغه امام موسی را چنین توصیف می‌کند:

جرج جرداق مسیحی: این

فرهنگ شیعه را که شما

مطرح می‌کنید اگر همه

مثل شما این جور آن را ارائه

می‌دادند الان دیگر اثری

از مذهب تسنن و دین

مسیحیت در این کشور باقی

نمی‌ماند

# وحدت اسلامی از منظر بزرگان شیعه و سنی



## مقام معظم رهبری

### اهل بیت پیامبر فقط متعلق به شیعه نیست.

بدیهی است دو مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با هم اتحاد دارند. اما اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوی فقهای شیعه در مواردی صد و هشتاد درجه با هم اختلاف دارد. فتاوی ائمه اهل سنت در مواردی بسیار با همدیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد، وقتی اختلافی است، انسان به همدیگر بدگویی کنند و فحش بدهند. او مذهبش این است، آن هم مذهبش این است... بله، اهل سنت همین است. یعنی هیچ کس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر مخصوص و متعلق به شیعه‌اند؛ نه، مال همه دنیای اسلامند. ۸۸/۲/۲۳



## امام خمینی (ره)

### ایجاد اختلاف تبعیت از شیطان درونی و خدمت به آمریکای جهان خوار است!

«بر جمیع سخنرانان، چه در محیط‌های باز و چه بسته و تمام نویسندگان، تکلیف حتمی شرعی است که حتی به طور اشاره و کنایه، از گفتار و نوشته‌های اختلاف‌انگیز اجتناب نمایند. امروز اختلاف برای امت اسلامی سم کشنده است و باید بدانند که ایجاد اختلاف در محیط حاضر، جز تبعیت از نفس اماره و شیطان درونی و خدمت به ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکای جهان خوار، نیست و از منکرات بزرگی است که شیطان به اسم اسلام، بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری می‌کند و باید بدانند که انقلاب اسلامی تاب تحمل آن را ندارد و متخلف را مجازات خواهد کرد». صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۵۷، ۱/۱۲/۱۳۶۰.



## آیت ا... وحید خراسانی

### به عبادت مریض‌های اهل سنت بروید

در پی ارسال برخی سؤالات در خصوص کافر خواندن شیعیان توسط برخی از علماء وهابی و اینکه آیا شیعیان نیز متقابلاً میتوانند اهل سنت را کافر بدانند؟ این سؤال که به صورت یک استفتاء به دفتر معظم له ارسال گردیده است اینگونه پاسخ داده شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

هر کس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بدهد مسلمان است و جان و عرض [آبرو] و مال او مانند، جان، عرض و مال کسی که پیرو مذهب جعفری می‌باشد، محترم است. وظیفه شرعی شما آن است که با گوینده شهادتین، هر چند شما را کافر بدانند، به حسن معاشرت رفتار کنید؛ اگر آن‌ها با شما به ناحق رفتار کردند، شما از صراط مستقیم و عدل منحرف نشوید. حتی اگر کسی از آنان مریض شد به عبادت او بروید؛ اگر از دنیا رفت در تشییع جنازه او حاضر شوید. اگر حاجتی به شما داشت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: «ولایجرمنکم شنثان قوم علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی؛ دشمنی با گروه دیگر وادارتان نکنند که عدالت نوزید، عدالت ورزید که به تقوی نزدیک‌تر است». و به فرمان خداوند متعال عمل کنید که فرمود: «ولاتقولوا لمن الفی الیکم السلام لست مومنا؛ یعنی به کسی که اظهار اسلام می‌کند نگویید مسلمان نیستی». (سایت معظم له؛ به نقل از کتاب نهم ربیع، خسارت‌ها و جهالت‌ها)



## آیت ا... بهجت

«کسی که وحدت مسلمانان را نخواهد، مسلمان نیست. ائمه علیهم السلام در نماز جماعت آنان به جهت اتحاد مسلمانان شرکت می‌کردند. وهابیون نه شیعه هستند و نه سنی! مذهب وهابیت یک جریان سیاسی است که ربطی به شیعه و سنی ندارد. (کتاب زمزم عرفان، ص ۳۱۸).



## آیت ا... سید محمد باقر صدر

من تمام عمرم را در وحدت و برادری شیعه و سنی صرف کرده‌ام و از هر پیامی که موجب وحدت آنان گردد و هر عقیده‌ای که آنان را در آغوش گیرد، دفاع و حمایت کرده‌ام. من برادر و فرزند اهل تسنن هستم، به همان اندازه که برادر و فرزند شیعه هستم. (کتاب سال‌های رنج؛ خاطرات شهید صدر).



## سید قطب

مسلمانان به تعبیر قرآن «التي هي اقوم»، باید ابتدا اساسی ترین عمل که ضروری ترین و فوری ترین آنهاست را در پیش بگیرند؛ یعنی تحصیل جماعت که قرآن به «اعتصام» تعبیر شده است. چون شرط نتیجه بخش بودن عمل، همگانی بودن آن است تا تفرق و روش های مختلف در عمل، اثر آن را خنثی نکند.



## شهید مطهری

امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین الگو وحدت

سیره متروک و فراموش شده شخص مولا علی علیه السلام - قولا و عملا - بهترین درس آموزنده در زمینه وحدت است. علی علیه السلام از اظهار و مطالبه حق خود و شکایت از ربابندگان آن خود داری نکرد. با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. خطبه های فراوانی در نهج البلاغه شاهد این مدعا است. در عین حال، این تظلم ها موجب نشد که از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود. در جمعه و جماعت شرکت می کرد، سهم خویش را از غنائم جنگی آن زمان دریافت می کرد. از ارشاد خلفا دریغ نمی نمود، طرف شور قرار می گرفت و ناصحانه نظری می داد (کتاب اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری).



## سید حسن نصرآ...

هیچ گاه این تفکر مطرح نبوده که شیعیان سنی شوند یا سنی ها شیعه شوند و این صرفا زاده خیال پردازی هایی است که اهدافی تحریک آمیز پشت پرده القای آن بوده است. طرح وحدت اسلامی از همان آغاز بر پایه همگرایی و نزدیک کردن و زمینه سازی گفت و گو میان مسلمانان بوده است. مسلمانانی که سیاست حکام و استعمارگران، سال ها برای از هم گسستن و واگرایی میان آنها و از هم گسستن یکپارچگی شان و تحریک گروهی بر ضد گروه دیگر و برافروختن آتش درگیری میان آنها فاصله انداخته بود. (ابناء نیوز)



## شیخ محمد عبده

تفرقه و ضعف مذاهب و دین، از دسایس بیگانگان است. بیگانگان کوشیده اند، فرق مختلف اسلامی را با تفرقه اندازی ضعیف کنند و قلوب آنان را نسبت به یکدیگر از رده سازند و آنان را از دستورات راستین اسلام دور کنند و بذر تشکیک را در میان مسلمانان بپاشند و رابطه را با دین راستین کم کنند.



## آیت... تسخیری

اگر امت اسلامی متحد نباشد، مشکلات جهان اسلام همچنان ادامه خواهد داشت. تقریب به معنای عقب نشینی یک مذهب از عقاید خود به نفع مذاهب دیگر نیست، بلکه باید همگان به عقاید نظریات خود پایبند باشند. تقریب به معنای کشف مشترکات میان مسلمانان است. اندیشه تقریب مذاهب در واقع یک اندیشه انسانی و فطری است و ما اطمینان داریم که نصوص اسلامی بر تقریب میان اندیشه ها که مقدمه تقریب بین مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت اسلامی است، تأکید دارند (سایت تقریب نیوز)



## امام موسی صدر

وحدت کلمه، یکی کردن نیروها و رشد کارایی ها، نه فقط از شریف ترین هدف های دینی و وصیت پیامبر عظیم الشان ماست؛ بلکه چیزی است که به موجودیت ما، شرف ما و موجودیت نسل های آینده ما بستگی دارد. بلی، مسأله ای است حیاتی. این وحدت کلمه نباید به صورت «شعاری» برافروخته یا «سخنی مکتوب» بماند؛ بلکه باید تابشی از فکر و تپیدنی از دل و راهی برای رفتن باشد. بعد اساسی در شناختن آینده باشد و این جز با تلاش فکری فوق العاده و اهتمام ویژه برخاسته از دورن و کوشش و تلاش و شب زنده داری میسر نخواهد بود. در این هنگام وحدتی خواهیم داشت نمونه، که دیگران از آن الگو خواهند گرفت (کتاب ادیان در خدمت انسان).

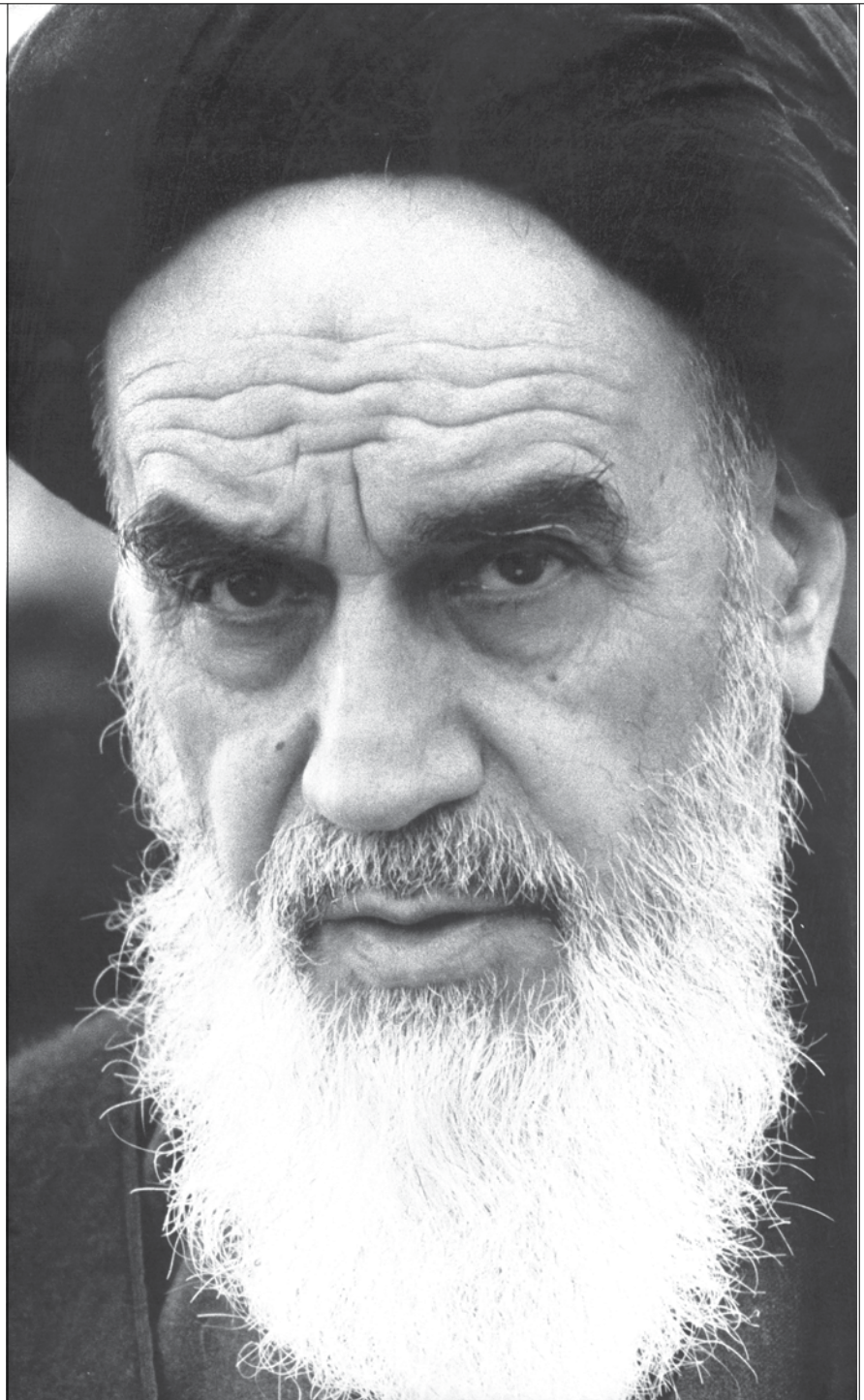
اشاره: عبدالوهاب حسین ۵۸ ساله و ملقب به مفجر الثورة (آغازگر انقلاب ۱۴ فوریه) و عموماً با لفظ استاد در بین مردم بحرین خطاب می شود. وی از جمله سه رهبر اصلی انتفاضه دهه نود بحرین می باشد که در آن انتفاضه، ۶ سال را در زندان انفرادی گذرانده است. وی از نخستین کسانی بود که در انقلاب ۱۴ فوریه بحرین، از صبح زود در صف اول تظاهرکنندگان به میدان آمد و جوانان را به ایجاد تظاهرات برای اصلاحات تشویق کرده بود. وی را می توان در دو دهه گذشته مغز متفکر سیاسی در بحرین نامید. وی عضو هیئت مؤسس جمعیت الوفاق ملی و مؤسس و رهبر گروه انقلابی وفاء اسلامی و نیز سخنگوی رسمی اصحاب انقلاب دهه نود می باشد. وی هم اکنون در زندان است و محکوم به حبس ابد می باشد. از وی کتب و مقالات و سخنرانی های فراوانی در مورد انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) وجود دارد. آنچه در زیر می آید بخشی از مصاحبه ایشان با مجله حکمت که مربوط به وحدت و عملی کردن آن توسط امام بود، خدمت شما تقدیم می گردد. این مصاحبه، مسلط بودن استاد به مباحث و اندیشه های امام و رهبری را نشان می دهد.

### آیا انقلاب اسلامی ایران در خصوص تثبیت اصل وحدت اسلامی موفق عمل کرده است و لطفاً برای ما شواهدی ذکر کنید؟

امام خمینی از ستون های اصلی اسلامی به شمار می رود که به وحدت اسلامی دعوت و برای آن با هر قدرت و تلاشی که داشته عمل کرده است؛ به طوری که می فرماید: هدف ما اسلام و وحدت کلمه مسلمانان در تمام جهان و اتحاد (همبستگی) با تمامی دولت های اسلامی است تا بتوانیم در یک صف در مقابل صهیونیست و اسرائیل و همه دولت های استعمارگر بایستیم (جنبه هایی از اندیشه های امام خمینی، ص ۱۱۱).

از دیدگاه امام خمینی (ره) اختلافات و درگیری های شدید بین مسلمانان باعث ضعف و عقب افتادگی مسلمانان و آسان شدن راه های غلبه و نفوذ دشمنان بر آن ها و غارت ثروت های آن ها شده است؛ به طوری که می فرماید:

در حال حاضر، تعداد مسلمانان حدود ۱ میلیارد نفر است، ولی همه آن ها در برابر قدرت خارجی خاضع هستند و جامعه ای را نمی یابید که همه افراد آن مسلمان باشند، مگر اینکه دستن یکی از قدرت های بزرگ در همه امور آنان نفوذ دارد؛ این در



## امام خمینی از ستون های اصلی اسلام است

گفت و گویا استاد عبدالوهاب حسین (آغازگر انقلاب بحرین) در مورد نقش امام خمینی علیه السلام در وحدت اسلامی

مترجم: سید محمد موسوی





کنند و از دادرسی در دادگاه‌هایی که به آنها اعتماد دارند، برخوردار گردند؛ این همان امری است که استکبار جهانی به دنبال مخفی کردن و نابود کردن آن با تمام قوت و خباثت است و بر این اساس امام خمینی علیه السلام در حالی که مهمانان جمهوری اسلامی را در هفته وحدت سال ۱۴۰۳ هـ. ق مخاطب قرار دادند، فرمودند: «هدف دشمنان از رسانه‌های مخالف این است که مسلمانان جهان را گول بزنند و این هماهنگی و همبستگی بزرگ در ایران را از بین ببرند. بر شما مهمانان لازم است که این معجزه به وجود آمده در ایران را و اینکه همه طوایف در کنار هم با اتحاد و همبستگی زندگی می‌کنند را منعکس کنید». (همان، ص ۱۳).

گام دومی که امام خمینی برداشتند این بود که از ۱۲ تا ۱۷ ربیع را هفته وحدت نام‌گذاری کردند و همگی اعم از شیعه و سنی را به هفته وحدت اسلامی دعوت نمودند و نیز نام‌گذاری روز قدس جهانی در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان هر سال، دو جلوه از جلوه‌های صدق و جدیت در عمل است.

جمهوری اسلامی ایران بر روش و برنامه امام خمینی علیه السلام در دعوت به وحدت اسلامی و تمسک به آن در عمل استمرار پیدا کرد و هفته وحدت و روز قدس جهانی را هر سال رعایت و تقربیب بین المذاهب را نیز مراعات می‌نماید. امام سید علی خامنه‌ای نیز همان راه را ادامه دادند و می‌فرمایند: «... ما با جدیت به ایجاد دارالتقربیب بین مذاهب اسلامی مایل هستیم و امید داریم که این امر تحقق یابد» (فرهنگ اسلامی، شماره: ۵۱ - ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م، ص ۱۵ - ۱۶).

منبع: سایت استاد عبدالوهاب حسین



الهی را که خداوند امر فرموده بود و آن «و اعتصموا بحبل الله...» را فراموش کردیم، آن وقت می‌بینید که عنایت خداوند از ما خواهد رفت». (فرهنگ اسلامی، شماره: ۵۱ - ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م، ص ۷).

و این همان ناامیدی است و می‌بیند که وحدت اسلامی همان راه تحقق سعادت، عدالت، استقلال و برگرداندن ویژگی‌های فرهنگی برای امت اسلامی و قرار دادن دست بر روی ثروت ملی و تحقق یافتن اهداف عالی اسلامی است، به نحوی که می‌فرمایند: «به حکم اسلام بر مسلمانان واجب است که یکدست باشند تا بتوانند دست اجانب و استعمارگران را از دخالت در وطنشان قطع کنند».

و می‌فرمایند: «دولت‌های بزرگ می‌دانند که اگر وحدت تحقق یابد و بین مسلمانان الفت بوجود آید، نمی‌تواند در امور دولت‌های کوچک دخالت کند». (فرهنگ اسلامی، شماره: ۴۵ - ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۲ م، ص ۱۰).

ایشان بیان می‌کنند: «اگر وحدت بین مسلمانان تحقق یابد - و انشاء... تحقق می‌یابد - دستان دولت‌های بزرگ را از ثروت‌های مسلمانان و تمامی مستضعفان جهان قطع خواهد کرد». (همان، ص ۱۱).

و می‌فرمایند: «از همه می‌خواهم برای گسترش عدالت اسلامی که تنها راه رسیدن به سعادت امت است به کمک یکدیگر بشتابند». (جنبه‌هایی از اندیشه‌های امام خمینی، ص ۱۱۱).

و می‌فرمایند: «ما برای حمایت کشورمان و زندگی با استقلال و آزادی با هم پیمان بستیم و همگی متحد و منسجم شدیم تا در مقابل قدرت‌های طمع‌کار بایستیم و نگذاریم که به ما آزار برسانند». (فرهنگ اسلامی، شماره: ۴۵ - ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۲ م، ص ۱۱).

امام خمینی از جمله کسانی بود که دیدگاه خود را درباره وحدت اسلامی عملی کردند. گام‌های عملی‌ای که ایشان برای اجرای آن اتخاذ کردند چه بود و چگونه آن را محقق ساختند؟

گام اولی که امام برداشتند، مجسم کردن وحدت اسلامی در قانون جمهوری اسلامی ایران بود که آن را در جایگاه اجرا قرار داد به نحوی که قانون به همه هموطنان با وجود اختلاف در مذاهب، به یک چشم نگاه می‌کند، اعلام می‌کند که پیروان مذاهب حق دارند که مذهبشان را اعلام

حالی است که تعدا افراد قدرت‌های بزرگ ۱۵۰ یا ۲۰۰ میلیون نفر بیش نیستند؛ اما و راز عملکرد آن‌ها این است که این ۱۵۰ میلیون نفر با یکدیگر متحدند؛ در حالی که این ۱ میلیارد نفر متفرق و در حال منازعه می‌باشند (کوثر، ج ۲، خ: ۵۲، ص ۳۱۱).

و در ادامه می‌فرمایند: «در همه این سال‌ها که به دنبال ظهور دولت اسرائیل و اشغال زمین‌های فلسطین گذشته، تمام دولت‌های عربی از برگرداندن آن عاجز شدند و آن‌ها می‌گویند، آمریکا پشت اسرائیل می‌ایستد، ولی این دلیل نمی‌شود؛ بلکه شما فاقد شایستگی و لیاقت هستید. اگر قدرت ۱۰۰ میلیون عرب جمع شود، آمریکا در مقابل آن‌ها هیچ کاری نمی‌تواند بکند و نه اروپا و نه غیر آن قادر نیستند کاری پیش ببرند؛ اما متفرق هستند». (همان، ص ۳۱۳).

و همچنین بیان می‌دارند: آن‌ها این اختلافات را برپا میکنند تا مانع پیشرفت کشور شوند و افراد را رقیب یکدیگر قرار می‌دهند، تا آرزوهایشان را محقق سازند و نفت و گاز و همه ثروت‌های آن‌ها را بدون اینکه یک نفر از آن‌ها جلوی آن‌ها بایستد و به آن‌ها اعتراض کند، غارت می‌کنند؛ زیرا رای آن‌ها واحد نیست و آنچه روبروی آن‌هاست افکار متفرق و متناقض است. (همان، ص ۳۱۴).

از دیدگاه ایشان: دعوت به وحدت اسلامی و به فعلیت در آوردن آن یک تکلیف شرعی است که از طبیعت اسلام حنیف و حقیقت الهی سرچشمه میگردد؛ به نحوی که می‌فرماید: به حکم اسلام بر مسلمانان واجب است که یکدست باشند. (فرهنگ اسلامی، شماره: ۵۱ - ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م، ص ۶).

و می‌فرمایند: «ای مسلمانان جهان که دارای ایمانی به حقیقت اسلام هستید، به پا خیزید و زیر پرچم توحید و زیر سایه تعالیم اسلامی جمع شوید». (همان، ص ۷).

و به همین خاطر است که تخلف از این تکلیف شرعی، خیانت است و منجر به رویگردانی خداوند از متخلفان می‌شود، به نحوی که می‌فرمایند: یکی از واجبات امروز مسلمانان در وحدت کلمه متمرکز می‌شود و لازم است که کلمه مسلمانان یکی شود و هر کس از آن تخلف کند به اسلام خیانت کرده است» (جنبه‌هایی از اندیشه‌های امام خمینی، ص ۱۱۲).

و می‌فرماید: «اگر - خدای ناکرده - با یکدیگر اختلاف پیدا کردیم و آن جهت



## هیچکس دغدغه رهبری برای وحدت رانداشت!

حسین کمیلی

است که بین مسلمین اختلاف بیانازند. ما هم دغدغه داشتیم که کاری نکنیم. جرقه‌ای در ذهنمان زده شد و تصمیم گرفتیم نماز عصرهایی که فرادا می‌خوانیم، برای تحکیم وحدت با اهل سنت به جماعت بخوانیم. ایده در ذهن ما ساده بود، ولی نمی‌دانستیم که خیلی متهورانه است؛ چون روی یک خط قرمز پا گذاشته بودیم.

### استفتاء برای اقتدای نماز به اهل سنت

ایده با رفقا مطرح شد و اکثراً پسندیدند. خلاصه بنا به مراجع تقلید بچه‌ها، از دفتر رهبری، آقای فاضل و آیت‌... مکارم شیرازی استفتاء کردیم. سوال این بود: آیا برای حفظ وحدت، نماز

می‌رفتند. چند نفر بودیم که نماز عصرمان را جدا می‌خواندیم و این قضیه از گذشته بود و به دانشجوی شدن در زاهدان ربطی نداشت.

### قضیه تاسوکی و اقدامی عملی برای وحدت

گذشت و گذشت تا واقعه تاسوکی اتفاق افتاد. بعد از حادثه تاسوکی، یک غیظ و بدبینی خاصی بین اهل سنت و شیعیان دیده می‌شد. خصوصاً از جانب شیعیان به اهل سنت؛ چون بالاخره چندین شیعه را کشته بودند و بعدش هم عبدالملک ریگی، سی‌دی‌های جنایاتش را پخش کرده بود و همه مردم دیده بودند و به بدبینی‌ها دامن زده بود. از طرف دیگر، رهبری هشدار داده بودند که این کارها طوری طراحی شده

### ما به اهل سنت مثل برادران واقعی مان نگاه می‌کردیم

زمانی که دانشجوی دانشگاه سیستان و بلوچستان بودم، همیشه احساس می‌کردم این دغدغه رهبری برای وحدت را هیچ‌کس ندارد و یا مثل برخی دغدغه‌های دیگر ایشان مثل عدالت، تولید علم، آزاداندیشی تفاوت ندارد. این قضیه خیلی مه‌جور بود. هر چه کردیم نشد سراغ یک عالم برویم و حرف‌های رهبری را از او بشنویم. انگار قضیه وحدت خط قرمزی بود که نباید در آن به رهبری اقتدا کرد!

ما به اهل سنت مثل برادران واقعی مان نگاه می‌کردیم و هیچ حساسیتی نداشتیم، رابطه مان با آن‌ها خوب بود. در مسجد نماز ظهر و مغربشان را زودتر از ما می‌خواندند و



ذیل نیز در توضیح سوال قبلی ذکر شود. در دانشگاه سیستان و بلوچستان شهر زاهدان دانشجویان اهل سنت در اقلیت هستند و نماز جماعت رسمی هم ندارند. نماز جماعت رسمی مربوط به اهل تشیع است. با توجه به این نکات، آیا اگر شرکت ما دانشجویان مذهبی در نماز جماعت ایشان باعث تقویت ایشان گردد، باز هم می‌توانیم در نماز جماعت ایشان شرکت کنیم؟ ضمناً اطلاع دارید که ایشان در نماز جماعت تشیع شرکت نمی‌کنند. باتشکر فراوان در صورت امکان هر چه سریع‌تر پاسخ مربوطه را ارائه فرمایید.»

طبیعتاً همه منتظر بودیم که جواب این طور بیاید که بنا به مصلحت، جایز نیست یا یک چیزی توی همین مایه‌ها و یا لااقل بنا به استدلال آن مسجدی‌هایی که می‌گفتند رهبری معذوریت دارد! بگویند جواب همان است که عرض شد.

#### آقا گفتند: این کار را با جدیت ادامه دهید!

در کمال تعجب پاسخ فراتر از یک استفتاء شد و رهبری یک پیام را صادر نمودند: «بسمه تعالی. حفظ وحدت اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که ائمه معصومین: در طول تاریخ همواره شیعیان را به آن توصیه و از هر نوع تفرقه‌ای برحذر داشته‌اند و در عصر غیبت تا زمان حاضر نیز فقهای اسلام (کثراً... امثالهم) نیز بر این امر مهم تأکید کرده‌اند؛ بنابراین شما دانشجویان عزیز و با ایمان نیز به متابعت از اولیای خود در این کار خدایسندانه نهایت جدیت و تلاش خود را مبذول دارید تا مستوجب اجر و ثواب و دعای خیر حضرت بقیه... الاعظم (ارواحنا فداه) گردید. موفق و مؤید باشید.»

احساس تکلیف چند برابر شد. باز هم همان قضایا تکرار شد یعنی می‌آمدند و متن سند را میدیدند تا باور کنند. جالب اینجاست که فقط بعضی‌ها قبول کردند و شاید فقط یک نفر به نمازگزاران اضافه شد، ولی بقیه یا سکوت کردند یا نفی! و پافشاری کردند که این به مصلحت نیست. کار بالا گرفت تا جایی که قرار شد دیگر ادامه ندهیم.

#### پی‌نوشت:

۱. مسئول سابق کانون قرآن و عترت دانشگاه زاهدان

کند؟ شما دقت کنید و اگر نماینده و منتسب به رهبری هستید، خودتان را در افق رهبری بیاورید. اتفاقاً این بحثها شروعی شد که ما عملکرد نهاد رهبری در دانشگاه را نقد کردیم و گفتیم: شما اصلاً هیچ کاری برای وحدت نکرده‌اید. دفاع می‌کردند که چرا یک بار نماز وحدت خوانده‌ایم! الان هم شما ادامه ندید، کمک کنید تا یک نماز وحدت باشکوه برگزار کنیم. ما هم گفتیم: آن را خودتان برگزار کنید و به این مسئله ربطی ندارد.

#### رفتیم و همه سخنان رهبری در باب وحدت را خواندیم!

دانستن نظرات رهبری در زمینه وحدت، بیشتر از گذشته احساس می‌شد. تقسیم کار شد که همه سخنان رهبری درباره وحدت را در آوریم و خلاصه‌اش را در جزوه "وحدت یعنی برادری" منتشر کردیم. مسجد، هر روز ظهر بعد نماز شده بود محل تجمع بچه‌های مختلف مذهبی که برای بحث و سؤال می‌آمدند. بچه‌های ما هم به جواب دادن می‌نشستند. بسیاری از حرف‌های رهبری را که به هیچ روشی نمی‌شد به ملت گفت، به این بهانه داشتیم به همین مذهبی‌های خودمان می‌گفتیم. برای اکثریت آدم‌ها هم عجیب بود که رهبری چنین نظرات و دیدگاه‌هایی دارند. خلاصه ما می‌گفتیم که این‌ها باید خودشان را تطبیق بدهند ما نباید به خاطر حساسیت‌های این‌ها، روی اصول پا بگذاریم.

#### کار به نماینده ولی فقیه کشید و همان استفتاء را با قبودی دوباره پرسیدیم!

بچه‌های مسجد قضیه را کشاندند به حاج آقا سلیمانی، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه شیعیان زاهدان. حرفشان این بود که ایشان هم مخالف است. گفتیم باشد حرفشان را می‌شنویم. طبق نظر ایشان قرار شد استفتاء را دقیقتر و با چند قید مطرح کنیم؛ مثلاً اینکه آن‌ها حاضر نیستند پشت سر شیعیان نماز بخوانند و اینکه این کار باعث تقویت آن‌ها می‌شود و...

متن استفتائی که پرسیدیم به این صورت شد: «با سلام و تشکر. به خاطر پاسخ سریع به فتوای قبلی، با مشورتی که با یکی از علما داشتیم پیشنهاد کردند که موارد

خواندن پشت سر اهل سنت در دانشگاه جایز است؟

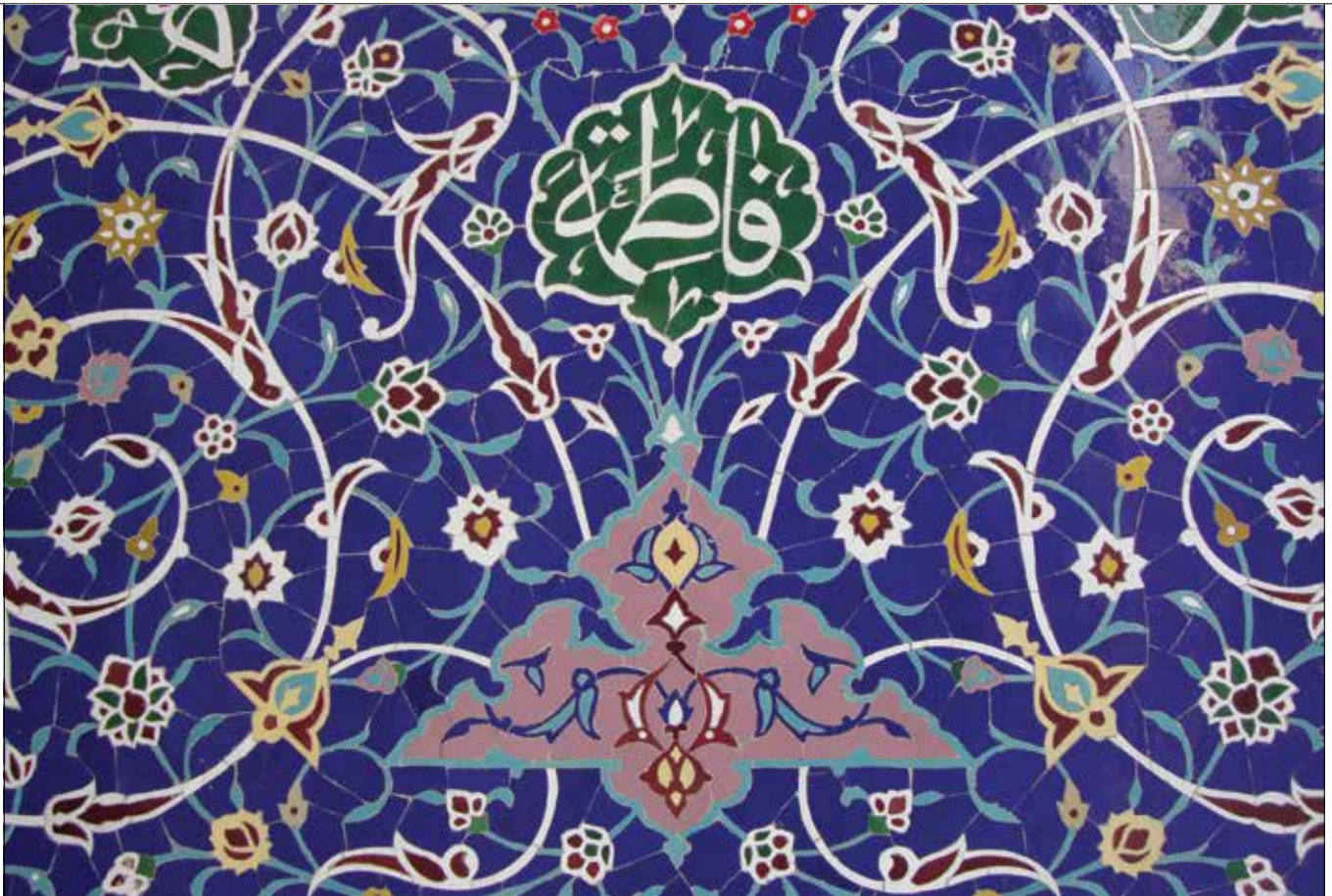
جواب دفتر آقا و جناب فاضل مثبت بود و جواب دفتر آقای مکارم منفی. بچه‌ها تقسیم شدند. کسانی که مقلد آقا و آقای فاضل بودیم، قرار شد هر وقت سمت مسجد بودیم، نماز عصرمان را با اهل سنت بخوانیم. دقت کنید نه اینکه همه وعده‌ها و همه با هم؛ نه! فقط هر کسی گذرش افتاد! چون آن ساعت ما اکثراً یا خوابگاه بودیم یا سر کلاس.

یکی دو روز که چند نفری از دوستان این کار را انجام داده بودند، توسط یکی از بچه‌های خیلی هیئت‌ی دانشگاه دیده شده بودند؛ اذاً شروع شد. خبر این کار به سرعت در دانشگاه و شهر پیچید. چند تا از رفقای مسجدی و هیئت‌ی آمدند و گفتند: شما چنین کاری کردید؟ ما هم می‌گفتیم هنوز که توفیق نشده، ولی ظاهراً فلانی خوانده! بعد سوال و جواب که به چه مجوزی این کار را کردید؟! پشت سر این‌ها مگر نماز درست است؟ ما گفتیم: بله؛ استفتاء کرده‌ایم. جالب بود که همه تا استفتاء را نمی‌دیدند قبول نمی‌کردند. تازه بعدش شبیه می‌شد مگر ممکن است؟! نماز وحدت فرق دارد با نماز واجب. منظور این بود که یک نماز نمادین باشد، عیب ندارد، ولی نماز واجبتان را باطل نکنید!

بعضی‌ها هم به صراحت می‌گفتند: مسئله ولایت را نباید تقلید کنید؛ چون اساس دین است یا بعضی از همان دو آئین‌های ولایی می‌گفتند رهبری به دلیل جایگاه سیاسی شان نمی‌توانند راحت نظر بدهند و قبول نیست. ما می‌گفتیم شما رهبری را با این حرف‌هایتان از رهبر بودنش انداختید.

#### معاون نهاد می‌گفت: چطور رهبری چنین فتوایی را داده‌اند!

بحث‌ها بالا گرفت و کار به نهاد رهبری دانشگاه کشید. ما را خواستند و گفتند: این کار به صلاح نیست. ما هم می‌گفتیم که به صلاح است. جالب بود معاون نهاد می‌گفت چطور رهبری چنین چیزی را اجازه داده‌اند!! آنها وضویشان و نمازهایشان با ما فرق‌هایی دارد و... گفتیم: حاج آقا بیخشید کسی که اجازه را داده است، خودش فقیه و مجتهد است و این‌ها را خوب می‌داند. ببینید چه منطقی بالاتر است که می‌تواند اینگونه احکام فردی را با خودش هماهنگ



## مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام نزدائمه علیهم السلام

وی آموخت، نمی یابم؛» سپس فرمودند: «روز جمعه غسل کرده و دو نماز دو رکعتی بگزار و در رکعت اول آنها یک بار سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم پس از حمد پنجاه مرتبه سوره و العادیات، و در رکعت سوم بعد از حمد پنجاه بار سوره اذا زلزلت، و در رکعت چهارم نیز پس از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و الفتح بخوان». سپس این دعا را بخوان:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَالَيْكَ يَا إِلَهِي كَأَنْتَ تَهَيَّئْتَنِي وَ تَعَبَّئْتَنِي وَ أَعْدَدْتَنِي وَ اسْتَعْدَدْتَنِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ فَوَائِدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ لَا تُخَيِّبُ عَلَيْهِ مَسْأَلَةَ السَّائِلِ وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ فَأَنْتَ لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتَهُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ إِلَّا مُجَمِّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عُدَّتْ بِهِ عَلَيَّ الْخَاطِئِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَيَّ الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعَكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَيَّ الْمَحَارِمِ أَنْ جُدَّتْ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنِّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاءِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ.

(مصباح المتعهد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۳۱۹)

دروسائل الشيعة ج ۷؛ ص ۳۷۱ روایتی در مقام منزلت حضرت زهرا علیها السلام از زبان امام صادق علیه السلام با تعبیر بسیار کم نظیر «ما اعلم ان احداً كان اكبر عند رسول الله (ص) من فاطمة...؛ کسی را نزد پیامبر علیه السلام عزیزتر و گرامی تر از فاطمه علیها السلام نمی یابم» آمده است که به جایگاه حضرت در زنده اشاره دارد. متن کامل روایت به همراه دعایی که در انتهای این نماز وارد شده تقدیم می گردد.

عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: دَخَلَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلْبِيَّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ لَهُ يُعَلِّمُنِي أَفْضَلَ مَا أَضَنَعَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَا أَغْلَمُ أَنْ أَحَدًا كَانَ أَكْبَرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ ع - وَ لَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا قَالَ مَنْ أَضْبَحَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - فَاعْتَسَلَ وَ صَفَّ قَدَمَيْهِ وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مِثْلِي مِثْلِي يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ - وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْعَادِيَاتِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ فِي الثَّلَاثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ إِذَا زُلْزِلَتْ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ - وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ هَذِهِ سُورَةُ النَّصْرِ - وَ هِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ فَإِذَا فَرَعْنَا مِنْهَا دَعَا فَقَالَ وَ ذَكَرَ الدُّعَاءَ. (وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۳۷۱)؛

صفوان بن یحیی گفته: محمد بن علی حلبی در روز جمعه بر امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت: بهترین کاری را که می توانم در این روز انجام دهم، به من بیاموز. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی را نزد پیامبر علیه السلام عزیزتر و گرامی تر از فاطمه علیها السلام و چیزی را بهتر از آنچه که به

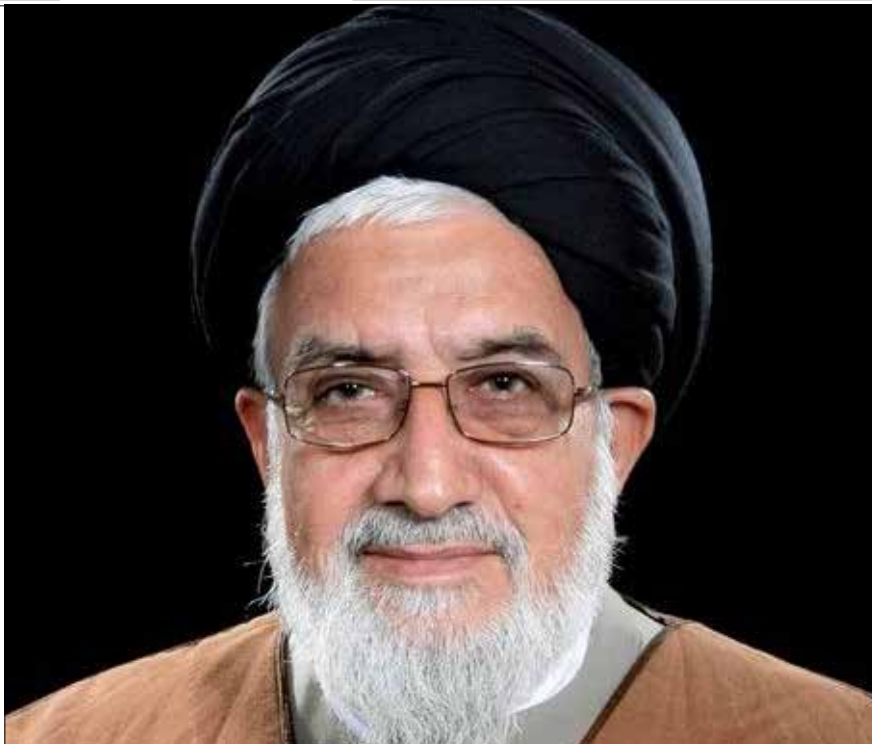


▲ اثر سید مهدی حسینی - از سایت shiaarts.ir

# پرونده ویژه

# فاطمه علیها السلام

## محور وحدت



## الوحدة الإسلامية في الخطبة الفاطمية

آیت... سیدمرتضی صالحی خوانساری

متوج و مزین فرمود؛ پس بنای زندگی مردم آن سامان و آن زمان بر محبت و وحدت، و برادری و یکدیگردوستی پایه‌گذاری شد و با زحمات طاقت فرسای آن وجود دلسوز دارای خلق عظیم، کار به جایی رسید که وقتی در جنگ، تشنگی بر سر باز مصدوم غلبه کرد و فریاد زد «آب آب»، سربازی بلافاصله ظرف آبی به او رساند. ناگهان سرباز افتاده بر خاک صدا زد «آب آب». سرباز اولی گفت: آب را به او برسان. او هم گفت به سومی، او هم به چهارمی، او هم به پنجمی و او به صدای ششمی و او به هفتمی که خواست آب بدهد، دید شهید شد. برگشت دید که ششمی جان داد؛ پنجمی و چهارمی و سومی و دومی و اولی هم جان دادند و همگی به خاطر تحویل دادن آب و ایثار کردن نسبت به همدیگر شهید شدند.

در سایه وحدت و محبت بود که آب و جان به همدیگر می‌دادند. این مکتب انسان ساز و وحدت آفرین و محبت زای رسول ﷺ و قرآن بوده که بشر را از حسیض ذلت به اوج عزت رساند و جامعه شد جامعه الهی، معنوی، فرهنگ قرآنی و نسل و ناموس دوستی.

حال، بنابراین است که در بایبیم عمر کوتاه و مصیبت بار یکتادخت این پیامبر را که بعد از پدر، دل داغدار آن عزیز، چه نوا و ناله‌ای سرداد و با آن ناله‌ها و نواها چه پیام‌هایی داد و برای چه واقعیتی ناله کرد و چرا از ناله و شکوه خسته نمی‌شد و در مسجد پدر با جمعی از زنان مهاجر و انصار، فریادها برآورد و با دید انصاف بنگریم که غرض و قصدش از آن فریاد، حماسه و خطبه بی نظیر در عالم فصاحت، بلاغت و حقیقت‌گویی، چه بود؟! آن اشک‌ها که ریخت و از چشمان دیگر حاضران در مسجد، اشک‌ها گرفت، برای چه بود؟! تنها نگوییم خطبه فدکیه و فقط خطبه ولایتیه یا دم از حق شخصی زدن!! بلکه بگوییم شکوه و ناله و خطبه. اشک و آه برای از دست رفتن وحدت و پایمال شدن محبت و مودت بود. طبق سخن قرآنی، مودت است که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند و تقریب ایجاد می‌کند. مودت و محبت اکسیری است که از هر فلزی بی‌قیمت، طلای ناب و جواهر نایاب می‌سازد. ناله‌های دخت نبوت و یادگار رسالت، به خاطر تن دادن به تفرقه، افتراق و جدایی‌ای بود که می‌دید امت واحدهٔ زمان پدر، بعد از پدر، به ۷۳

محصول آن جز خصومت، خونریزی، سرقت و اختلاس در زندگی‌شان چیز دیگری نبود. اینجا خدای احد و واحد، دلسوزترین بندگان (محمد) را به سوی آنان فرستاد تا آنان را از بلای هلاکت بار تفرقه به وحدت و از تشمت به تجمع، برادری و یکدیگردوستی فراخواند و فریاد برآورد از حلقوم محبت و وحدت دوستی که «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ از همه راه‌های بیراهه و هدف‌ها و خواسته‌های نامعقول به یک‌راه و یک هدف خردمندانه و مقدس بگرایید و آن «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) است؛ یعنی به یک بند محکم بیاویزید و همگی چنگ بزنید که ناگسستنی است. این‌گونه بود که محمد ﷺ عداوتشان را به اخوت مبدل کرد و از لب پرتگاه هلاکت بار آتش تجاتشان داد؛ «... فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ...» (آل عمران: ۱۰۳) و در سایه وحدت و برادری، هر تلخی و ناملایمات را در خود هضم و هموار کرد تا به مدال الهی «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ شرافت یافت و امت را به تاج «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰)؛

بسم... الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين  
«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»؛  
خدا یکتا است و مرکب هم نیست، نزائیده و زائیده هم نشده و احدی برای او هم‌تا و هم‌گون نبوده است (خودش بوده و خودش و خودش فقط لا غیر).  
او می‌خواهد خلقتش از هر نژاد و طبقه و چهره و رنگ، واحد باشند و آن جز با وحدت در فکر، ایده، هدف و برادری امکان پذیر نیست. مسلماً هیچ بلا و مصیبتی در جامعه بشر بدتر از بلای تفرقه و تشمت نیست. مولای دلسوز و جامعه دوست علی ﷺ فرمود: «ان بلیه العرب التي کانت محیطه بهم یوم بعث الله نبیه محمد ﷺ هی بلیه الفرقة و محتته الشتات اذکانو متبا غضین متنافرین. کل یدعو الی عصبیته و ینادی نداء عشرته» (عبده، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۳)؛ جهان عرب به بدترین بلا مبتلا بود و آن تفرقه، تشمت و بیگانگی از یکدیگر بود و قبیله‌گرایی، بغض و نفرت از همدیگر داشتند که حاصل و



شقه و فرقه تبدیل خواهد شد. آن نطق نافذ که دل‌ها را شورانید و موجی عجیب آفرید، برای گسیخته شدن اعضای جامعه بود؛ چون قطعه قطعه شدن اعضا و جوارح یک بدن، قابل جمع شدن و پیوند خوردن نبود.

آن همه گله و درد دل نزد هر انسان با انصاف و بی‌انصاف که به عیادتش می‌آمدند، برای تکه تکه شدن جامعه منجم بود. بابا رفت و وحدت و مودت و محبت هم رفت. یک پیکره منجم و به هم پیوسته از هم گسیخت؛ پس دیگر حق، ناحق و باطل، حق جلوه خواهد کرد و تشخیص حق و باطل آسان نیست.

شما را به خدا و وجدانتان، سراسر این خطبه غراء را بخوانید، بفهمید و با دید انصاف بنگرید و نظر دهید. عصاره خطبه و بیانات جذاب و گدازنده آن بی‌بی بزرگوار، تنها داغ پدر دیدن نبود، بلکه داغ از دست رفتن سنت و فرهنگ حیات بخش پدر بود! خواست بگوید که اخوت اسلامی به خصومت نفاق مبدل شد و محبت و مودت به عداوت، و وحدت به فرقه تبدیل گشت؛ لذا خداوند فرمود:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۴)

دخت نبی می‌داند که در جنگ احد، مسلمانان خیال کردند که پیامبر مُرد و لذا جنگ با کفار و مشرکان را رها کردند و فرار را برقرار ترجیح دادند. خداوند این چنین دید و فرمود: معلوم می‌شود که اگر روزی پیامبر بمیرد، شما به عقب برمی‌گردید!

همان‌گونه شد و سیره و سنت و سفارش‌های پیامبر ﷺ فراموش گشت و فاطمه ﷺ دید که اوضاع همان‌گونه است که خدا فرمود.

نالۀ این ناموس برای این مصائب بود نه برای خودش و شخص پدر و شوهر. آری، به شخصیت پدر و همسر جسارت شد و این هم محصول ترک وحدت و تخریب تقریب بود و هرچه بی‌عدالتی، جسارت و خصومت و تفرقه ایجاد شد، نتیجه نادیده گرفتن اخوت و وحدت اسلامی است و تمام کلمات و جملات خطبه آن خطیب بلیغ، گویای همان مسائل و مصائب است. نگوییم این خطبه فقط احتجاج‌نامه است؛ چراکه یک نظام‌نامه معرفتی-

اسلامی و آیین جامع دین الهی است و مصداق اتم ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲) می‌باشد و خلاصه برای حضار و آن مردم فراموش‌کار، یک دردنامه تکان‌دهنده بود و برای هر نسل در هر عصری، قله کلام و فریادش در آن خطبه بلیغه که دردش را گویا کرده، بر لوح دل‌ها نقش می‌بندد، ولی دل‌های آن مردم، دیگر خدادوست و حقیقت‌یاب نیست. امروز، ما و جامعه ما به‌گوش دل بشنویم و لبیک گوئیم و از آن گذشته ننگین، پند و عبرت بگیریم. این است که فرمود:

﴿جَعَلَ اللَّهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ﴾ (بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳)؛ اگر دردها را برشمرد و بران گریست و گریاند، درمان را هم نسخه کرد که اطاعت از یادگاران و قربای پیامبر و مودت به آنان، مایه نظم و نظام زندگی انسانی است و قبول امامت و پیشوایی ما هم، مایه وحدت و نجات از فرقه و درامان شدن از تفرقه و تشتت است. باید بگوییم به خدا سوگند! عصاره و خلاصه فریادها، ناله‌ها و اظهار دردها در این مقال زنده و خطاب برانزده، به خاطر درد تفرقه و اختلاف است و تنها درمانش نیز وحدت و قرب به یکدیگر و برادری است که دیگر آن پیامدهای هلاکت‌بار را به بار نیاورد.

می‌دانیم که رسول اعظم ﷺ با کتاب و کلاس و درس آمد؛ ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۱۰۷) و نشان داد که رحمت محض است. در قبال آن وجود رحمت، طبیعی و ضروری است که مودت و عشق و محبت باید باشد؛ ﴿... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ (شوری: ۲۳).

او رحمت داد، ولی اینجا مودت فراموش شد؛ لذا خصومت و عداوت پدید آمد و نشد آنچه که باید می‌شد و شد آنچه نباید می‌شد و خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر بر جامعه وارد گشت و هنوز در همان خسارت‌ها دست و پا می‌زنیم؛ این در حالی است که آن عصاره نبوت و رسالت، تمامی این مضامین و مطالب را بیان کرد، آنجا که فرمود: ﴿وَلْتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحَلَّهَا ثَقِيلًا وَعَيْبًا وَبِيلاً إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْعِظَاءُ وَ بَانَ وَ زَادَ وَبُهُ الصِّرَاطُ وَ بَدَأَ لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَخْتَسِبُونَ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ﴾ (الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ به خدا سوگند که عقوبت این کار سنگین را خواهید دید و پیامدش را بسیار

بد و وبال‌آور خواهید یافت؛ آنگاه که پرده کنار رود و سختی‌ها و عذاب‌های پشت آن پدیدار گردد و از سوی پروردگارتان آنچه که فکرش را هم نمی‌کنید، برایتان آشکار شود و در آن هنگام، باطل پیشگان زیان‌کار می‌گردند.

این عزیزه خدا، تنها برای خودش، مُلکش، شوهر و فرزندان غصه نمی‌خورد. این همان مادر غمخواری است که فرزندش حسن ﷺ فرمود: دل شب از خواب بیدار شدم، دیدم مادرم در محراب عبادت در دعاها و در قنوت‌ها، همیشه مردم، نگرهبانان کشور و جان و مال و ناموس و نسل و حرث و همسایه‌ها را با بیم دعا می‌کند و نشنیدم که خودمان را دعا نماید.

صبح از مادر پرسیدم: مادر، چرا همه مردم و همسایه‌ها را دعا کردی، اما ما را دعا نکردی؟ جواب داد: پسرم «الْجَارُ ثَمَّ الدَّارُ» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۲)؛ اول مردم و همسایه‌ها، بعد اهل خانه و خودمان. این مادر و انسان نمونه و انسان دوست، تمام فریادش برای حق شخصی‌اش نیست، بلکه ناله‌ها، فریادها و شکوه‌هایش برای جامعه خسارت دیده و به عقب برگشته است که رحمت وجود پیامبر ﷺ و مودت دل خودشان را از یاد برده و به جاهلیت گذشته، دل خوش نموده است؛ خسارت واقعی و حقیقی این است. مادر دلسوز، از این واقعه‌ها می‌سوزد و می‌گدازد و با همه مصیبت‌ها و دردها، همان مردم بی‌وفا، بی‌صفا، عهدشکن و به تفرقه روی آورده را به وحدت، اخوت، قرب و دوستی با اشک و ناله دلسوزانه و خیرخواهانه دعوت می‌کند و نصیحت مادرانه دارد و می‌گوید: شما، پدرم و اسلام را یاری نمودید و بینی کفر و نفاق را به خاک کشیدید؛ چرا بعد از پیامبر ﷺ، گرفتار نفاق و نقاری کفرآمیز شدید؟!!

ایشان در سخن منظومش در پایان خطبه، آخرین شعر و نظم را این‌گونه می‌گوید: ای کاش که ما پیش از تو می‌مردیم و نبودیم جامعه متشتت را ببینیم!

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا  
لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونِكَ الْكُتُبُ  
إِنَّا زُرِينَا بِمَا لَمْ يُزِرْ دُوَّ سَجْنٍ  
مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عَجْمٌ وَ لَا عَرَبٌ



یکی از فرائن و شواهد بر این حقیقت، این است که همه می دانند، امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، در جامعه آن روز نقش مهمی را برای حفظ و تقویت آن جامعه اسلامی ایفاء کرد؛ چنان که گاهی با سکوت خود، گاهی با رفتن در درون جامعه و گاهی با مشورت دادن به آن جامعه و بودن در متن آن، این هدف را دنبال می کرد؛ این امر مسلمی است که همه آن را قبول دارند؛ اگر این را پذیرفتید، یا باید بپذیرید که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی علیهما السلام دو رفتار متضاد با هم داشتند و دو جریان متضاد بودند که این سخن غلط است و غلط بودنش روشن است و معاذالله که ما بیاوریم و این دورا مخالف هم بینیم، و یا باید بپذیریم که این دو بزرگوار بر اساس پیچیدگی های زمان، تقسیم کاری را انجام داده بودند و رفتار یکی مکمل رفتار دیگری است که این درست است؛ اگر این طور باشد، بنابراین آن راهی که امام علی علیه السلام برای حفظ و تقویت جامعه در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب فاطمه زهرا علیها السلام بود و آنچه را هم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب امام علی علیه السلام بود.

**امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چه روش هایی را برای پیش برد اهداف اسلام در پیش گرفتند؟**

این دو به دنبال آن بودند که هم اصالت اهل بیت علیهم السلام و راه ایشان را به اثبات رسانده و تبیین کنند و هم به دنبال این بودند که جامعه اسلامی متلاشی نشود و به وضعیت خطرناک و در حال از بین رفتن قرار نگیرد؛ اما شگردها این بود که بیان حق را به صورت ظریف پی می گرفتند و خواهان وحدت جامعه اسلامی بودند.

**وظیفه ما به عنوان شیعیان و کسانی که خود را پیرو مکتب تشیع می دانیم در قبال رفتار امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام چیست؟**

امروزه ما نیز نباید از این خطوط قرمز تبیین شده از سوی اهل بیت علیهم السلام در ارتباط با جامعه اسلامی عبور کنیم؛ همان طور که نباید دست از شیعه گری که اصالت را به اهل بیت علیهم السلام می دهد، دست بکشیم؛ این می طلبد که ما فاطمه زهرا علیها السلام را به عنوان مبنای وحدت جامعه اسلامی معرفی کنیم؛ امروزه نزدیک شدن شیعه به سنی و سنی به شیعه، راهی است که فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی علیهما السلام می خواستند. اگر



## حضرت فاطمه علیها السلام مبنای وحدت یا موضوعی برای تفرقه بین شیعه و سنی؟

حجت الاسلام مبلغی؛ رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس:

سخنانی که ارائه راهی را حمل می کرد که به شیعه گری می انجامید و دیگر، سلوک و رفتاری که در عین ترسیم کردن راه شیعی که راه اهل بیت علیهم السلام است، به شدت هر چه تمام تر حافظ چارچوب های وحدت در جامعه اسلامی و کیان امت اسلامی بود. ما این دو محور را باید در کنار هم بینیم؛ چرا که کنار گذاشتن یکی به این معناست که اهل بیت علیهم السلام را به درستی نشناخته ایم. شخصیتی چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم وقتی که سیره رفتاری شان، تبیین و تحلیل شود، ما را به همین نقطه می رساند که این بزرگ بانوی جهان اسلام، در عین این که می کوشید، که امام علی ابن ابی طالب علیهما السلام را به عنوان مبنای حق و امام جامعه معرفی کند، اما خطوط قرمزی را هم ارائه و رعایت می کرد، که این خطوط قرمز عبور از مصالح جامعه اسلامی نباشد و امت اسلامی را واژگون نکند.

**می توانید مثالی برای سختن بیان کنید؟**

**بسیاری از افراد معتقدند که شهادت حضرت زهرا علیها السلام سندی بر مظلومیت این بانوی بزرگ جهان اسلام است و از این رو یا برجسته کردن شهادت حضرت زهرا علیها السلام، گاه به جدایی شیعه و سنی دامن می زند. از سوی دیگر مشاهده می شود که امام علی علیه السلام و امامان معصوم، همواره روی وحدت در جامعه اسلامی تأکید داشتند. سؤال اینجاست که آیا می توان به گونه ای به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نگرست که به وحدت میان امت اسلام منجر شود؟ و آیا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام عامل وحدت میان شیعه و اهل سنت است؟**

در میان معصومین علیهم السلام هیچ شخصیتی را نداریم که سیره و رفتار آن ها در جهت ایجاد تفرقه بین جامعه اسلامی باشد؛ یعنی از فاطمه زهرا علیها السلام گرفته تا دیگر امامان معصوم، همگی سیره ای داشتند که می تواند عامل و مبنای وحدت در جامعه اسلامی باشد؛ البته امامان معصوم و نیز فاطمه زهرا علیها السلام دو رفتار همزمان را در پیش داشتند؛ یکی در پیش گرفتن رفتار، و بیان





امام صادق علیه السلام در درویشان

هزاران اهل سنت شرکت

می کردند؛ آن‌هایی که در

درس امام صادق علیه السلام

شرکت می کردند، از اهل

سنتی بودند که سخت

معتقد به مذهبشان بودند،

اما رفتار امام صادق علیه السلام و

یا امام باقر علیه السلام به گونه‌ای

بود که امکان ارتباط رانه

تنها ایجاد می کرد، بلکه

شدت ارتباط را در پی

داشت.

به گونه‌ای مطرح و پی بگیریم که اصطکاک‌ها و تعصباتی را بر علیه شیعه بر نیا نگیرانند، دقیقاً مثل چگونگی رفتار اهل بیت علیهم السلام با فرزندان مکتب اهل سنت. امام صادق علیه السلام در درویشان هزاران اهل سنت شرکت می کردند؛ آن‌هایی که در درس امام صادق علیه السلام شرکت می کردند، از اهل سنتی بودند که سخت معتقد به مذهبشان بودند، اما رفتار امام صادق علیه السلام و یا امام باقر علیه السلام به گونه‌ای بود که امکان ارتباط رانه تنها ایجاد می کرد، بلکه شدت ارتباط را در پی داشت.

### روش امام صادق علیه السلام در طرح مسائل تاریخی و از جمله مسائل پیرامون شهادت حضرت زهرا علیها السلام، چگونه روشی بود؟

طرح مسائل تاریخی از سوی امام صادق علیه السلام در فضاهای کنترل شده، حساب شده و غیر منتهی به ایجاد حساسیت صورت می گرفت؛ ما باید تابع اهل بیت علیهم السلام باشیم و این چیزی جز این نیست که هم آن چیزی را که از جانب ما حق است را بیان کرده و بگوییم و هم قالب‌های کنترل شده و غیر موجد حساسیت و غیر منتهی به تنش در جامعه را در پیش بگیریم. بنابر استدلال عقلی می توان گفت: تجربه امام صادق علیه السلام در این زمینه، یک تجربه عملی، شیرین و واقع شده است. امام صادق علیه السلام با اهل سنت درگیر نبود، بلکه با خلفای بنی عباس که ظالم بودند و با جامعه اسلامی و رشد آن و حتی با علمای اهل سنت هم درگیر بودند و مخالفت می کردند؛ از این رو ما نباید این دو را یکی بگیریم. امروزه ارتباط با اهل سنت، راه امام صادق علیه السلام و خدمت به فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی ابن ابی طالب علیه السلام است؛ البته این به آن معنا نیست که ما از آن اصالت شیعی خودمان ذره‌ای کوتاه بیاییم، بلکه بحث در طرح مسائل و نوع طرح مسائل و نگاه‌ها و انتخاب راه‌هایی است که حساسیت ایجاد نکند.

### تحلیل شما از شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چیست؟

در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام باید گفت: این شخصیت کوثر است و کوثر، یعنی خیر کنیز؛ الف و لام که بر سر آن می آید به این معنی است که این خیر کثیر نه فقط در یک زمینه بلکه، در زمینه‌های مختلف است؛ ایشان کانون و منشأ خیر بود؛ همان‌گونه که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام لقب کوثر داشته و به معنای واقعی خیر کثیر

امروز اسلام ضربه ای بخورد، شیعه هم ضربه می خورد و مذاهب دیگر هم ضربه می خورند. اسلام یک چارچوب کلانی است که به صورت قطع و بدون هیچ شک و ریبی باید ایجاد و حفظ شود و نباید نزدیک رفتارهایی رفت که این چارچوب، اصل و فضای کلی اسلام را از بین ببرد؛ شیعه‌گری درون این چارچوب معنا پیدا می کند و البته ما در ارتباط با برادران اهل سنت، می توانیم مباحث اختلافی مان را به شکل علمی و فقط و فقط در فضای علمی دنبال کنیم، ولی هر دو طرفمان باید اتفاق نظر بر حفظ جامعه اسلامی داشته باشیم.

### برخی چگونگی شهادت حضرت زهرا علیها السلام را دست‌آویزی برای دامن زدن به جدایی و تفرقه میان شیعه و سنی کرده اند؛ نظر شما پیرامون این عقاید چیست؟ و اگر راهکاری نیز دارید بیان بفرمایید.

به نظر می رسد که اگر دو اصل کلی را همواره در نظر داشته باشیم، مشکلات اینچنینی به خودی خود حل خواهد شد: اول اینکه ما امروز نباید کاری کنیم که وحدت در جامعه اسلامی از بین رفته و به نابودی اسلام بیانجامد، چرا که وحدت، راه حفظ اسلام می باشد و باید این را با تمام قدرت و بی هیچ کم و کاست حفظ کرد و دانست که این راه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم است؛ چون آن‌ها هم این را می خواستند؛ دوم اینکه اگر مسائلی یا وقایعی هست که در تاریخ رخ داده است، باید قالب ارائه آن‌ها و فضای طرح آن‌ها به گونه‌ای باشد که با آن اصل اساسی کوشش برای حفظ اسلام و حفظ امت اسلامی، هماهنگ باشد. شاید بهترین قالب این است که اگر طرفین خواهان طرح آن هستند، آن را در فضاهای علمی و به صورت آکادمیک بحث کنند؛ بحث علمی، بحث بودن در فضاهای عام نیست، بلکه بحث علمی باید در فضاهای خاص مطرح شود و نباید آن‌ها را در درون جامعه آورد؛ البته در جامعه شیعی، ما می توانیم جنبه‌های مربوط به تاریخ را

زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام یک

زندگانی پر بار و قابل برای

تأثی در زمینه‌های مختلف

است که ما را در شناخت

ابعاد زندگانی اجتماعی،

سیاسی، عبادی، فردی و

غیره ایشان کوتاهی‌هایی

داشتیم و هنوز نتوانستیم

تحلیل کافی و کاملی را از این

زندگانی به عمل بیاوریم.





حضرت زهرا علیها السلام، نقش  
عجیبی را در شناساندن  
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به  
جامعه اسلامی و نیز  
آرامش بخشیدن به پیامبر  
اسلام صلی الله علیه و آله و زمینه های  
مختلف دیگر داشتند.  
بنابراین حضرت فاطمه  
زهرا علیها السلام یک شخصیت  
نادر و استثنایی تاریخ  
بشریت است که در باب  
او سخن گفتن کار سهلی  
نیست.

بودند، نسل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که اهل بیت عصمت و طهارت هستند نیز، بهترین و پربازترین و پرخیرترین نسل در طول تاریخ بشریت هستند و آینده بشریت، تحول خود را مرهون این نسل و یکی از فرزندان این نسل که امام زمان علیه السلام باشد، است. نقشی که حضرت زهرا علیها السلام در ارتباط با تبیین راه اهل بیت علیهم السلام داشتند، یک خیرکننده تمام نشدنی است؛ همچنین نقشی که این بانوی بزرگ جهان اسلام در حفظ کیان امت اسلامی و داشتن یک نگاه ویژه به جامعه اسلامی داشتند، یک نقش پویای ماندگار و بالیده در طول تاریخ است؛ اگر چه ما برای شناخت این نقش و فقدان تحلیل های درست درباره این شخصیت، در فقر به سر می بریم. زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام یک زندگانی پربار و قابل برای تأثی در زمینه های مختلف است که ما در شناخت ابعاد زندگانی اجتماعی، سیاسی، عبادی، فردی و غیره ایشان کوتاهی هایی داشتیم و هنوز نتوانستیم تحلیل کافی و کاملی را از این زندگانی به عمل بیاوریم و شاید وقتی بگویند که از حضرت زهرا علیها السلام چه شناختی دارید، عمدتاً به سمت حجاب رفته و یا دو یا سه خصلت دیگر را بیان کرده و در نهایت یک تحلیل کاملی را ارائه نکنیم. حضرت زهرا علیها السلام، نقش عجیبی را در شناساندن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جامعه اسلامی و نیز آرامش بخشیدن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و زمینه های مختلف دیگر داشتند. بنابراین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یک شخصیت نادر و استثنایی تاریخ بشریت است که در باب او سخن گفتن کار سهلی نیست.

**تعبیر مختلفی در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام بیان شده است؛ به انتخاب خود برخی از آن ها را بیان و تا حدودی تحلیل بفرمایید؛ برای مثال تعبیر معروف دکتر علی شریعتی که «فاطمه علیها السلام فاطمه است».**

کسان بسیاری در باب حضرت فاطمه علیها السلام سخن هایی گفته اند که هر کدام قابل توجه است و یک تعبیر معروف همین تعبیر «فاطمه علیها السلام، فاطمه است» می باشد؛ این سخن بیانگر این است که ما در ارتباط با تعریف این بانوی بزرگ به این نکته می رسیم که بهتر از این عبارت که «فاطمه» باشد، عبارتی را نمی یابیم تا او را تعریف کنیم؛ چون هر عبارتی را به کار بگیریم احساس می شود که کوتاهی ها و نقص هایی دارد و البته تعبیرهای مختلفی در باب فاطمه زهرا علیها السلام وجود دارد؛ از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم؛ هم عباراتی به کار گرفته شده است که یکی از آن ها روایتی است که فاطمه زهرا علیها السلام را اسوه امام مهدی (عج) معرفی می کند؛ یعنی امام مهدی (عج) که در آخر الزمان یک اصلاح جهانی و یک تحول جهانی را پی می افکند، مقتدا و اسوه او فاطمه زهرا علیها السلام است. این نشان می دهد که قابلیت های نهفته بسیاری در زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وجود دارد که به تحلیل درستی از آن نیامده است و اهمیت آن ها، آن قدر زیاد است که می تواند مبدأ یک حرکت جهانی در فضای آخر الزمان باشد.

یکی از آن ها روایتی است که  
فاطمه زهرا علیها السلام را اسوه امام  
مهدی (عج) معرفی می کند؛  
یعنی امام مهدی (عج) که  
در آخر الزمان یک اصلاح  
جهانی و یک تحول جهانی را  
پی می افکند، مقتدا و اسوه  
او فاطمه زهرا علیها السلام است.  
این نشان می دهد که  
قابلیت های نهفته بسیاری  
در زندگی حضرت فاطمه  
زهرا علیها السلام وجود دارد.

## مگر نگفته بودم سردرس من توهین به خلفاء ممنوع است!



حضرت آیت...  
العظمی وحید  
خراسانی:

ماجرای آنجا آغاز شد که آیت... العظمی وحید خراسانی در حین درس، روایتی از کتاب تفسیر کبیر امام فخر رازی را قرائت و در حین قرائت این روایت، درباره خلیفه دوم اهل تسنن، عمر بن خطاب، پس از نام ایشان، عبارت «رضی... عنه» را به کار بردند. پس از این عده ای از طلاب با صدای بلند کلماتی را خطاب به خلیفه دوم بیان کردند. در این هنگام، مرجع تقلید شیعیان، با عصبانیت خطاب به توهین کنندگان فریاد زدند: مگر نگفته بودم سردرس من از این گونه کلمات به کار نبرید! همزمانی این واکنش با ایام سوگواری شهادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا (س) می تواند نشان از عدم جواز توهین به خلفا و مقدسات اهل سنت در پوشش احترام و ارادت به اهل بیت (ع) باشد.

منبع: خبرگزاری ابنا



## در اندیشه شیعه و اهل سنت سخن و رفتار حضرت زهرا علیها السلام حجت است

حجت الاسلام دکتر ابوالقاسم مقیمی حاجی؛ معاون علمی دانش نامه فاطمی:

محمد رضا رضوی

جلد دیگر، درباره مسائل حقوقی و اجتماعی زن در دوران معاصر است. جلد یک، در مورد زندگی حضرت فاطمه علیها السلام از ولادت تا شهادت. جلد دو، در مورد فضائل و ویژگی‌ها و سیره و سبک زندگی آن حضرت که امروزه برای همه جوامع بشری و جوامع اسلامی، مورد توجه است. در جلد سوم، آثار برجای مانده از حضرت فاطمه علیها السلام مانند احادیث، خطبه‌ها، اشعار، دعاها و بسیار ناب و دارای مضامین عمیق و مقالاتی در حکمت عملی و نظری بر اساس سخنان آن حضرت آمده است. در جلد چهارم تا ششم، دفاع از دیدگاه اسلام در مسائل حقوقی و اجتماعی زن در دنیای امروز است.

**اهل سنت چه نگاهی به حضرت علیها السلام دارند و چگونه حضرت می‌تواند محور الگویی برای وحدت مذاهب اسلامی باشند؟**

در این دانش نامه چند نکته مورد توجه است؛ نکته یک: معرفی جامع و دقیق از زندگی حضرت زهرا علیها السلام بر اساس منابع فریقین. نکته دو: استناد به قول و فعل آن حضرت س از سوی شیعه و اهل سنت که در مقاله حضرت در فقه اسلامی به آن پرداخته شده است. و این خود نکته مورد توافق میان شیعه و اهل سنت است هر چند مبنای حجیت نزد این دو یکسان نمی باشد. نکته سوم. اینکه در بسیاری از فضائل و حقایق تاریخی مثل، سیده نسا بودن، نزول آیه تطهیر در شان اهل بیت از جمله ایشان و روایتی که خداوند به غضب و خشنودی ایشان، غضبناک و خشنود می شود؛ که جزء دلائل اثبات عصمت حضرت زهرا علیها السلام است، جریان فدک، شهادت حضرت محسن، حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام در مقالاتی عالمانه و محققانه مورد بررسی قرار گرفته است و در همه موارد فوق در کنار منابع معتبر از شیعه، به منابع اهل سنت برای اثبات این حقایق استناد شده است. البته اگر اهل سنت، چه در فضائل و چه در وقایع تاریخی با ما اختلاف دارند، نقل و مورد نقد عالمانه قرار گرفته است.

از این روی این مجموعه را، باید مجموعه فاطمه شناسی مقارن نامید، چه در نکات ایجابی و چه در ویژگی‌های فردی و حقایق تاریخی. در بسیاری از این موارد، نظرات اهل سنت با ما همراه است به عنوان مثال مواردی ذکر می شود:

**دانش نامه به عنوان یک دایره المعارف چه اهدافی را مدنظر داشته است؟**

در تاریخ اسلام، مجموعه‌ها و کتاب‌های زیادی پیرامون زندگی حضرت فاطمه علیها السلام تولید و منتشر شده است. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به این توفیق دست یافت که برای اولین بار دانش نامه و کتاب مرجعی درباره حضرت فاطمه علیها السلام را به زبان فارسی منتشر کند. جامعیت و اتقان مطالب از خصایص و ویژگی‌های این دانش نامه، است. این دانش نامه، دانش نامه‌ای موضوعی است و در بردارنده مجموعه اطلاعات در رابطه با زندگی، شخصیت، منزلت، دیدگاه‌های آن حضرت در رابطه با حکمت عملی و نظری و برخی ویژگی‌های دیگر است. برای تولید این دانش نامه از منابع اصیل شیعه و اهل سنت بهره گرفته شده است. از اهداف مهم، معرفی دقیق و درست حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان یک الگو و اسوه به جهان اسلام، دفاع عالمانه از حقایق تاریخی به ویژه با تکیه بر منابع شیعه و اهل سنت بوده است. اما در این جا توجه به چند نکته ضروری است:

یک: عمر حضرت فاطمه علیها السلام، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خیلی کوتاه بود. میزان احادیث و روایاتی که از افراد نقل می شود، رابطه مستقیم با مدت زمان حیاتشان دارد. کسانی که بعد از پیامبر بیشتر زندگی کرده‌اند، فرصت بیشتری برای شناخت پیامبر و ترویج اسلام داشتند؛ اما متأسفانه حضرت فاطمه علیها السلام عمر کوتاه و زمان کمی داشتند. نکته دوم: زن در جامعه آن زمان مورد توجه نبوده، از این روی توجه افراد و انگیزه آنها برای نقل ایشان را تحت تاثیر قرار داد. نکته سوم: حضرت فاطمه با وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام تکلیفی برای حضور در اجتماع و همه امور نمی دیدند و بر حسب ضرورت حضور پیدا می کردند. نکته چهارم: جو سیاسی آن زمان، و موضع گیری‌های ایشان سبب شده که عده ای می خواستند نامی از ایشان و دیگر امامان شیعه در تاریخ اسلام نباشد. این امر تولید دانشنامه را با مشکل مواجه می سازد، اما با وجود این در منابع فریقین فحص و جستجوی زیادی شد و مطالب متعددی درباره آن حضرت به دست آمد که مبنای کار قرار گرفت.

**دانش نامه دارای چه عناوین و سرفصل‌هایی هستند؟**

این مجموعه در شش جلد بسامان شده است، سه جلد اول در مورد حضرت فاطمه علیها السلام و سه

از اهل سنت نقل شده که در بردارنده حقایق نقل شده از ائمه است.

بزرگان ما مثل مقام معظم رهبری، آیت... العظمی و حید خراسانی و دیگران تأکید دارند که باید دفاع عالمانه کرد، منتهی توهین به مقدسات دیگران پسندیده نیست و آنها را از معارف اهل بیت دور می کند. حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند: «فإن الناس لو عرفوا محاسن کلامنا لاتبعونا»، اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند از ما اهل بیت تبعیت می کنند. احادیث اهل بیت علیهم السلام، طالبان حقیقت را جذب می کند. وظیفه ما این است که معارف اهل بیت علیهم السلام را در قالب های مختلف و زبان های مختلف، برای نسل ها و سنین مختلف منتشر کنیم.

### چگونه می شود میان فاطمیه و وحدت جمع کرد؟ و روش صحیح عزاداری چیست؟

باید حضرت فاطمه علیها السلام را به عنوان الگو معرفی کنیم، امام زمان (عج) می فرمایند: (فی ابنة رسول الله (ص) لی اسوة حسنة) در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای من اسوة حسنه است. پس حضرت فاطمه علیها السلام، اسوة معصوم و ائمه می شود. در نتیجه قطعاً برای همه انسانها، اسوة و الگو است. این اسوة و الگو بودن را کجا باید ترویج کنیم؟ در چه زمانی بهترین بستر وجود دارد که ما حضرت را، سبک زندگی و عبادتش را، مواظبت بر حلال و حرام را، مواظبت بر حجاب حتی و عفاف ایشان را، مواظبت بر نماز و مسائل مختلف مثل ایثار و بخشش فاطمه علیها السلام و غیره را ترویج کنیم؟ بهترین زمان همین ایام فاطمیه و در همین هیئت های عزاداری است. باید در کنار ذکر مصائب و بیان حقائق تاریخی به طور مستند و با رعایت همان نکاتی که بزرگان توصیه کرده اند، فاطمه شناسی را ترویج کنیم. حضرت فاطمه علیها السلام باید در تمامی لحظات زندگی ما، به عنوان یک الگو حضور داشته باشد و در سبک زندگی از ایشان الگو بگیریم. این امر، مقدمات می خواهد و مردم باید با این زندگی و این بانو آشنا شوند و سیره زندگی حضرت برای جامعه بازگو شود و تا ما حضرت را معرفی نکنیم این محقق نخواهد شد.

### آیا می توان دانش نامه در ادامه کاری مثل کتاب گرانسنگ علامه امینی دانست؟

ارزش کتاب الغدیر جای خود را دارد اما این دانشنامه در حد خود اثری جامع و در بردارنده ابعاد مختلف زندگی آن حضرت و مستند به منابع اصیل و فاخر است هر چند حق و شان آن حضرت را با این بضاعت اندک نمی توان بجا آورد.

### چه محققانی که در این مجموعه همکاری داشتند؟

نویسندگانی از حوزه علمیه قم و مشهد و مراکز

حضرت فاطمه علیها السلام محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ راوی این روایت عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله است که می گوید، محبوب ترین زن نزد پیامبر فاطمه علیها السلام و از میان مردان شوهر او علی علیه السلام است. (ابن اثیر جزری؛ اسد الغابه فی معرفة، ج ۵، ص ۵۲۲). در جریان مباحله و همراهان پیامبر روایات متعددی از اهل سنت آمده است که آن حضرت حضور داشتند (بلازری؛ فتوح البلدان، جلد ۱ ص ۷۶ و ۷۷؛ ابن کثیر؛ بدایه، ج ۵ ص ۶۵). سیده النساء العالمین بودن که فاطمه سرور تمام زنان دو عالم [دنیا و آخرت] است (ابن اثیر جزری؛ اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۵، ص ۲۲۲) و یا فاطمه سرور زنان این امت است (ابن حجر عسقلانی؛ الرساله، ج ۸ ص ۱۰۲ و ۲۶۶؛ تقریر التهذیب، ج ۲ ص ۶۵۴). یا نزول آیه تطهیر که اشاره شد (آیه ۳۳ سوره حزاب) (ابن حجر عسقلانی الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۸ و ج ۸ ص ۲۶۵ و ابن اثیر جزری؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۲۲) و یا روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله که خداوند از خشنودی تو خشنود و از غضبناک بودن تو غضبناک می شود؛ (حاکم نیشابوری؛ ج ۳ ص ۱۵۴). پس او حتماً باید معصوم باشد، کسی که خطا کند، خدا با خطای کسی خشنود نمی شود

### در منابع مختلف به ما رسیده است خط قرمز ائمه امت و وحدت جامعه و جلوگیری از تفرقه و تشتت بوده. معرفی آن حضرت با این امر چگونه ممکن است؟

جریانات حضرت فاطمه علیها السلام در صدر اسلام یک امر شخصی و یا خانوادگی نبود؛ بلکه انحراف، در اسلام واقعی و امتی که پیامبر تأسیس و بنا نهاده بود، مشاهده می شد. انحرافی که نسبت به جریان امامت و جایگاه امامت اتفاق افتاد. حضرت فاطمه علیها السلام می فرمایند: مثل الامام مثل الکعبه امام مانند کعبه است که مردم باید ببینند و دور امام بگردند و نه امام به سوی آنها برود. ایشان انحراف را دیدند و به صراحت جلوی انحراف ایستادند. این جریان انحرافی را برای مردم تبیین کردند، که حجت بر مردم تمام شود؛ هر چند مردم متأسفانه به دلیل ترس یا پیروی از هوی و هوس قیام نکردند.

حفظ وحدت به معنای نگفتن مسائل تاریخی نیست. فقط نباید به گونه ای مطرح شود که شقاق و تفرقه ایجاد کند. حضرت امیر علیه السلام هم سکوت نکردند و بارها اعتراض خود را نسبت به جریان انحراف بیان داشتند. در طول تاریخ هم اهل بیت: سکوت نکردند. اما در مرحله عمل، جامعه را نتوانستند به مسیر حق بازگردانند و مردم با آنها همراهی نکردند. برای پرهیز از تفرقه و شقاق در جامعه و امت، و باری مصلحت دین و بقا اصل اسلام در موارد لازم همراهی کردند.

روایت متعددی درباره ظلم به حضرت فاطمه علیها السلام،

امام زمان (عج) می فرمایند:

(فی ابنة رسول الله (ص) لی

اسوة حسنة) در دختر رسول

خدا صلی الله علیه و آله، برای من اسوة

حسنة است. پس حضرت

فاطمه علیها السلام، اسوة معصوم

و ائمه می شود. در نتیجه

قطعاً برای همه انسانها،

اسوة و الگو است.

جریانات حضرت

فاطمه علیها السلام در صدر

اسلام یک امر شخصی و

یا خانوادگی نبود؛ بلکه

انحراف، در اسلام واقعی و

امتی که پیامبر تأسیس و بنا

نهاده بود، مشاهده میشد.

انحرافی که نسبت به جریان

امامت و جایگاه امامت

اتفاق افتاد.



## یک گوینده نادان یا مغرض و توهین به مقدسات روی منبر!



مقام معظم رهبری

بعضی از ما غفلت میکنیم از اینکه ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. همه‌ی همت یک شیعه میشود کوبیدن سنی، همه‌ی همت یک سنی میشود کوبیدن شیعه. خوب، این خیلی تأسف‌آور است. نقطه‌ی مقابلش هم هست: یک عده بلند شوند برونند قم، لابلای کتابهای شیعه را نگاه کنند، ببینند کجا اهانت به مقدسات اهل سنت است، از او عکس بگیرند، ببینند تو محافل سنی پخش کنند، ببینند آقا! این کتابهای شیعه است. یا یک گوینده‌ی نادان، غافل یا مغرضی روی منبر نسبت به مقدسات اهل سنت حرف مهمل و بدی بزند؛ این را نوار کنند، سی دی کنند، برونند اینجا آنجا پخش کنند؛ بگویند ببینید آقا! این شیعه است. این را به او بدبین کنند، او را به این بدبین کنند. این معنایش چیست؟ «و تذهب ریحکم». یعنی چه؟ یعنی وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که با هم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر نکنیم، با هم صمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی، باید این را بفهمند، این را درک کنند.

(در دیدار نخبگان سنی و شیعه کردستان) ۱۳۸۸/۲/۲۳

## مامسبب

## و شریک جرم خواهیم بود!



آیت... بهجت

چه بسا این کارها موجب اذیت و آزار و یا قتل شیعیانی که در بلاد و کشورهای دیگر در اقلیت هستند گردد در اینصورت اگر یک قطره خون از آن‌ها ریخته شود ما مسبب آن و یا شریک جرم خواهیم بود».

کتاب «در محضر حضرت آیت... العظمی بهجت»، ص ۱۳۸.

دانشگاهی ما را همراهی کرده اند. حدود نود و شش نویسنده نقش داشتند، از دو هزار سیصد منبع، از منابع اهل سنت و شیعه استفاده شده است، و حدود دویست و پنجاه نفر در مراحل مختلف علمی تولید از نگارش مقالات، شوراها، علمی، ارزیابی و ویراستاری علمی، ما را همراهی کرده اند.

## ارزیابی بزرگان و بعد از رونمایی دانش نامه چگونه بود؟

در آیین رونمایی این دانشنامه از حضور حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی و تاکید ایشان بر ترجمه آن به زبانهای مختلف بهره بردیم. آیت... العظمی مکارم شیرازی نیز در پیام تصویری، نظام علمی و منطقی این مجموعه و ارزش تولید کار جمعی و همکاری جمع کثیری از فضلا و دانشمندان حوزه و جامعیت محتوی و انصاف در قلم و دفاع عالمانه را مورد توجه قرار داده و این دانشنامه را در موضوع معرفی آن حضرت در جهان اسلام بی نظیر دانسته اند.

بعد این مراسم نیز در کمتر از یک ماه چند نفر از مراجع عظام تقلید، مانند آیات عظام وحید خراسانی، صافی گلپایگانی، جوادی آملی و سبحانی مجموعه همکاران این دانشنامه را به حضور پذیرفته و از تولید مجموعه ای در راستای معرفی حضرت فاطمه علیها السلام قدرشناسی کرده اند. البته هیچ اثری از انسان‌های عادی بدون نقص نیست که باید با استفاده از نظرات بزرگان و فرهیختگان به این مجموعه غنا بخشید.





## تقابلی میان وحدت اسلامی و فاطمیه نیست!

حجت الاسلام مهدی مسائلی

### مقدمه:

متأسفانه در جامعه اسلامی همواره عده‌ای از روی جهالت یا غرض‌ورزی به مقابله با مفهوم وحدت اسلامی همت گماشته‌اند. یکی از این روش‌های مقابله با شعار وحدت اسلامی، القاء معنایی نادرست و غیرقابل قبول از وحدت اسلامی در میان مسلمین است. در این مسیر بعضی از شیعیان گاهی وحدت اسلامی را به معنای دست‌کشیدن شیعه از عقاید مذهبی خود و پذیرش اعتقادات اهل سنت تفسیر می‌کنند. به‌دیگر سخن برخی می‌خواهند به جامعه شیعه این‌گونه القاء کنند که پذیرش وحدت اسلامی مستلزم آن است که شیعیان به رخدادهای صدر اسلام همچون اهل سنت نگرینسته و به تعبیر صریح‌تر برخی پذیرش وحدت اسلامی را به معنای دست‌کشیدن از عزاداری حضرت فاطمه علیها السلام و سکوت درباره مصیب‌های آن حضرت تفسیر می‌کنند! برای پاسخ به این شبهه، ابتدا لازم است نگاهی به معنا و مقصود وحدت اسلامی داشته باشیم.

### معنای وحدت اسلامی

وحدت اسلامی هیچ‌گاه به معنای دست

کشیدن از اندیشه‌های اعتقادی، فقهی و حتی نظرات تاریخی شیعه نیست، بلکه وحدت اسلامی که علمای شیعه با تمسک به سیره و روایات اهل بیت: بر آن تأکید می‌کنند، دارای دو معنا و مقصود متعالی است:

#### ۱. امت واحد اسلامی.

به این معنا که مسلمانان باید در برابر دشمنان اسلام امتی واحد باشند و با درک اشتراکاتشان، امت واحد اسلامی را به‌وجود آورده، به مصاف دشمنان اسلام بروند و بی‌جهت نیروی خویش را صرف دشمنی و مخاصمه با یکدیگر نکنند. این حکمی عقلی و استدلالی برهانی است که قرآن کریم نیز با تأکید بر آن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»؛ (آل عمران / ۶۴)؛ ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما مشترک است بایستیم.»

آیه فوقی بر اساس اصل مشترک تمام مذاهب آسمانی و توحیدی، یعنی توحید، یک ندای وحدت است؛ از همین رو همه مسلمانان باید با پذیرش کلمه توحید و اقرار به نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحت لوای اسلام قرار گرفته، باید همه توان خویش را

در راه اعتلای آن مصروف دارند؛ پس در این راه نباید اختلافات میان خویش‌ها اصل قرار داده و این اصل مشترک مهم میان خویش‌ها را فراموش کنند و در جهت تضعیف امت اسلامی قدم بردارند؛ عملی که منفعت آن برای دشمنان اسلام می‌باشد؛ از این منظر می‌توان سکوت امام علی، صلح امام حسن و ولایت عهدی امام رضا را در راستای حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان دید. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «با خود اندیشیدم و دیدم که صبر [بر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین] برتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان، چرا که مردم، تازه مسلمان بودند و دین به مشک می‌مانست که کمترین سستی آن را تباه و ناتوان‌ترین مردم آن را وارونه می‌کرد.» (بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۶۲).

#### ۲. هم‌اندیشی مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی

معنای دیگر وحدت اسلامی که بزرگان شیعه به پیروی از اهل بیت علیهم السلام آن را مورد توجه قرار داده‌اند، این است که مسلمانان در تبلیغ مرام و مسلک خویش، باید متانت را حفظ کنند و از سب و دشنام، تهمت و دروغ به یکدیگر پرهیز کنند. همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل / ۱۲۵)؛ به‌وسیله حکمت و اندرزهای نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت کن و با آن‌ها (یعنی مخالفان) به‌طریقی که نیکوتر است به مناظره پرداز.»

#### تسامح در اصول و فروع مذهب نداریم!

با توجه به این معنا، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین، تسامح و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند؛ همچنان‌که وحدت ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی میان یکدیگر، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند؛ اما باید پذیرفت که در فضای مخاصمه و دشمنی افکار مسلمانان نمی‌تواند به یکدیگر نزدیک شود و نه تنها از اختلاف‌ها کاسته نمی‌شود، بلکه بر شدت آنها افزوده می‌شود. پس تبلیغ مذهبی، اقتضاء می‌کند که بر مشترکات اسلامی و اخوت دینی تکیه کنیم و درباره اختلافات مذهبی در فضای دوستانه و برادرانه به بحث بنشینیم.



تفرقه‌انگیزان و دشمنان خارجی است.  
۲. وظیفه تقیه به زمانی خاص اختصاص ندارد و تا زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام علت و حکمت تشریح آن باقی است. (کافی، ج ۳، ص ۵۵۰). افزون بر این، طبق بعضی از روایات، هرچه به زمان ظهور نزدیک می‌شویم، تقیه شدت می‌یابد و مؤمنان باید به آن اهتمام بیشتری بکنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ، كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَةِ؛ هرچه این امر [ظهور] نزدیک‌تر شود، تقیه شدیدتر می‌شود» (کافی، ج ۳، ص ۵۵۷).

آری، واقعیتی که امروز کاملاً برای ما ملموس است و شاید این حدیث نیز به آن اشاره می‌کند، این است که گسترش امکانات ارتباطی، باعث شده اخبار و اطلاعات با قالب‌های جدیدی همچون فیلم و صوت و تصویر و با سرعتی روزافزون، در اختیار جهانیان قرار گیرد. این موضوع از دو جهت بر شدت تقیه می‌افزاید: یکی اینکه امروز حتی ممکن است صوت و فیلم جلسات خصوصی هم در اختیار دیگران قرار بگیرد؛ دیگر اینکه گاهی اظهارنظری نابجا و تفرقه‌انگیز آن‌گونه گسترش می‌یابد که تمام مردم جهان در اندک زمانی از آن آگاهی می‌یابند.

البته همان‌گونه که گذشت، بیان این سخنان ممکن است افرادی را به این توهم بیاندازد که می‌خواهیم بگوییم فاطمیه نباشد و یا شیعه نباید از مصیبت‌های زهرا علیها السلام سخن بگوید! نویسنده این سطور ضمن نفی دوباره این مطلب، تصریح می‌کند که در عین حالی که برپایی مجالس روضه و بیان مصائب وارده بر ایشان، برای شیعیان سودمند است، مطرح کردن همین سخنان در جمع اهل سنت - که معرفت و شناخت درستی نسبت به وقایع صدر اسلام ندارند - زانی بیش از سود آن دارد؛ از همین رو در سطح عمومی باید ملاحظاتی را در نظر گرفت. بدیهی است که گزارش‌های فراوانی از اهل بیت: درباره مصایب حضرت زهرا علیها السلام به دست ما رسیده است، ولی این گزارش‌ها همواره برای شیعیان و موالی ایشان بوده است تا آن‌ها معرفت درستی نسبت به وقایع صدر اسلام داشته باشند، و اهل بیت: هیچ‌گاه نخواسته‌اند با بیان عمومی این مطالب شعله جنگ مذهبی را برافروزند!

مخالفتان مذهبی نیز باید مُدارا کرد و نه مُداهنه!

اهمیت در نظر گرفتن مُدارا در تبلیغ دین و مذهب آن قدر مهم است که اهمیت ندادن به آن نه تنها تبلیغات دینی و مذهبی را بی‌فایده، بلکه گاهی تبلیغات مذهبی را به عاملی ضد آن مذهب تبدیل می‌کند؛ از همین رو رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «امرت بمداراة الناس كما أمرت بتبليغ الرسالة؛ به مُدارا با مردم مأمورم. همان‌گونه که به تبلیغ رسالت امر شدم» (تحف العقول، ص ۴۸).

از همین رو تقیه وظیفه و تکلیفی مهم برای شیعیان است. در روایات، اهتمام نداشتن به تقیه معادل بی‌دینی فرض شده است؛ آن چنان که ائمه معصومین: فرموده‌اند: «إِنَّ التَّقِيَةَ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ؛ همانا تقیه از دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، دین ندارد» (کافی، ج ۳، ص ۵۶۶).

### تقیه مداراتی و تقیه خوفی!

کوتاه‌سخن این‌که:

۱. تقیه را معمولاً به لحاظ انگیزه و علتش به دو نوع «خوفی» و «مداراتی» تقسیم می‌کنند:

تقیه خوفی به این معناست که اگر فردی احتمال دهد به سبب انجام عملی یا اظهار عقیده‌ای، ممکن است مخالفتان مذهبی به دین، جان، ناموس یا مال او یا دیگران دست‌درازی کنند، باید برای حفظ آن‌ها از آشکار ساختن آن عمل یا نظر خودداری و تقیه کند. حتی در چنین جایگاهی می‌تواند عمل و نظر خویش را در ظاهر مطابق با مخالفتان یا کافران قرار دهد.

در مقابل آن، تقیه مداراتی است که به منظور حسن معاشرت با اکثریت مسلمانان یعنی اهل سنت تشریح شده است. تقیه مداراتی در حقیقت نشان‌دهنده اهتمام و عزم مذهب تشیع به همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان است.

بر مبنای تقیه مداراتی، حتی در کشور ما که دین رسمی آن اسلام و مذهب شیعه است، شیعیان نباید با توهین به مقدسات اهل سنت زمینه‌ساز آن‌ها را از مذهب شیعه فراهم سازند. این‌گونه رفتارها به ایجاد فضای تعصب و دشمنی دامن زده که تنها فایده آن، سوق دادن قشری از اقلیت مذهبی جامعه ایران به سوی

حال که معنای وحدت اسلامی مشخص گردید، برای پاسخ به شبهه فوق ابتدا باید بدانیم چه چیزی باعث شده که تفسیری این‌گونه از وحدت در اذهان شکل بگیرد و بعضی مُغرضانه تلاش کنند وحدت اسلامی را به معنای دست‌کشیدن از عقاید و یا نظرات تاریخی شیعه تفسیر کنند؟!

به نظر می‌رسد ریشه این شبهه از آن جاست که معمولاً برای حفظ وحدت بین مسلمانان گفته می‌شود، به اندیشه‌ها و مقدسات دیگر مذاهب اسلامی دشنام‌گویی، توهین و لعن نکنید! هر حرف و سخنی را در هر جایی نشر ندهید، خصوصاً مطالبی را که قابل پذیرش برای اهل سنت نیست و به تحریک احساسات مذهبی آن‌ها می‌پردازد! در مناطق سنی‌نشین مطالب به‌گونه‌ای بیان گردد که خصومت و دشمنی مذهبی به بار نیورد!

شاید این سخنان موجب شده است که بعضی گمان کنند که هدف از بیان این‌گونه سخنان، کوتاه آمدن از عقاید و اندیشه‌های تشیع و یا حداقل کم‌رنگ نمودن آن‌هاست! به تعبیر بهتر بعضی سخن‌گفتن از مُدارا در رفتارها و برخورد با اهل سنت را به معنای مُداهنه و کوتاه آمدن در اندیشه و اعتقادات شیعه تفسیر نموده‌اند؛ از همین رو در اینجا بایسته است کمی به بیان تفاوت مُدارا و مُداهنه بپردازیم.

### مدارا و مُداهنه چیست؟

مُداهنه برگرفته از دُهن (روغن)، به معنای روغن مالی، سازش‌کاری و کوتاه آمدن در حق است. کسی که از عقیده‌ای، با آنکه می‌داند حق است، کوتاه می‌آید و با عقیده‌ای که می‌داند باطل است، راه می‌آید. آری، آنچه در مُدارا و مُداهنه مشترک است، نرمی است؛ با این تفاوت که مُدارا، نرمی با مردم است و مُداهنه، نرمی در حقیقت. متعلق مُدارا، انسان است و متعلق مُداهنه، حقیقت. در مُدارا حقیقت قربانی نمی‌شود و حتی امید می‌رود کسی که با وی مُدارا می‌شود، به حقیقت راه یابد؛ ولی در مُداهنه حقیقت «وجه المصلحه» قرار می‌گیرد و فدا می‌شود (محمد اسفندیاری، همه ما برادریم، ص ۱۴۱-۱۵۰).

### با مخالفین مذهبی مدارا آری ولی مداهنه خیر!

حال که معنای مدارا و مداهنه روشن شد به این نکته می‌رسیم که در برخورد با



# یاقظم

## اشعار شیعه و اهل سنت در مدح حضرت زهرا علیها السلام

به پیشنهاد: استاد بهرامی نیا

### سروده معروف علامه اقبال لاهوری در وصف حضرت زهرا علیها السلام

علامه محمد اقبال لاهوری یکی از بزرگترین اندیشمندان جهان اسلام و پارسی‌سرایان شبه قاره هند است که ارادت او به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسول خدا: در آثارش جلوه خاصی دارد.

سروده اقبال لاهوری در وصف حضرت زهرا علیها السلام از معروف‌ترین سروده‌های این شاعر گران‌مایه است که می‌توان آن را مهم‌ترین اثر شعر فارسی، در وصف دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توصیف کرد.

مریم از یک نسبت عیسی عزیز  
از سه نسبت حضرت زهرا عزیز  
نور چشم رحمت للعالمین  
آن امام اولین و آخرین  
آنکه جان در پیکر گیتی دمید  
روزگار تازه آئین آفرید  
بانوی آن تاجدار هل اتی  
مرتضی مشکل گشا شیر خدا  
پادشاه و کلبه‌ئی ایوان او  
یک حسام و یک زره سامان او  
مادر آن مرکز پرگار عشق  
مادر آن کاروان سالار عشق

آن یکی شمع شبستان حرم  
حافظ جمعیت خیر الامم  
وان دگر مولای ابرار جهان  
قوت بازوی احرا جهان  
در نوای زندگی سوز از حسین  
اهل حق حریت آموز از حسین  
سیرت فرزندها از امهات  
جوهر صدق و صفا از امهات  
مزرع تسلیم را حاصل بتول  
مادران را اسوه کامل بتول  
بهر محتاجی دلش آنگونه سوخت  
با بیهودی چادر خود را فروخت  
نوری و هم آتشی فرمانبرش  
گم رضایش در رضای شوهرش  
آن ادب پروده صبر و رضا  
آسیا گردان و لب قرآن سرا  
گریه‌های او زبالین بی نیاز  
گوهر افشاندی بدامان نماز  
اشک او بر چید جبریل از زمین  
همچو شب‌نم ریخت بر عرش برین  
رشته آئین حق زنجیر پاست  
پاس فرمان جناب مصطفی است  
ورنه گرد تربتش گردیدمی  
سجده‌ها بر خاک او پاشیدمی

### مولوی عبدالرحمن ملازهی (چابهار) امام جمعه اهل سنت چابهار

صد سلام و درود صد سلام و درود نور چشم  
نبی صد سلام و درود  
بضعه مصطفی زوجه مرتضی نازش شیر  
حق مادر مجتبی  
سیده فاطمه طیبه طاهره در اهل عبا صد  
سلام و درود  
رونق دین حق غم‌زدای علی ریشه طاهران  
نور چشم نبی  
عارفه کامله صالحه صادق ساجده عابده  
صد سلام و درود  
اشک پاک تو را جبرئیل امین هدیه می داد  
بر حوریان برین  
قره العین دین نور راه یقین عزت مسلمین  
صد سلام و درود  
آبروی همه مومنات جهان معدن عفت و  
اسوه مادران  
در نماز و نیایش نظیر تو را چشم عالم ندید





### شعری از علامه محمد حسین غروی معروف به کمپانی

دختر فکر بکر من غنچه‌ی لب چو وا کند  
از نمکین کلام خود حق نمک ادا کند...  
طوطی طبع شوخ من، گر که شکرشکن  
شود

کام زمانه را پراز شکر جانفزا کند  
بلبل نطق من ز یک نغمه عاشقانه‌ای  
گلشن دهر را پراز زمزمه و نوا کند  
خامه‌ی مشکسای من گر بنگارد این رقم  
صفحه‌ی روزگار را مملکت ختا کند  
مطرب اگر بدین نمط ساز طرب کند گهی  
دائره‌ی وجود را جنت دلگشا کند  
منطق من هماره بندد چو نطق را  
منطقه‌ی حروف را منطقه السما کند  
شمع فلک بسوزد از آتش غیرت و حسد  
شاهد معنی من ار جلوه‌ی دلربا کند  
نظم برد بدین نسق از دم عیسوی سبق  
خاصه دمی که از مسیحا نفسی ثنا کند...

وهم چگونه وصف آئینه حق نما کند؟  
مطلع نور ایزدی مبدا فیض سرمدی  
جلوه‌ی او حکایت از خاتم انبیا کند...  
کیست جز او که همسری با شه لافتی کند؟  
وحی و نبوتش نسب جود و فتوتش حسب  
قصه‌ای از مروتش سوره هل اتی کند  
دامن کبریای او دسترس خیال نی  
پایه‌ی قدر او بسی پایه به زیر پا کند  
لوح قدر به دست او، کلک قضا به شصت او  
تا که مشیت الهیه چه اقتضا کند  
در جبروت حکمران، در ملکوت قهرمان  
در نشأت کن فکان، حکم به ما تشا کند  
عصمت او حجاب او عفت او نقاب او  
سر قدم حدیث از آن سرو از آن حیا کند  
نفخه‌ی قدس بوی او، جذبه‌ی انس خوی او  
منطق او خبرز «لاینطق عن هوی» کند  
قبله‌ی خلق روی او کعبه‌ی عشق کوی او  
چشم امید سوی او تا به که اعتنا کند  
"مفتقرا" متاب روی، از در او به هیچ سوی  
زانکه مس وجود را فضه‌ی او طلا کند

صدسلام و درود  
شرح ام الکتاب پاسدار حجاب معنی نطق  
حق شمع یوم الحساب  
منبع رحمتی چشم دارت سحاب چون  
بهاران بریز صدسلام و درود  
راحت هردل سینه بی قرار مادر راستان  
صدسلام و درود  
فرحت و راحت قلب پاک نبی همدم و  
همنوای علی ولی  
پاره جسم پاک رسول خدا بنت خیرالوری  
صدسلام و درود  
زینت خانه صاحب هل اتی فاتح خیبر و  
مقتدای غدیر  
هادیه مهدیه راضیه مرضیه فاضله عاقله  
صد سلام و درود  
جرعه کوثرم آرزویست و بس بر ولای تو  
بیرون رود هر نفس  
عبدرحمان تواند کجا وصف تو ادر کوبین  
صد سلام و درود



## شیوه دفاع از اهل بیت علیهم السلام را باید از خود اهل بیت علیهم السلام و قرآن آموخت!

مصطفی جلالی

### «امت» یک مفهوم قرآنی

شاید عمیق‌ترین و گسترده‌ترین و همه‌جانبه‌ترین مفهوم اجتماعی که از قرآن برداشت می‌شود، مفهوم امت است. بر اساس تعریفی که لغت‌شناسان از مفهوم امت عرضه کرده‌اند، می‌توان امت را مجموعه‌ای دانست که حول یک مفهوم محوری شکل می‌گیرد و براساس آن سامان می‌یابد. این مفهوم محوری که می‌تواند امت را شکل دهد، می‌تواند یک تفکر باشد یا یک نژاد یا دین یا هر چیز دیگر. امت که هم خانواده با امام است، مجموعه‌ای به محوریت امام می‌باشد. خداوند در آیه ۹۲ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون». چون در این سوره خداوند بعد از اینکه اشاره به بعضی انبیای پیشین و نبی خاتم می‌کند، این آیه را می‌فرماید، برداشتی که عموم مفسران بزرگوار ما از این واژه در این آیه داشته‌اند این است که مراد از

امت پیروان همه پیامبران است. امت واحده‌ای که قرآن از آن یاد می‌کند تنها امت پیامبرخاتم صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه همه پیروان پیامبران را شامل می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی یک گام فراتر نهاده‌اند و می‌فرمایند: طبق سیاق، اصلاً خطاب همه مکلفین از جنس انسان را شامل می‌شود، یعنی جامعه بشری؛ حتی پیرو ادیان آسمانی بودن را محدود به امت نمی‌دانند و می‌گویند مراد از امت، نوع انسانی است که نوع واحدی می‌باشد. همچنین در آیه ۵۲ سوره مبارکه مؤمنون چنین می‌خوانیم: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون». مفسران عمدتاً تفسیر این آیه را هم ملحق به آیه مذکور می‌کنند.

**تشکیل «امت واحده» از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره حضرت امیر علیه السلام در حفظ امت**  
مفهوم امت در تفکر اسلامی آنقدر اهمیت

دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله کوشیدند به آن تحقق و عینیت ببخشند و سیره‌نامه صلی الله علیه و آله هم تلاش برای حفظ این میراث نبوی بوده است. به عنوان نمونه: سیره حضرت امیر علیه السلام در ماجرای بعد از غدیر و تقیفه تا جایی که به مفهوم امت و وحدت امت است به دفاع از حق غصب شده می‌پردازد و آن جا که به مرز تفرقه و از هم گسیختگی امت می‌رسد، از حق خود سکوت می‌کند. نشان این مدعا، سیره حضرت امیر علیه السلام در برخورد با خلفا حتی بعد از ماجرای شهادت مظلومانه حضرت زهرا علیها السلام است. نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که تا کجا می‌توان از این حق دفاع کرد. از علی علیه السلام که شیعه‌تر نداریم و نیستیم. ایشان تا جایی از ولایت دفاع می‌کنند که مفهوم امت، آسیب نبیند. مفهوم امت بر مفهوم «دفاع از ولایت» و دفاع از حقانیت خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله (نه ولایت‌مداری) حاکم است. چنین چیزی مهمی نیز مرز دارد: حضرت در چرایی



تُسَالِ الْعَشِيرَةَ عَنْهُ فَتَقُولُ مَنْ مِثْلُ فَلَانِ إِنَّهُ لَأَدَانَا لِلْأَمَانَةِ وَأُضِدُّنَا لِلْحَدِيثِ؛ زید شحام گوید: «حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «به خدا قسم که پدرم به من چنین گفت: اگر مردی از شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام در قبیله‌ای بود، باید بهترینشان باشد در ادای امانت و مراعات حقوق و راستگویی تا به او وصیت کرده و امانت بسپارند و از او طلب یاری کنند و بگویند: چه کسی مثل فلانی است که امانت دارترین و راستگوترین باشد؟» (الکافی، ج ۲، ص: ۶۳۶)

### توصیه امام رضا علیه السلام به شناساندن محاسن و اخلاق اهل بیت و نه بدگویی دیگران

نص کلام امام رضا علیه السلام است که می‌فرماید: «فإن الناس لو عرفوا محاسن كلامنا لاتبعونا» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷)؛ شما احتیاجی ندارید که بدگویید دیگران بد هستند. شما محاسن و اخلاق و اعتقادات ما را بگویید. خود مردم مقایسه می‌کنند و متوجه می‌شوند ما چه داریم و دیگران با چه مخالفند.

اهل بیت علیهم السلام هیچ صحبت مخالفی با نظام‌های سیاسی نداشتند؛ اما با همه این‌ها نظام‌های سیاسی، ایشان را راحت نمی‌گذاشتند. چرا؟ چون اهل بیت علیهم السلام یک رفتار و اخلاق و ادبیاتی داشتند که مردم می‌آمدند و گوش می‌کردند و آن را با سخنان حکام مقایسه مینمودند. در اثر این مقایسه می‌گفتند، اگر این‌ها (اهل بیت) اسلامند پس آن‌ها (حکام) چه کسانی هستند؟

مأمون از امام رضا علیه السلام خواست که نماز بخوانند. ایشان می‌توانستند بگویند من نماز نمی‌خوانم؛ چون وی می‌خواست از مشروعیت امام سوء استفاده کند، اما امام رضا علیه السلام فرمودند: من نماز می‌خوانم ولی همانطور نماز می‌خوانم که جدم نماز می‌خواند. آقا طوری شروع کردند بیرون آمدند که وسط راه مأمون دید اگر آقا نمازش را بخواند، کل نظامش زیر سوال می‌رود. چون مردم می‌فهمند نماز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بود و می‌گویند: پس این نمازی که این‌ها می‌خوانند چه نمازی است؟ آقا می‌توانست منبر برود و سخنرانی کند که این‌ها باطل و ملعون هستند، اما احتیاجی نبود. همان یک رفتار درست، ده و صد رفتار غلط را از بین می‌برد.

### عقاید خود را چطور بیان کنیم که به تفرقه بینجامد؟

امام حسین علیه السلام را در این راستا می‌توان تحلیل نمود که تفصیل آن در این مقال نمی‌گنجد، ولی روایتی از امام کاظم علیه السلام در تعاملات اجتماعی و حضور در جمع و جماعات وجود دارد که می‌فرماید:

«عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: صَلَّى حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَ نَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ؛ امام حسن و امام حسین علیهم السلام پشت مروان نماز خواندند و ما با آن‌ها (اهل سنت) نماز می‌خوانیم.» (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱).

### امام صادق علیه السلام و تشویق شیعیان برای همگرایی با اهل سنت

سیره امام صادق و باقر علیهم السلام از تشویق شیعیان برای همگرایی و تعامل سازنده با اهل سنت تا نمازگزاردن با آنان در مساجدشان، به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام آمده است:

«وَرَوَى عَنْهُ عَزِيدُ الشَّحَّامِ أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةِ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةِ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ علیه السلام مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ.»

امام صادق علیه السلام خطاب به زید بن حشام: «ای زید! با مردم [یعنی عامه و اهل تسنن] در با اخلاق خودشان معاشرت کنید. در مساجدشان نماز بگزارید و مریضانشان را عیادت کنید و در تشیع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خدا او را رحمت کند چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خداوند جزایش را بدهد چه اصحابش را بد تربیت کرده است» (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۳).

و یا روایتی از امام باقر علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام که حضرت با قسم جلاله بیان می‌کنند و توصیه‌ای به شیعیان که باید بهترین باشند.

«فَوَاللَّهِ لِحَدَّثَنِي أَبِي علیه السلام أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ علیه السلام فَيَكُونُ رَيْبَهَا آدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَقْضَاهُمْ لِلْحَقُوقِ وَ أُضِدُّ قَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَ صَايَاهُمْ وَ وَدَّاعُهُمْ

سکوت خود می‌فرمایند: «وَ أَيْمُ اللَّهِ لَوْ لَا مَخَافَتِي الْفُرْقَةَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَنْ يَعُودَ أَكْثَرُهُمْ إِلَى الْكُفْرِ وَ يُعَوِّزَ الدِّينَ لَكُنَّا قَدْ عَيَّرْنَا ذَلِكَ مَا اسْتَطَعْنَا؛ به خدا سوگند اگر ترس از تفرقه بین مسلمانان و بازگشت کفر و از بین رفتن دین نبود، بر رویه دیگری غیر از آنچه که بر آن بودیم، عمل می‌کردیم.» (شیخ مفید، امالی، ص ۱۵۵).

یعنی ترس از تفرقه خط قرمزی است که دفاع از ولایت را تحدید می‌کند. اگر تفرقه ایجاد شد، از ولایت هم نمی‌توان دفاع کرد و یا در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «الَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ آگاه باشید هر کس مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) دعوت کرد او را بکشید؛ هر چند زیر عمامه من باشد.»

### حضرت زهرا علیه السلام تا مرز تفرقه در امت، از ولایت دفاع کرد

پس از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سیره حضرت زهرا علیه السلام قابل توجه است. شاید تصور شود ایشان بر این مسیر نرفتند و خلاف آن عمل کردند؛ ولی این درست نیست. هر کسی در جایگاه خودش تا مرز تفرقه در امت، از ولایت دفاع کرد. اگر کسی با دفاع خود، تفرقه‌ای ایجاد نکند باید دفاع کند، نباید بگذارد حداقل این حق مکتوم بماند. ما هم اکنون می‌گوییم که از لحاظ علمی در اثبات تشیع کتبی، مانند «الغدیر» باید ادامه پیدا کند و در بحث علمی باید این چراغ افروخته بماند تا حق، کتمان شده نماند. آیات قرآن به صراحت بیان می‌کند که اگر کسی حق را کتمان کند مورد لعنت قرار می‌گیرد. کتمان حق چیز دیگری غیر از تقریب است. این مرزها خیلی وقت‌ها خلط می‌شود. مفهوم تقریب به معنای دست برداشتن از اساس ولایت و امامت نیست. باید مفهوم درست ولایت و امامت را به خوبی تبیین و ابلاغ کنیم. نقش حضرت علیه السلام نقشی واگرایانه نبوده و به هیچ وجه مخالف اتحاد امت هم نبوده است. اگر ایشان بیش از این قدم بر می‌داشتند مرز به هم می‌خورد. ولی علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام نقشی مکمل هم داشتند که هم چراغ حق خاموش نشود و هم تفرقه در امت ایجاد نگردد.

### امام حسن و امام حسین علیهم السلام و تعاملات اجتماعی:

در این راستا صلح امام حسن و قیام



نتیجتاً اختلافاتی هم هست و اتباع هر مذهب هم باید اعتقادات خود را بیان کنند و اینطور نیست که فقط مشترکات را بیان کنند. مثلاً امامت از مختصات مکتب اهل بیت علیهم السلام است. آیا ما امامت را بیان نکنیم؟ خیر! باید بیان کرد؛ چون این از مختصات ما و فصل ممیز ما از دیگر مذاهب و مکتب هاست، اما می‌توان این مختصات و فصول ممیز را به دو گونه بیان کرد، یا محاسن کلام اهل بیت علیهم السلام را بگوییم یا توهین و سب و لعن کنیم!

### دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره دشنامگویی به مقدسات دیگران و فاش کردن سراهل بیت

تجربه نشان داده که هیچ‌گاه دشنام گفتن به مقدسات دیگران موجب هدایت گمراهان نمی‌شود بلکه برعکس آنان را به لجاجت و مقابله به مثل وادار می‌کند؛ از این رو اهل بیت: به شیعیان یادآور می‌شدند که خداوند از دشنام گفتن - حتی نسبت به بت‌های مشرکان - نهی فرموده است. خداوند در سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنَا لِكُلِّ آفَةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام / ۱۰۸)؛ به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند. بنابراین پرهیز از دشنام يك اصل قرآنی و اسلامی است.»

امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان نسبت به کسی که سراهل بیت را فاش کند، می‌فرماید:

«ابن النعمان ان المذبح لیسى کفالتنا بسيفه بل هو اعظم و زرا بل هو اعظم و زرا بل هو اعظم و زرا يا ابن النعمان انه من روي علينا جدينا فهو ممن قتلنا عمداً و لم يقتلنا خطأ؛ ای پسر نعمان! فاش کننده سر ما مثل کشنده و قاتل ما با شمشیرش نیست، بلکه بار گناهش سنگین تر است؛ بلکه بار گناهش سنگین تر است. ای پسر نعمان! هرکس حدیثی ضد ما نقل کند از شمار کسانی باشد که ما را به عمد کشته نه به به خطا.» (تحف العقول، ص ۳۰۹).

در جنگ صفین برخی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام طرف مقابل را دشنام می‌دادند که آن حضرت فرمود: قال: «کرهت لکم ان تکونوا لعانین ستامین تشتمون و تبرءون و لکن لو و صفتهم مساوی اعمالهم»

و [لو] قتلتم مکان لعنکم ایاهم و براءتکم منهم - اللهم احقن دماءنا و دماءهم و اضلخ ذات بیننا و بینهم و اهدهم من ضلالتهم حتی یعرف الحق منهم من جهله و یزغوی عن العی و العذوان من لهج به کان هذا احب الی و خیرا لکم؛ برای شما خوش ندارم که آنان را لعن و ناسزا بگویید که آنان نیز شما را ناسزا گویند و از شما بیزار می‌شوید؛ ولی چه بهتر که اعمال ناشایست ایشان را یادآور شده» و حضرت در ادامه روایت می‌فرماید: «اگر به جای نفرین صرف آنان و بیزار می‌جستن از ایشان بگویید (دعا کنید): خداوندا! جان ما و ایشان را حفظ کن و بین ما و ایشان را اصلاح بگردان و آنان را از گمراهی شان نجات ده! تا آن که حق را نمی‌داند، پشناسد و آن که از آن سرپیچی می‌کند، بر آن گردن نهد. این را من بیشتر دوست دارم و برای شما نیز بهتر است.» (نهج البلاغه خطبه ۲۰۶، ص ۳۲۲ و وقعه صفین، ص ۱۰۳)؛

### شیوه دفاع از اهل بیت علیهم السلام را باید از خود اهل بیت گرفت

به هر حال در مقام جمع بندی می‌توان گفت که یکی از دستاوردهای دعوت نبوی، تشکیل امت اسلامی بود که به عنوان یک مفهوم قرآنی همواره مورد توجهنامه علیهم السلام هم بود و ائمه همواره می‌کوشیدند به آن لطمه‌ای وارد نشود و سیره همه امامان؛ همین موضوع را تأکید می‌کند. حال اگر ما به راستی پیرو این امامان که اسوه‌های جاوید بشرند هستیم، باید در همه ابعاد و جنبه‌ها پیرو آن‌ها باشیم؛ حتی در چگونگی دفاع از آن‌ها. باید به اغلب کسانی که با توجیه دفاع از ولایت، به اهل سنت و مقدسات آن‌ها اهانت و سب می‌کنند. باید به آنها بگوییم، اگر من شیعه‌ام باید در همه زندگی‌ام پیرو اهل بیت علیهم السلام باشم. مستند این شیوه دفاع از اهل بیت در سیره اهل بیت علیهم السلام کجا ست؟ این شیوه کاملاً من درآوردی است و ملهم از سیره و سنت نیست؛ این تجزی در ولایت پذیری است و ما این را قبول نداریم. شما در همه چیز باید پیرو اهل بیت علیهم السلام باشید. چرا شیوه دفاع از اهل بیت علیهم السلام را از خود اهل بیت علیهم السلام نمی‌گیرید؟

## شیعه‌ها اسر می‌بریدند، ثوابش برای آن سخنان و آنها که تشویقش کردند!



آیت... جاودان

شنیده‌ایم که مثلاً یک نفر به خودش بمب می‌بندد و می‌رود داخل یک مسجد تا صد نفر، دویست نفر شیعه را تکه پاره کند. این کار، صدها عامل دارد. آمریکا هست، اسرائیل هست، عربستان سعودی هم هست، من هم با آن منبر و اظهاراتم، یک عامل هستم که کمک می‌کنم. لااقل ما نکنیم. هزار جای دیگر می‌کنند، من به قتل عام شیعه کمک نکنم. رهبری هم که فتوا به حرمت این کار دادند.

ما در سابق جلساتی داشتیم، با دوستان صحبت می‌کردیم، می‌گفتیم تو در بند رضای خدایی یا هر کاری دلت می‌خواهد، میکنی؟ اگر خواست دلت مهم است، پس هر کاری می‌خواهی بکن! خدا که در کار نیست. اما اگر در بند رضای خدایی، من شک دارم. چون می‌بینم یک مرجع تقلید، دو مرجع تقلید، بلکه بیشتر این حرکت را حرام دانسته‌اند. شک می‌کنم در بند رضای خدا باشی.



# پرونده ویژه

# تشیع انگلیسی

پرونده‌ای در مورد فرقه شیرازی‌ها



حادثه کربلا یک جنایت خاص بودو بدترین شیب سقوط تاریخ بشر شیب پس از جریان کربلا بود. این شیب با شهادت امیرمؤمنان علیه السلام آغاز شد و با شهادت امام سوم علیه السلام به اوج خود رسید. این سقوط، سقوط بسیار عمیقی بود و سرنوشت امروز بشر نتیجه حادثه‌ای است که در کربلا رخ داد.

### انقلاب و حرکت امام راحل بازگشت به امامت بود

قلب دنیا که نقطه ارتباط غرب و شرق، شمال و جنوب است، در اختیار جامعه اسلامی است، بیش از ۷۰ درصد انرژی در جامعه اسلامی نهفته می‌باشد، ولی با این ثروت چرا باید این‌گونه باشند و چرا باید به این میزان بی‌سوادی داشته باشیم و عقب ماندگی عجیبی از لحاظ علمی، فرهنگی، بهداشتی، امکانات زندگی و دیگر مسائل بر این کشورها حاکم است.

پشت کردن به امامت، نتیجه تشکیل چنین جامعه‌هایی است. خدا این جامعه اسلامی را نتیجه پشت کردن و خیانت به امامت بیان کرده است. بزرگترین ظلم در منطق قرآن، ظلم به امامت است که خدا در قیامت، شاکي این ظلم خواهد بود، نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز نسبت به این موضوع شکایت می‌کنند.

انقلاب و حرکت امام راحل، بازگشت از آن موضوع و جبران پشت کردن به امامت بود.

### انقلاب مردم جهان را بیدار کرد

پیش از انقلاب اسلامی، دین در تمام جوامع منزوی شده بود. خدا در میان مردم غریب بود. راسل سخنگوی تمدن جدید بود، از فیلسوفان و بنیان‌گذار تمدن جدید غرب بود و می‌گفت که دین تمام شده است، ولی یک دفعه دیدند که یک رهبر دینی بدون هیچ امکاناتی از دل جامعه ایران برخاست.

تمام کشورها برای محقق نشدن انقلاب اسلامی با هم وحدت کرده بودند؛ در حالی که در طرف مقابل تنها یک عالم دینی بود که سخن ایشان تشکیل حکومت اسلامی بود و می‌فرمود «خدا پشتیبان ما ست و نیاز به پشتیبان دیگری نداریم».

برخی افراد جنایت می‌کنند که گاه می‌گویند وضع بدتر شده است. مگر شما کور بودید، کجا چنین وضعیتی که امروز در جامعه ماست در پیش از انقلاب اسلامی بود؟ مگر این اوج تدین موجود بود؟ مگر این حوزه‌های علمیه وجود داشت؟ انقلاب



## جریان شیرازی‌ها از ابتدا مورد حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس بودند!

آیت‌ا... محسن اراکی؛ دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب:

علی مومنی

### بزرگترین مصیبت جامعه بشری تنها گذاشتن امام حسین علیه السلام بود

قیام امام راحل براساس تحلیل منابع دینی، یک حلقه جدید از یک جریان تاریخی بسیار مهم است؛ یعنی قیام امام راحل آغاز یک بازگشت ملت به اطاعت امام بود.

روی‌گردانی از امامت، از زمان رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله تنها یک بار با روی آوردن مردم به امیرمؤمنان علیه السلام همراه شد که این بازگشت پایدار نبود و اوج این روی‌گردانی در صحرای کربلا رخ داد. مصیبت تنها گذاشتن امام علیه السلام در صحرای کربلا، بزرگترین مصیبت جامعه بشری به وجود آمده است.

اشاره: آیت‌ا... محسن اراکی متولد ۱۳۳۸ نجف اشرف می‌باشد. تحصیلات خود را تا سال ۱۳۵۳ در نجف گذراند و از محضر اساتیدی همچون شهید صدر، آیت‌ا... هاشمی شاهرودی، شهید آیت‌ا... مصطفی خمینی، سید محمد باقر حکیم بهره برد. وی بر اثر فعالیت‌های ضد رژیم بعث تحت تعقیب قرار گرفته و مجبور به ترک عراق شد. بعد از مهاجرت به ایران در قم سکنی گزید. در قم از محضر آیت‌ا... وحید خراسانی، سید کاظم حائری، مرحوم میرزا کاظم تبریزی در فقه و اصول بهره برد و نیز دروس فلسفه اسلامی را از محضر شهید مطهری، جوادی آملی، مصباح یزدی و فلسفه هگل را نزد شهید بهشتی آموخت. ایشان در سال ۵۷ مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. حاکم شرع آبادان و خرمشهر، مسئولیت نمایندگی ولی فقیه در نیروهای سپاه بدر، جانبازی در عملیات بیت المقدس، ریاست کل دادگستری استان خوزستان، امام جمعه دزفول، دو دوره نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، نمایندگی مقام معظم رهبری در لندن و... از جمله سوابق ایشان بوده است. هم‌اکنون علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول و همچنین تفسیر و حدیث، تدریس دروس خارج «فقه فرهنگ» به زبان انگلیسی و «علم الاجتماع» و «فقه الاقتصاد» و «معماری و نظام شهرسازی در اسلام» از فعالیت‌های علمی ایشان می‌باشد.



مساجد را پراز جوان کرد و آن‌ها را به انگیزه‌های دینی در ایران و تمام دنیا واداشت.

تمام ادیان اعتراف دارند که قیام امام علیه السلام دین را در جامعه کنونی زنده کرد. پیش از انقلاب، مسلمانان در خواب بودند و هیچ انگیزه‌ای برای حرکت وجود نداشت. انقلاب جامعه ایران را دگرگون کرد و جامعه‌ای که در آن فساد علنی ترویج می‌شد، تبدیل به جامعه‌ای شد که جوانان او در جبهه نماز شب می‌خواندند؛ شهدا را انقلاب تربیت کرد.

روایت دوران ظهور، انقلاب اسلامی را مقدمه ظهور عنوان کرده است. در روایت آمده است که در آخرالزمان مردی از قم خارج می‌شود و افرادی او را همراهی می‌کنند که از تکیه‌های آهن سخت‌تر هستند.

### ۹۰ درصد اساتید شیعه شناس دانشگاه‌های آمریکا یهودی هستند

انقلاب اسلامی بیان کننده دین ناب محمدی است. این دین برخاسته از تأثیرات سلطنت‌های مختلف نیست، بلکه از حوزه علمیه قم برخاسته است، حوزه‌ای که بیان‌کننده کلام اهل بیت علیهم السلام است و تنها سلسله سند ما ست که به نبی اکرم صلی الله علیه و آله متصل می‌شود.

بیداری اسلامی از جمله برکات انقلاب اسلامی است. حتی جوانان سنی گفتند که رهبر ما امام خمینی علیه السلام است، مردم ناامید فلسطین زنده شدند و مقاومت اسلامی در لبنان زنده شد، این کشورها اماکنی بودند که رژیم صهیونیستی هر وقت اراده می‌کرد آن‌ها را تصرف می‌کرد. در کشورهای اسلامی دیگر نیز جوانان به انقلاب و امام روی آوردند. هم‌اکنون در کشورهای غیراسلامی نیز به اسلام متمایل شده‌اند. نسل جدید اروپا طرفدار اسلام شد و در طول ۲۰ سال، قریب به ۲ هزار مسجد در انگلیس ساخته شد.

اکنون در اغلب دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی، بخش‌های اسلام و شیعه شناسی و انقلاب اسلامی شناسی

تشکیل شده است. ۹۰ درصد اساتید متخصص اسلام‌شناس و شیعه‌شناس در آمریکا یهودیان هستند، بیشترین و قوی‌ترین مؤسسات اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی با مراکز تحقیقاتی این رژیم در ارتباط می‌باشند.

### توطئه‌های دشمنان برای شکست انقلاب اسلامی

دشمنان پس از بررسی، نقطه قوت انقلاب را مرجعیت و اعتقادات شیعی به ویژه نسبت به امام زمان (عج) و ولایت فقیه و عاشورا بیان کردند. دشمنان، نخست حمله فکری را شروع کردند و بیش از ده‌ها برابر آنچه ما کتاب نسبت به اسلام، شیعه و انقلاب نوشته‌ایم، آن‌ها برای اسلام، شیعه و انقلاب بررسی، تحقیق و کتاب نوشته‌اند. تلاش نخستشان جدا کردن مردم از امام زمان (عج) و ولایت فقیه بود. تلاش کردند که اندیشه امامت را از بین ببرند و با این اندیشه‌ها مبارزه شدیدی صورت بدهند.

حتی در دورانی در داخل کشور، افرادی به اندیشه ولایت فقیه، مهدویت و امامت حمله کردند. دشمنان به این نتیجه رسیدند که جز از درون نمی‌شود با انقلاب مبارزه کرد و باید آن را از درون بپاشند. انزوای مرجعیت، قطع رابطه مردم با مرجعیت و شبهه‌افکنی، از دیگر کارهای دشمنان بود.

پس از سقوط صدام، شروع به ایجاد مرجعیت‌های تحت تأثیر خودشان کردند؛ چون نمی‌توانستند فردی به اسم جرج را بیاورند که درس بخواند و عمامه بگذارد و به او بگویند آیت ا... . آن‌ها این موضوعات را خودشان بیان کردند که عناصر ضعیف، عوام فریب و قابل نفوذ حوزه را تحت کنترل و حمایت قرار دادند، از آن‌ها پشتیبانی مالی، تبلیغاتی و حمایتی کنن، امروز بسیاری نسبت به عمق خطر پی برده‌اند.

### پول‌های mi۶ را به عنوان وجوهات می‌دهند

آن‌ها ارتشی‌های سابق و ضد انقلاب‌های خارج نشین را اجیر

می‌کنند و به عنوان مرید و مقلد ، پول mi۶ (دستگاه جاسوسی انگلیس) را به عنوان وجوهات به آن‌ها می‌دهند، آنان در محورهای مختلف شروع به تقویت عناصر مختلف کردند و به این محورها خط می‌دهند و خودشان می‌خواهند به وسیله افرادی که سواد مرجعیت و سابقه علمی ندارند، مرجع بسازند. آنان عوام فریبی را خوب بلد هستند و از طریق نفوذ در مسئله هیئت‌های حسینی و بهره‌وری از شعار حسینی پیش می‌روند.

دشمنان می‌دانند هیئت‌های مذهبی سبب پیوند عاطفی روحانیت و مردم شده است و عاشورا بود که انقلاب را پیروز کرد و حادثه ۹ دی در عاشورا رخ داد. دشمنان به دنبال نفوذ در هیئت‌ها و برتأثیر روی مداح‌ها هستند. مهدی‌تراشی از دیگر کارهای دشمنان است که با ترویج افراطی‌گرایی می‌توانند این سه کار را عملی کنند.

### شیعه باید خون بدهد؛ آن هم با قمه‌زنی!

فرقه شیرازی‌ها در تلاش ترویج قمه‌زنی در جهان است. می‌گویند، شما به این انقلابی‌ها نگاه نکنید. این‌ها که شیعه نیستند، اگر شیعه حسینی هستی باید قمه بزنی، چرا تنها سینه می‌زنی و گریه می‌کنی؟ شیعه باید خون بدهد؛ حتی خودت که قمه می‌زنی باید کودک شیرخوار را بیاوری و قمه بزنی و همسر خود را باید به قمه زنی تشویق کنی.

مگر اهل بیت علیهم السلام و مراجع تقلید قمه می‌زدند که برخی این کار را ملاک شیعه بودن می‌دانند!

آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها قمه‌زنی را بسیار ترویج می‌کنند و هر کتابی درباره شیعه بنویسند علامت و نماد شیعه‌گرایی را قمه‌زنی قرار می‌دهند؛ حتی در کتاب دینی رسمی خود که در مدارس آن‌ها برای دبیرستانی‌ها بیان می‌شود، در بخش تشیع تمام عکس‌ها را افراد قمه‌زن قرار می‌دهند.

این فرقه معتقدند، شیعه‌ای که قمه

دشمنان می‌دانند

هیئت‌های مذهبی

سبب پیوند عاطفی

روحانیت و مردم

شده است و عاشورا

بود که انقلاب را

پیروز کرد و حادثه ۹

دی نیز در عاشورا رخ

داد، دشمنان به دنبال

نفوذ در هیئت‌ها و

تأثیر بر روی مداح‌ها

هستند.

عربستان سعودی

اجازه نمی‌دهد یک

برگه از مفاتیح‌الجنان

ما وارد این کشور

شود، ولی عربستان

سعودی برای این

آقایان خانه‌مادری

است و هر وقت

مخواستند می‌روند

و می‌آیند؛ تنها

کتاب‌های اینان در

عربستان آزاد است



نزند شیعه نیست؛ یعنی تمام شیعه‌های که در طول تاریخ بوده‌اند شیعه نیستند و تنها شما شیعه هستید؛ حتی غالب این قومه‌زن‌ها از نظر تدین دیدگاه‌های خاصی دارند، و به آن‌ها می‌گویند که فرد با قومه‌زنی به بهشت می‌رود.

این‌ها می‌گویند، شعائر حسینی تنها قومه‌زنی است، یعنی هیچ چیز دیگری نیست؟ مگر اهل بیت (ع)، ما، بزرگان ما مثل آقای بروجردی، شیخ انصاری و دیگر مراجع ما قومه‌زند؟ مگر این‌ها متدین نبودند و نیستند؟ ما خودمان عزاداری و تعظیم شعائر حسینی را از ائمه اطهار: و مراجع تقلید یاد گرفتیم؛ حتی می‌گویند که قومه‌زنی کافی نیست و تا لعن بر مقدسات اهل سنت نفرستید شیعه نیستید؛ البته آن‌ها برای ما مقدس نیستند و نسبت به آن‌ها انتقاد داریم ولی ما مجاز نیستیم آنان را مورد توهین، سب و لعن قرار دهیم. آن‌ها می‌گویند باید به گونه‌ای توهین کنید که دل هر سنی بسوزد و بگوید باید به خودم بمب ببندم و شیعه‌ها را از بین ببرم.

### شیخ شحاته را شبکه‌های ماهواره‌ای فرقه شیرازی‌ها به کشتن دادند

می‌گویند که همسر پیامبر (ص) را متهم به زنا کنید و علیه این فرد کتاب می‌نویسند ، حتی در لندن بالن درست می‌کنند و روی آن لعن بر مقدسات می‌نویسند و می‌گویند، باید رسانه‌ای به تمام زبان‌ها ایجاد کنیم تا همه سنی‌ها برای شیعه‌گشی در عراق و سوریه بسیج شوند؛ آن وقت در این رسانه‌ها و ماهواره‌ها کاری جز سب و لعن خلفا، همسر پیامبر (ص) و دیگر افراد انجام نمی‌شود.

در تاریخ مصر شیعه‌گشی وجود نداشته است و این‌ها محب اهل بیت (ع) بودند، همین رسانه‌های فرقه شیرازی با حرف‌هایشان، برنامه‌هایشان و توهین به مقدسات اهل سنت و متهم کردن همسر پیامبر (ص) به زنا باعث شدند که مردم تحریک شده و شیخ شحاته را به همراه همراهان، مظلومانه کشتند.

مگر بسیج کردن این همه جوان برای رفتن به عراق و سوریه کار آسانی است؟ آیا فردی حاضر است خود را به کشتن بدهد. صدها هزار نفر بسیج می‌شوند و عمده عقیده آن‌ها این است که بروند و شیعه بکشند؛ یعنی آنچه این‌ها را تحریک می‌کند تنها دولت سوریه نیست، می‌گویند؛ چون این رژیم شیعی است، باید کشته شوند و

می‌گویند در عراق شیعه حاکم شده است، لذا بروید و آن‌ها را بکشید، با این انگیزه جوانان را جمع می‌کنند.

برخی از جوانان با انگیزه دینی وارد میدان می‌شوند و می‌گویند ، می‌رویم از دین، صحابه و مقدسات خود دفاع کنیم؛ این کاری است که این‌ها انجام می‌دهند، افراطی‌گرایی سنی و شیعی با یک عامل به وجود می‌آید؛ آن عامل نیز استکبار و دستگاه‌های جاسوسی است.

### تشیع لندن بزرگ‌ترین خطر برای اسلام و شیعه است

دشمنان نیز افراد را تحریک می‌کنند که ایران شیعی در حال تسلط بر جهان است؛ چرا نشسته‌اید؟ این‌ها کشور عراق، سوریه و لبنان را گرفته و در حال ایجاد مشکل برای بحرین هستند، لذا این‌گونه جوانان دنیا را تحریک می‌کنند. هر دو جریان، یعنی شیرازی‌ها از شیعه و داعش و القاعده که از جهان اهل سنت هستند، از همین جا سرچشمه می‌گیرند. آن جریان افراطی شیعه که می‌گوید، فحش و لعن علنی بدهید، حتی بیایید در قم راهپیمایی کنید و لعن علنی به راه بیندازید، هدفش این است که از آن فیلم برداری کند، کلیپ درست کند و در موبایل‌ها و ماهواره‌ها پخش کند تا بگویند؛ مردم دنیا، در قم که مرکز حوزه علمی شیعی است، شیعه‌ها در خیابان‌ها جمع می‌شوند و برای قتل خلیفه دوم جشن می‌گیرند و لعن می‌فرستند.

شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؛ اینکه ما می‌گوییم این تشیع لندن است، از روی حدس و گمان حرف نمی‌زنیم؛ خطر بزرگی است که امروز، اسلام و تشیع را تهدید می‌کند و خطر بزرگی است که کل جامعه اسلامی را تهدید می‌کند؛ خطر ایجاد حس ستیز تا عمق وجود، در شیعه علیه سنی و سنی علیه شیعه را ایجاد می‌کند.

حتی می‌گویند که ایران را باید برهم زد. به هم ریختن عراق، سوریه و لبنان، کاری نیست؛ باید ایران را برهم بریزید و باید در قم این کار را بکنید تا سنی‌های ایران علیه شیعه‌ها تحریک شوند.

### پخش برخی سخنرانان تندرو شیعی و کشته شدن شیعه توسط ریگی

ریگی می‌گفت که وقتی نیروهای ما ضعیف می‌شدند، سخنرانی برخی از سخنرانان تندرو شیعی را پخش می‌کردیم و دوباره آن‌ها تحریک می‌شدند. ما معتقدیم این دو جریان افراطی، بزرگ‌ترین خطر جهان

اسلام معاصر هستند و باید جلوی این خطر را گرفت و در قم باید بساط این خطر را برچید. این جریان، امروز در تمام دنیا سازمان یافته است و همانند سازمان مجاهدین خلق، تشکیلاتی است. اصلاً سازمان روحانیتی و مرجعیتی نیست، بلکه تشکیلاتی پشت سر این‌ها است و سازمان‌های جاسوسی کاملاً به این‌ها اطلاعات می‌دهند و کار می‌کنند و ارتباط دارند.

### عربستان سعودی خانه مادری فرقه شیرازی‌ها است

این‌ها اکنون هر جا بخواهند بروند، زمینه برایشان فراهم است. عربستان سعودی اجازه نمی‌دهد یک برگه از مفاتیح الجنان ما وارد این کشور شود و می‌گویند که در آن زیارت عاشورا است، ولی عربستان سعودی برای این آقایان خانه مادری است، هر وقت بخواهند می‌روند و می‌آیند؛ تنها کتاب‌های اینان در عربستان آزاد است.

در کویت، جریان‌هایی که از آنها حمایت می‌کنند دقیقاً با دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی انگلیس ارتباط دارند و از آغازی که این‌ها در کویت پایگاه زدند مورد حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس بودند تا به امروز.

### لیدر فرقه شیرازی‌ها سابقه علمی ندارد

سابقه تحصیلاتی لیدر فرقه شیرازی‌ها که او را در حد یک مجتهد معرفی کند، وجود ندارد؛ چه برسد به مجتهد اعظم که جای خود دارد. کجا درس خوانده است؟ هر فردی که مجتهد می‌شود به ویژه در این شرایط که اجتهاد امروزی لازم است، باید بتواند مسائل امروزی را استنباط کند.

فردی که درس هیچ یک از اساتید بزرگ و معروف حوزه را نرود و یک دفعه بیاید و بگوید من مرجع تقلید و مجتهد هستم، چنین چیزی درست نیست. اگر کتاب‌هایی که به این آقا منتسب است را بدهند به گروه‌هایی که رساله‌های سطح چهار را داوری می‌کنند، می‌بینید که کتاب‌های ایشان قابل ارزیابی با رساله‌های سطح چهار هم نیست. اینکه فردی بیاید با ژست، قیافه، تبلیغات، رسانه‌ها و هجده ماهواره بگوید؛ آیت‌الله فلان و تنها مرجع تقلید جهان تشیع است، مرجع تقلید به حساب نمی‌آید از این کلاه‌ها سر ما نخواهد رفت و ما اجازه نمی‌دهیم این راه باز بشود و ساحت قدس مرجعیت این‌گونه لکه‌دار شود.





سوریه و عراق و معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که پشت پرده کشتار اهل سنت در عراق و سوریه است، توانست به این موفقیت، یعنی ایجاد حس تنفر و دشمنی در اهل سنت موفق باشد.

### جریان شیرازی ها حزب یا گروه نیست؛ یک تفکر شده است!

اما جریانی که درون شیعه این ماموریت را دنبال می‌کند، جریانی موسوم به "شیرازی‌ها" است. در واقع باید گفت، جریان شیرازی‌ها یک تفکر است که این تفکر دیگر محصور به شخص یا اشخاص نیست؛ تفکری است که امروز نام "شیرازی" را چتری برای خود می‌یابد و عمده حوزه تأثیر آن را خارج از مرزهای ایران شکل می‌دهد. از "ملنگ" های پاکستان و "اخباری" های هندوستان تا "حجّیه ای" های ایران و بخشی از "کربلایی" های عراق، همگی خود را حامی و جزئی از این جریان می‌دانند. در داخل کشور هم با سرمایه‌گذاری روی هیئت مذهبی و القای شبهات و بدعت، این مسیر را می‌پیماید.

تاکید این جریان در پررنگ کردن اختلافات تاریخی - اعتقادی شیعه و سنی، مثل ایجاد دهه‌های ساختگی عزاداری محسنیه، مسلمیه، صادقیه - برخلاف سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) - از سویی و نیز مطرح ساختن افراطی برخی ظواهر مراسم عزاداری حسینی - مانند قمه زدن - چنین تصویری را به شیعیان دنیا ارائه می‌دهد که ایران کشوری است که برای مصالح سیاسی خود پا بر روی میانی تشیع گذاشته است و طبیعی است که در تعارض میان تشیع و جمهوری اسلامی، این جمهوری اسلامی است که کنار گذاشته خواهد شد! و این نکته محوری تفکر شیرازی است که توانسته است طیفی متنوع از شیعیان مخالف جمهوری اسلامی را به دور خود جمع کند.

گویی وهابیت و شیرازی‌ها دو روی یک سکه‌اند. در میانه جنگ با اسرائیل غاصب، یکی می‌گوید، کمک به مجاهدان حزب... حرام است و آن طرف دیگر می‌گوید، کمک به مجاهدان غزه حرمت دارد!

یکی می‌خواهد شیعیان را از سیره اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) جدا کند و دیگری سنی‌ها را از قرآنی که مودت فی القربی را بدان‌ها آموخته. جالب آنجا است که هر دو وقتی به واژگانی، چون «انقلاب اسلامی»، «خمینی» و «خامنه‌ای» می‌رسند زبان به فحش، ناسزا و تکفیر می‌کشایند؛ آن یکی اینان را مخالف و دشمن اهل بیت (علیهم‌السلام) و دوستدار سنی می‌داند و این یکی ترس در دل اعراب می‌اندازد که اینان به دنبال



## جریان شیرازی ها و مسیری خلاف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)!

مجید جلیلی

### حمایت از مستضعفین عالم، از شعار تا تحقق عملی

پیروزی مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه، و نیز جنگ ۲۲ روزه غزه و پیشرفت علمی جمهوری اسلامی ایران، یک غرور و احساس هویت جدیدی در مسلمانان سراسر جهان به وجود آورده بود؛ یعنی نه تنها شیعیان، بلکه اهل سنت سراسر دنیا از شرق آسیا گرفته تا مصر، الجزایر و امریکای لاتین به مسلمانی خود افتخار می‌کردند. همه و همه حکایت از تبدیل شدن ایران به قدرت بی‌رقیب و موفق در دنیای اسلام بود. وجود چنین الگوی بی‌بدیلی در میان کشورهای مسلمان، جذب کننده قلوب مسلمانان و بیداری آنان بود و همین امر زمینه و بستر جنبش‌هایی در سال ۲۰۱۱ در کشورهای مختلف اسلامی شد. طراحی پروژه‌های گسترده در داخل و خارج کشور، مثل فتنه ۸۸ در داخل، ایجاد و تقویت شبکه‌های ماهواره‌ای از سوی تندوره‌های شیعه و سنی به منظور ایجاد تفرقه و راه انداختن حس نفرت و جنگ مذهبی، مرجعیت‌سازی دروغین و ایجاد جنگ و بحران در سوریه و عراق، در واقع واکنشی به این احساس خطر بزرگ از سوی نظام سلطه بود.

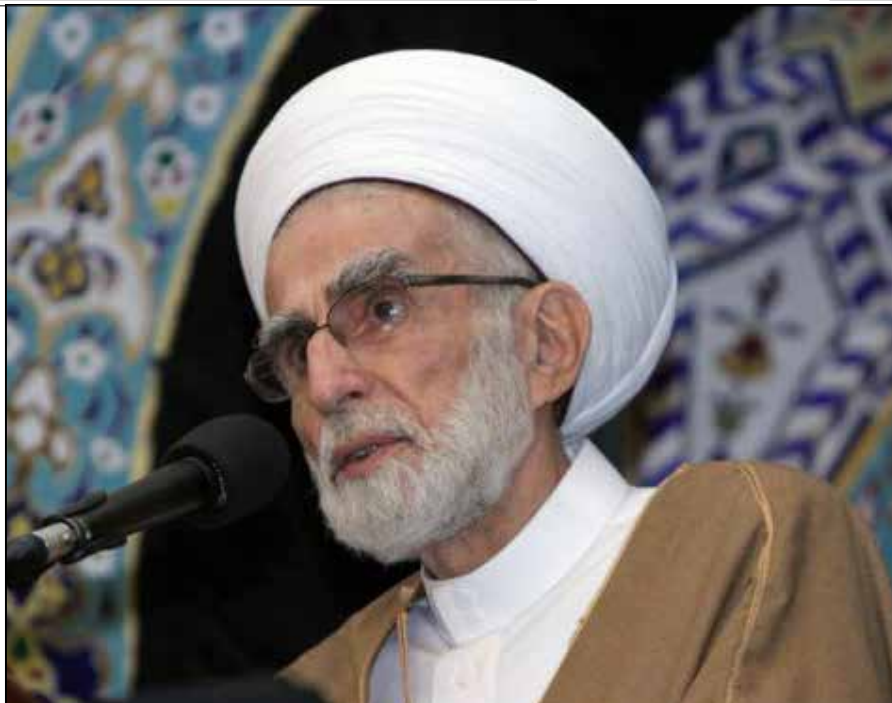
در واقع انقلاب اسلامی فارغ از دین، نژاد و مذهب به دنبال حمایت از مستضعفین عالم بود. در این بین، مسلمانان دنیا اعم از شیعه و سنی مورد حمایت انقلاب اسلامی بود و این عمق استراتژیک انقلاب اسلامی بود که برایش حزب... شیعی و

حماس سنی تفاوتی نداشت. دشمن دو کار عمده را در دستور کار خود قرار داد؛ یکی سرد کردن قلوب مسلمانان سنی مذهب و دیگری تفرقه در بین شیعیان؛ به تعبیر دیگر می‌توان گفت؛ عمق استراتژیک انقلاب را نشانه و هدف قرار داد.

### جریان شیرازی و وهابیت دو روی یک سکه!

در مرحله اول با تأسیس شبکه‌ها و رسانه‌های مختلف و برجسته کردن افرادی از درون شیعه و سنی، در سطوح مختلف همت گمارد؛ شبکه‌هایی که سر در آخور استکبار و غرب و صهیونیسم دارند. جریان شیرازی‌ها و وهابیت را می‌توان در واقع دو روی یک سکه نامید. یکی ماموریت جداسازی اهل سنت از انقلاب را دارد و دیگری جدایی شیعیان بخصوص در خارج از مرزهای ایران از خط مقاومت و جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند.

از یک طرف، یاسر الخبیت - روحانی کویتهی مقیم لندن - و شیخ حسن اللهیاری - روحانی افغان مقیم امریکا - با مدیریت شبکه‌هایی، مثل فدک و اهل بیت یکی با پول روباه پیرو دیگری با دلارهای سازمان سیا بر ضد اهل سنت و رسوا کردن سنی‌ها و از آن سو، العریفی و عبد الرحمن الدمشقیه و مولوی ملازاده با دلارهای صهیونیستی سعودی یکی با شبکه «کلمه» و دیگری با شبکه «وصال» متعلق به فرقه وهابیت به ترویج تطرف مذهبی مشغول‌اند تا تأمین کننده سیاست‌های اربابان خود باشند؛ یکی به اسم شیعه و دیگری به اسم سنت! در مرحله بعد، استکبار با ایجاد بحران



## امید ما به رهبری امام خامنه‌ای فراوان است

گفتگو با شیخ احمد الزین از مفتیان اهل تسنن لبنان

محمد رضا صاحبی

است تا با استفاده از آن، جنایت‌هایشان را مرتکب شوند و غرب در این راستا، یک استراتژی را در پیش گرفته است؛ بخصوص از زمانی که سلطنت عثمانی و رهبری متحد اسلامی سقوط کرد و مسلمانان به کشورها و قومیت‌های مختلف تقسیم شدند و بین آن‌ها تفرقه ایجاد شد و رد کردن اتحاد اسلامی و امت اسلام در درون مسلمانان تعمیق یافت و تجمع‌ها و هویت آن‌ها منحصر شد به محدوده کشور، مذهب و امثال آن.

### اختلاف مذهبی یک امر طبیعی است

می‌خواهم تأکید کنم که این رویکرد در آن زمان از انگلیس و فرانسه وارد شد و ایالات متحد آمریکا آن را دنبال کرد و الان این رویکرد را در صهیونیسم جهانی شاهد هستیم و تمام آن‌ها خواستار تفرقه بین مسلمانان هستند و بر آن اصرار دارند و اموری را آشکار و پرنرنگ می‌کنند که در اصل باعث اختلاف نیستند. آن‌ها اختلافات مذهبی را پرنرنگ می‌کنند؛ در حالی که اختلافات مذهبی، یک مسئله طبیعی است که نتیجه اجتهاد و تفاوت جوامع

**اشاره:** شیخ احمد الزین، رئیس هیئت امنای جمعیت مسلمانان لبنان و از مفتیان اهل تسنن لبنان می‌باشد. از وی کتب و مقالات زیادی در زمینه وحدت اسلامی به چاپ رسیده است. آنچه در زیر می‌آید، گفت‌وگوی کوتاه ماست با وی در مورد جریان‌های تکفیری و ضرورت اتحاد مسلمان در دنیای کنونی.

### خوارج و تکفیر امام علی

مشکل در اصل و اساس این جریان‌ها و دعوتشان نیست. هنگامی که در تاریخ اسلام دقت می‌کنیم، حتی در پایان دوره خلفا، یعنی در زمان امام علی، آنجا هم گروهی از مردم مسلمان را می‌بینیم که در عقیده سیاسی و طرح آن عقیده تندروی کردند و امام علی را تکفیر نمودند؛ چرا که آنها برای ایجاد حکمیت، توافق کردند. در آن روز، خوارج هر دو را تکفیر کردند. در طول سال‌ها در تاریخ تمدن اسلامی و امت اسلام، شاهد این تندروی‌ها و تکفیر یکدیگر و جدایی هستیم، اما در این روزها و در دو دهه اخیر، این تندروی به صورت گسترده مورد استفاده دشمنان اسلام قرار گرفته

گسترش تشیع و اسلام قلبی هستند!  
**جریان شیرازی‌ها، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را نشانه رفته است**

وجه مشترک بحران سوریه و پس از آن عراق با جریان "شیرازی" در این است که هر دو عملاً عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را نشانه رفته‌اند. بحران سوریه و عراق، بدنه اهل سنت دنیا را از ایران جدا ساخته و جریان شیرازی نیز به دنبال جدا کردن شیعیان جهان از ایران است.

**دعوت با حکمت و موعظه حسنه يك اصل**

**قرآنی**

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ این يك اصل قرآنی است که به ما می‌گوید: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! اگر چنین عمل نمایم، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمن است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

**جریان شیرازی و مسیری خلاف سیره اهل**

**بیت**

با نگاهی به سیره اهل بیت علی‌السلام و خصوص حضرت امیر و همکاری با خلفا با اینکه خلافت را که حق حضرت بود، غصب کرده بودند؛ اما حضرت به خاطر حفظ اسلام و خطر تفرقه، سکوت کردند. حضرت در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَسَيَقُولُ لِي فِي صِفَانٍ مُّحِبٌّ مُّفَرِّطٌ يَذْهَبُ بِهٖ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ الْمُبْغِضُ مُفَرِّطٌ يَذْهَبُ بِهٖ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي جَلَا النَّمَطِ الْأَوْسَطُ فَالزَّمَوهُ وَ الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَ إِنَّا كُمْ وَ الْفُرْقَةُ» (خطبه ۱۲۷)؛ دو گروه نسبت به من هلاک می‌شوند: محبی که در دوستی من افراط کند و به غیر حق کشانده می‌شود و دشمنی که در کینه‌ورزی با من زیاده‌روی کرده، به راه باطل در می‌آید. بهترین مردم آن‌ها جدا نشوید و همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است و از تفرقه و پراکندگی بجزر باشید.

و در ادامه حضرت می‌فرماید: «الْأَمَنُ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»؛ آگاه باشید! هر کس مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) دعوت کرد، او را بکشید؛ هر چند زیر عمامه‌ی من باشد». قطعاً می‌توان گفت، تفکر شیرازی‌ها در مسیری غیر از سیره اهل بیت است.



و اصولی است که در وضع احکام شرعی به آن نیاز داریم؛ حتی در یک مذهب نیز شاهد بیش از یک رای در بین بیشتر مراجع و علما هستیم و به آن نیاز هست؛ پس این اختلافات اجتهادی در فقه و در غیر فقه حتی در امور عقائدی، علت اصلی و مستقیم تفرقه، جنگ، تکفیر و تقسیم نیست و چیزی که این را شدت می دهد و از اختلافات مذهبی به عنوان یک وسیله استفاده می کند، وابستگی های قومیتی است؛ مثلاً از وابستگی ایرانی یا فارسی استفاده می کنند و می گویند که دشمن شما این فارس ها و ایرانی ها هستند که نسبت به کشور شما طمع دارند و ایران دشمنی است که باید از آن ترسید و اسرائیل با وجود پروژه صهیونیستی اش دشمن نیست.

### با پول عربستان و با پشتیبانی آمریکا و انگلیس

این آن چیزی است که از طرف غرب و علی الخصوص اسرائیل به ما می رسد تا استراتژی تفرقه بین مسلمانان را اجرا و عملی کند. متأسفانه امروز در قضیه تکفیر و تندروی از جانب برخی از علما و شیوخ، هم در اهل سنت و هم در شیعه، شاهد این هستیم. این رویکرد از طرف ایالات متحد آمریکا، صهیونیسم جهانی، انگلیس و فرانسه تغذیه و از طریق ثروت نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس به خصوص عربستان، حمایت و پشتیبانی می شوند که بدین وسیله، تفرقه را بین مسلمانان منتشر می کنند؛ با این ادعا که شیعیان در طمع فلان چیز هستند و فلانی خارج از اسلام است و قرائت سوره حمد سرفبر کفر است و زیارت امام حسین علیه السلام چنین و چنان است. عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس با ثروت هایشان و با تشویق ایالات متحد آمریکا و سیاست صهیونیستی این را انجام می دهند و بعضی گروه ها و علما و شیوخ را با هدف ایجاد تفرقه تغذیه می کنند و متأسفانه بین علما و شیوخ کسانی وجود دارند که از طریق رسانه ها این رویکرد را تقویت می کنند. نمی دانم آیا با نیت خالص و از روی ساده دل بودنشان این را انجام می دهند و گمان می کنند که مردم، پیرو آنها هستند یا اینکه این با تشویق این طرفهاست که به آنها پول می دهند تا در این مسیر پیش روند.

### آمریکا و اروپا متحد و مسلمانان در تفرقه

چیزی که شاهد آن هستیم این است که ما الان در جهان متحد و یکپارچه زندگی می کنیم. کشور آمریکا با ۵۲ ایالت، یک

کشور وسیع و در واقع می توان گفت که یک قاره کوچک متحد است و با یک رهبری اداره می شود. اروپا با وجود جنگ هایی که در گذشته با میلیون ها کشته داشت، به خاطر حمایت از منافعشان متحد شدند؛ اما مسلمانان در عین اینکه به این وحدت نیازمندترند، دچار تفرقه هستند. ما باید به یک امت اسلامی واحد برگردیم و پایبند به کتاب خدا و آموزه های پیامبر صلی الله علیه و آله و ارزش ها و احکامی که دین مبین اسلام آورده، باشیم تا ارزش های انسانی و اجتماعی را به جهان صادر کنیم؛ جهانی که به عدالت، محبت و حمایت از مقدسات و زندگی انسانی، علم راستین و حمایت از عقل و دانش نیاز دارد تا از تخریب ویرانی جلوگیری کند. مسلمانان باید به وسیله اتحادشان و التزامشان به اسلام، به سوی تمامی این اهداف حرکت کنند.

### در جمهوری اسلامی رهبری، پایبند به اسلام وجود دارد

برای اینکه سخن ما به دور از واقع گرایی و صرف سخنرانی نباشد، می خواهم مسئولیت های بزرگی را به عهده جمهوری اسلامی ایران بگذارم؛ به دلیل اینکه جمهوری اسلامی از ابزارهای قدرتمند و تاثیرگذار بهره مند است که نزد دیگران نمی یابیم؛ در جمهوری اسلامی رهبری، پایبند به اسلام وجود دارد که این شرط اول است؛ ثانیاً مجلس شورایی وجود دارد که مانع از انحراف می شود و رهبر و جامعه را به حکم شرعی، کتاب خدا و آموزه های پیامبر صلی الله علیه و آله ملزم می کند. جمهوری اسلامی از زمان ظهورش به رهبری امام خمینی علیه السلام مسئله وحدت اسلامی و امت اسلامی را مطرح کرد و مسائل جهان اسلام و در رأس آن مسئله فلسطین را در همه جا بر عهده گرفت. امید ما به رهبری امام خامنه ای (حفظه...) فراوان است. ایشان داری تقوا، اخلاص و شایستگی علمی است و امید ما به جمهوری اسلامی فراوان است که این مسئولیت بزرگ و این بار سنگین را به خاطر متحد ساختن جهان اسلام و رسیدن به این هدف با مسئولیت پذیری، امانت و صداقت تمام به دوش بکشد؛ هدفی که در درجه اول، رضای خدا و التزام به دین و در درجه دوم مصلحت حقیقی مسلمانان، محقق ساختن بیداری جهان اسلامی و بنای تمدن اسلامی مطلوب، مصلحت بشریت و نشر ارزش های انسانی و اسلامی در کل جهان را دنبال می کند.

## از زمانی که مبلغین جریان شیرازی آمدند، رشد تشیع متوقف شد!

حجت الاسلام محمد رضاهادی  
(مبلغ بین المللی)

با دوستی سودانی صحبت می کردیم. می گفت در سودان پراز صوفی هایی است که محب مولای متقیان اند. آنقدر این گرایش قوی است که برخی آن ها را شیعه می خوانند. می گفت، از زمانی که برخی مبلغین تندرو شیعی وابسته به جریان شیرازی آمده اند و در منطقه يك حسینیه زده اند و در مراسمات مختلف به طور علنی به اقداماتی زننده دست می زنند. لعن و نفرین می کنند و فکر می کنند خیلی ولایی هستند، نه کسی دیگر در آن منطقه شیعه شد و نه حتی نگاه قبلی که به شیعه وجود داشت باقی ماند. خیلی ها بدبین شده اند و دارند در دام وهابیت می افتند. راستی چه کسی جواب این همه خدمت را می دهد؟

این ترتیب آقای سیدمنیرالدین به ملاقات آقای شیرازی رفت و در این مورد با ایشان گفت‌وگو کرد.

[....] موقعی که من خدمت ایشان [آقای سیدمنیرالدین] رسیدم گفت: «جواب آقای شیرازی این بود که دوستان صلاح ندیدند که من، مردم را به آقای خمینی ارجاع بدهم؛ بنابراین بنده بر سر همان ادعای مرجعیت و الامام‌المجدد بودن هستم.» (صص ۱۶۹-۱۷۱)

### آقای خوبی و شاهرودی آقای شیرازی را مجتهد نمی‌دانستند!

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد با رحلت [آیت‌الله العظمی] آقای حکیم و به عرصه آمدن مراجع جدید، حملاتی علیه آقای شیرازی تدارک دیده شد. [آیت‌الله العظمی] آقای خوبی و [آیت‌الله العظمی] آقای شاهرودی هر یک به‌طور جداگانه اعلامیه‌ای علیه ایشان صادر کردند. آقای شاهرودی در اعلامیه‌اش متذکر شده بود که آقای شیرازی مجتهد نیست و شاهد بر این مدعا، نیز استاد وی آقای شیخ یوسف حائری است که در نوشته‌ای تصریح کرده، آقای شیرازی به حد اجتهاد نرسیده است. در مرحله بعد حملات، شدت بیشتری پیدا کرد و مرحوم آقای خوبی در سئوالی که از ایشان شده بود طوری جواب داده بود که حیثیت ایشان خدشه‌دار شد... مرحوم آقای خوبی در جواب مرقوم کرده بود که کار این سید، شبه‌ناک است و دادن وجوهات به وی جایز نیست. (صص ۱۷۳)

### سکوت حضرت امام در قبال اعمال و رفتار آقای شیرازی

در بدو ورود امام به عراق و به‌ویژه شهر کربلا آقای شیرازی استقبال شایانی از ایشان کرد و رابطه خوب و گرمی بین‌شان پدید آمد، منتهی بعداً این ارتباط به سردی گرایید و در سفرهای بعدی حضرت امام به کربلا، توجهی از سوی آقای شیرازی نشان داده نمی‌شد و یا وقتی ایشان به نجف می‌آمد به ملاقات حضرت امام نمی‌رفت.

این وضعیت تا زمان عزیمت آقای شیرازی به کویت ادامه یافت و بعد از استقرار ایشان در کویت، دوستان و حامیان ایشان حملاتی را علیه امام ترتیب دادند و شروع به بدگویی و بستن اتهام‌های ناروا علیه ایشان کردند که در این زمینه بعضی از نزدیکان آقای شیرازی به‌ویژه آقای فالی<sup>۲</sup>



## نظر آیت‌ا... العظمی خوبی و شاهرودی در مورد بزرگان خاندان شیرازی ها چه بود؟!

فعالیت‌های سید محمد شیرازی سرکرده جریان شیرازی‌ها  
به روایت مرحوم آیت‌ا... سیدعباس خاتم یزدی

### چگونگی اعلام مرجعیت سید محمد شیرازی

آقای سید محمد شیرازی چند سال بعد از رحلت پدرش و تقریباً در عن فوان جوانی، ادعای مرجعیت کرد و جمعی از روحانیون نیز که وزنه علمی بالایی نداشتند و چندان مشهور و سرشناس نبودند، با انتشار اعلامیه‌ای به اعلامیت و جایزالتقلید بودن ایشان گواهی دادند و این اعلامیه به سرعت در سراسر عراق و همچنین کویت پخش گردید.

من دغدغه فکری‌ام را با آقای سیدمنیرالدین شیرازی<sup>۱</sup> که از دوستان اینجانب و آقای شیرازی و نیز هم‌شهری ایشان بود، در میان گذاشتم و خواستم که در این زمینه با آقای شیرازی گفت‌وگو کند و به ایشان گوش‌زد نماید که اگر ایشان خواسته باشد در وضعیت کنونی بر ادعای مرجعیت خود پافشاری کند، افراد صاحب نفوذی هستند که می‌توانند اجتهاد وی را زیر سؤال ببرند و انکار کنند. در این صورت در سالیان بعد هم ایشان نمی‌توانند وارد عرصه مرجعیت شود و بهتر است ایشان فعلاً از ادعای مرجعیت دست بردارد و امام را به عنوان مرجع تقلید معرفی کند. به

اشاره: آیت‌ا... سیدعباس خاتم یزدی در سال ۱۳۰۹ ش در یزد متولد شد. وی پس از اتمام مقدمات در زادگاه خود، در سال ۱۳۳۴ ش راهی قم گردید و در درس خارج آیات عظام: سید محمد محقق داماد، سید محمد رضا گلپایگانی، محمدعلی اراکی و امام خمینی (ره) شرکت نمود. آیت‌الله خاتم یزدی در سال ۱۳۳۹ ش وارد حوزه نجف اشرف شد و در اقامت ۱۸ ساله خود در آن شهر، از محضر درس حضرات آیات: سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و حضرت امام و به‌ویژه از درس آیت‌الله خوبی بهره‌های وافری برد تا به مقام عالی اجتهاد دست یافت. ایشان یکی از شاگردان برجسته و یاران نزدیک امام به‌شمار می‌رفته و همواره مورد توجه ایشان بود. عضویت در شورای استفتاء و هیئت ممتحنین و وکالت عام و نمایندگی تام‌الاختیار در امور حج به ام‌امام (ره) به‌ویژه محول گردید. آیت‌ا... خاتم سرانجام در سال ۱۳۸۰ درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. ایشان در کتاب خاطرات خود درباره چگونگی اعلام مرجعیت و فعالیت‌های سید محمد شیرازی و موضع‌گیری‌اش درباره انقلاب، امام خمینی (ره) و نظام اسلامی می‌گویند. آنچه در زیر می‌آید برشی است از خاطرات ایشان که تقدیم شما می‌گردد.



با تفسیق و حتی تکفیر حضرت امام کار را به اوج خود رساندند و این ناسزاها تا بعد از ورود آقای شیرازی به ایران ادامه یافت.

### بیت آقای شیرازی پاتوق مأموران ساواک

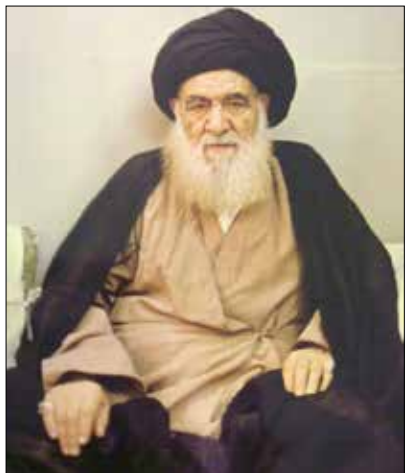
در زمینه مسائل سیاسی بعضی از دوستان و هواداران حضرت امام مثل آقای محتشمی<sup>۴</sup> و آقای فردوسی پور<sup>۵</sup> که برای سخنرانی و امور دیگر به کویت می رفتند، نقل می کردند که بیت و بیرونی آقای شیرازی، پاتوق مأموران ساواک ایران است و خود ایشان هم به ما توصیه می کند که دست از مبارزه علیه شاه برداریم و سخنی بر ضد رژیم نگوییم. آقای مهری<sup>۶</sup> که از طرف داران سرسخت امام و نماینده ایشان در کویت بود، به جهت آشنایی با کارها و فعالیت های سیاسی سید محمد شیرازی، وی را تکفیر و حتی ایشان را از شاه بدتر می دانست. (صص ۱۷۳، ۱۷۴)

### پی نوشت:

۱. مؤسس دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم و از شاگردان امام.
۲. مرحوم آیت... سید محمود شاهرودی زعم حوزة نجف و از مراجع تقلید و معروف به سید شاهرودی.
۳. باجناق آیت الله شیرازی
۴. عضو مجمع روحانیون مبارز
۵. مرحوم حجت الاسلام اسماعیل فردوسی پور، عضو مرکزی دفتر امام (ره) در نجف اشرف که در طول دوران انقلاب و حیات خود دارای مسئولیت های خطیری از جمله: عضویت در هسته مرکزی تشکیلات روحانیون مبارز خارج از کشور، سه دوره نمایندگی مردم در مجلس خبرگان رهبری، سه دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی، ریاست دیوان عدالت اداری ایران، عضو شورای سیاست گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و دادستان دادگاه عالی قضات بود.
۶. مرحوم آیت الله عباس مهری.

### منبع:

خاطرات آیت الله خاتم یزدی؛ چاپ اول، بهار ۱۳۸۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



▲ تصویر حضرت آیت الله خویی

## برشی از منشور روحانیت حضرت امام

### شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارزان مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده اند.

### عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است

«ولایتی» های دیروز که در سکوت و تاجر خود ابروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند! راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آبستن و جلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می شود؟ از آدمهای لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بی شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعنها و کنایه ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است. صحیفه امام (ره)؛ ۳ اسفند ۶۷.

## جواب علمای نجف اشرف به استفتاد مورد اجتهاد سید محمد شیرازی!

بسم الله الرحمن الرحيم  
حضرات مراجع عظام نجف اشرف خداوند سایه شما را بر سر اسلام و مسلمین حفظ کند.

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

آیا سید محمد شیرازی، فرزند علامه مهدی شیرازی مجتهد می باشد؟ آیا تقلید کردن از وی جایز است؟ آیا شما به او اعتماد دارید؟ از طرف اهالی کویت؛ عبدالمحسن یوسف. (۱/۱/۱۳۹۲ ه. ق.)

### جواب آیت... سید محمود حسینی شاهرودی:

"بسمه تعالی شانه

نه نزد ما درس خوانده و نه در حوزه نجف تا به علم و فضلش پی برده باشیم. اجتهاد او نزد ما با دلیل شرعی محرز نیست. محمود حسینی الشاهرودی؛

۲ / محرم الحرام ۱۳۹۲.

### جواب آیت... سید ابوالقاسم خویی:

"بسمه تعالی شانه

چون شخص مذکور تحصیلاتی در حوزه علمیه نجف اشرف نداشته و از او تحقیقات علمی و حوزوی در دست نیست اجتهادش برای ما ثابت نشده است. علامه حجت الاسلام و المسلمین شیخ یوسف خراسانی حائری دامت برکاته نظر به عدم اجتهاد وی داده اند و ایشان از اوضاع او از ما آگاه تر است.

۲ / محرم الحرام / ۱۳۹۲ هجری. ابوالقاسم خویی

### پی نوشت:

۱. علامه شیخ یوسف حائری بزرگترین عالم کربلا و معتمد مرجعیت در آن زمان بوده اند.



را تضعیف کنند. این کار به گروه‌ها و شخصیت‌هایی نیاز دارد که در محافل شیعه، نفوذ و تأثیر داشته باشند.

**امروز ما چیزهایی را می‌بینیم که نمی‌توان آن‌ها را یک اتفاق طبیعی قلمداد کرد؛ مثلاً پدیده تکفیر گسترده که در شیعه یک پدیده کاملاً نو و بی سابقه است و ما در تاریخ تشیع نداشته‌ایم شخص یا گروهی را که بخواهد دیگران را تکفیر کند بخصوص علما را؟**

بله. کاملاً یک پدیده بی سابقه است. شیخ طوسی (ره) در کتاب «عدة الأصول» وقتی از اختلافات موجود در درون شیعه حرف می‌زند این است که اختلافات در شیعه در برخی امور، از اختلافات بین مذاهب چهارگانه اهل سنت را بیشتر می‌داند، اما با وجود این، هیچ یک از شیعیان دیگری را تکفیر نمی‌کند. با این‌که در اجتهادات علمای شیعه اختلافات گسترده‌ای وجود دارد، اما هرگز این تفاوت‌ها مانع احترام مجتهدان نسبت به یکدیگر نشده است، اما امروز شاهد پدیده تکفیر هستیم؛ تکفیر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری. حال بعضی می‌گویند: پشت پرده تکفیر امام و مقام معظم رهبری، مسائل و اختلافات سیاسی است، اما تکفیر علامه طباطبایی یا آیت‌ا... بهجت چه پیشینه‌ای دارد؟ پشت پرده تکفیر شهید سید محمد باقر صدر چیست؟ می‌بینیم که به آیت‌ا... سیستانی به شکل سازمان‌دهی شده، حمله می‌شود و شان و جایگاه ایشان را پایین می‌آورند و شخصیتی را که در حفظ تشیع نقش بسیار مهمی دارد، مسخره می‌کنند. این تکفیرها دیگر ماهیت سیاسی ندارد. واضح و روشن است که می‌خواهند برخی از الگوها و شخصیت‌ها را تخریب و در جایگاه رفیع آن‌ها تردید ایجاد کنند و دنبال این‌اند که عده‌ای از شیعیان ولو اندک، این‌ها را کافر بشمارند.

**تکفیر چطور پدید آمد؟ این پدیده چه علتی داشت؟**

ریشه تکفیر در سازمان‌های جاسوسی استکبار است؛ به عنوان مثال: عبدالحلیم الغزلی در دهه هشتاد سروصدای عجیبی در قم راه انداخت و ادعاهای کذبی را مطرح کرد، مثل اینکه او فرزند بلاواسطه و نائب خاص امام زمان (عج) است. در پی این ادعاها، دستگیر و از ایران اخراج شد، سپس به انگلیس رفت و یک شبکه



## دستگاه‌های جاسوسی غرب گروه‌های افراطی را مدیریت می‌کنند

حجت‌الاسلام شیخ حسین معتوق؛ رئیس ائتلاف ملی اسلامی کویت:

محمد حسین واسطی

**تحلیل شما از اصطلاح «تشیع انگلیسی» و «اسلام آمریکایی» چیست و چگونه ممکن است که یک شیعه، شیعه‌گری‌اش در اردوگاه انگلیس یا آمریکا تعریف شود؟**

اولاً روشن است که سازمان جاسوسی انگلیس (ام. آی. ۶) تجربه‌ای چند صد ساله در بررسی و پژوهش اندیشه مسلمانان و تلاش برای تسلط و احاطه بر آن‌ها دارد و در این راستا حتی فرقه‌هایی، مثل قادیانیه و بهائیت را تاسیس کردند. امروز هم مجرب‌تر شده‌اند و دست از دسیسه‌هایشان برنداشته‌اند. غرب و به خصوص انگلیس واقعاً در شیوه تأثیرگذاری در محافل اسلامی ما، متخصص و کارشناس هستند.

از سوی دیگر، اوضاع امروز تشیع هم مانند گذشته نیست. ما امروز معتقدیم که قرارداد «سایکس پیکو» از هم پاشیده و پروژه استکبار با آغاز انقلاب اسلامی در ایران، روبه زوال گذاشته است و آرام آرام نابود می‌شود؛ چرا که دشمنان، انقلاب اسلامی و سپس تشکیل مقاومت اسلامی در لبنان و پس

از آن شکل‌گیری چنین اوضاعی در عراق را محاسبه نکرده بودند. طبیعی است که هر چه تشیع قوی‌تر شود، توطئه‌ها بر ضد آن نیز بیشتر می‌شود. دشمنان، پس از سقوط صدام، در اولین پیاده‌روی زیارت اربعین امام حسین علیه السلام قدرت تشیع را دیدند. آن‌ها قدرت مرجعیت دینی و جایگاه و نقش آیت‌ا... سیستانی در عراق را دیدند و فهمیدند که ایشان تا چه اندازه نقش مؤثر و چشم‌گیری دارند؛ از این رو کاملاً طبیعی است که بر ضد تشیع دسیسه‌چینی کنند. این دسیسه‌چینی را ما می‌توانیم به چند شکل ببینیم از جمله: ایجاد مرجعیت‌های دروغین و زود هنگام، مانند مرجعیت «صرخی» در عراق که آشکارا مرجعیتی ساختگی و بی‌ارزش بود. همچنین ساخت شخصیت‌های این‌چنینی و خلق چیزی که امروز به آن پدیده «یمانی» می‌گویند. توطئه اساسی دیگر، تضعیف مرجعیت دینی و به‌با کردن فتنه‌ای درون شیعیان است که بدین وسیله تا حد ممکن تشیع



ماهوره‌ای برایش تأسیس کردند. پروژه او چند پایه اساسی داشت: اولاً، تخریب اجتهاد به طور کل در میان شیعیان؛ ثانیاً، جدا کردن مردم از علما و فقها به این عنوان که علمایی همچون شیخ صدوق، شیخ طوسی و شیخ انصاری و دیگر بزرگان در طول تاریخ، مانع ارتباط با ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند. الغزی طرح‌هایی داشت که اهداف آن کاملاً معلوم بود و کسانی هم در بریتانیا و اروپا کارهایش را پیش می‌بردند. در شبکه‌ها و حسینیه‌های برخی از جریان‌ها برای او برنامه می‌گذاشتند و او از طریق این برنامه‌ها، به فقهای بزرگوار ما، مثل آیات عظام خویی، شیخ مرتضی انصاری، شیخ طوسی، شیخ صدوق و بسیاری دیگر از فقهای شیعه، حمله می‌کرد. به او این نقش داده شده بود. عبدالحلیم الغزّی که برخی از گروه‌های خاص (مثل جریان شیرازی‌ها) در منطقه کمک کردند تا نظریاتش را ارائه کند. او گفت که تشیعی که ما از فقهایمان به ارث برده‌ایم، تشیع حقیقی نیست، بلکه ناخالصی‌های بسیاری به آن وارد شده است که متهم اصلی پیدایش این ناخالصی‌ها علمای شیعه هستند؛ مطلب دیگر اینکه، علمای شیعه که پرجمداران و پیشتازان تشیع هستند، همواره به پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام برای ایجاد حالت گفت‌وگو میان مسلمانان تلاش کرده‌اند. کسانی مانند آیت‌... العظمی بروجردی، علامه کاشف الغطاء، آیت‌... سید محسن حکیم، شیخ عبدالکریم زنجانی، علامه شرف‌الدین عاملی و حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری دیگر از علمای بزرگوار ما که برای ایجاد حالت گفتگوی وحدت اسلامی و تلطیف کردن فضای مسلمانان نسبت به یکدیگر تلاش‌های شایانی کرده‌اند؛ اما امروز با پدیده جدیدی مواجه هستیم. می‌بینیم که کسی پیدا می‌شود و بر طرحی فتنه‌گرانه پافشاری می‌کند و اصرار دارد که درگیری و دودستگی میان شیعه و سنی را عمیق و ریشه‌دار کند و حتی بالاتر از این، در پی آن است که به تفرقه میان شیعه و درگیری و فتنه میان خود شیعیان دامن بزند. می‌بینیم که عده‌ای هستند که دنبال تخریب مراجع و برخی فقها می‌باشند و به صراحت از آن‌ها اسم می‌برند و بر این پروژه هم اصرار می‌ورزند، مثلاً اختراع عنوان احیاء شعائر مذهبی. امروز طرح برخی این است که می‌خواهند تحت عنوان «احیاء شعائر»، در واقع شعائر حسینی را تخریب و بدنام کنند، مثلاً امروز قضیه «سگ‌ها» راه افتاده است؛ این کارها به هیچ وجه منطقی و عقلایی نیست و خلاف عقل و انصاف است؛ فقط تأثیرات منفی بر مذهب می‌گذارد و کمترین فایده‌ای هم ندارد. همه کارهایی که این افراد انجام می‌دهند، بسیار روشن است که با روش ائمه اطهار علیهم‌السلام مخالف است. یک دلیل و شاهد بر مزدور بودن این افراد، این است که کارهای این‌ها در کشورهای مختلف پیش می‌رود و با کوچک‌ترین مشکلی هم مواجه نمی‌شوند. علی‌رغم توهین‌ها، فحاشی‌ها و خشونت‌هایی که مرتکب می‌شوند، باز

هم خیلی راحت تر از بقیه مردم کارشان پیش می‌رود و با حکومت‌ها هیچ مشکلی ندارند. حکومت‌ها اصلاً با این‌ها مقابله نمی‌کنند. اینکه دولت بریتانیا بسیاری از کارهای امثال یاسر الحیب را راه می‌اندازد و پیش می‌برد، نشان از آن است که اینها همه مزدورند و سازمان‌های جاسوسی این‌ها را مدیریت می‌کنند.

**یکی دیگر از این افراد، سید مجتبی شیرازی (برادر سید صادق شیرازی) و مقیم لندن است. الفاظی که او کار می‌برد در مورد علما و بخصوص مقام معظم رهبری حتی لات‌های خیابانی هم استفاده نمی‌کنند.**

«از کوزه همان برون تراود که در اوست». اولاً، این فرد، یک انسانی است که از لحاظ اخلاقی منحرف است و از ارزش‌های انسانی هیچ بهره‌ای ندارد و تمام تلاشش را صرف گسترش فتنه می‌کند و به وقاحت و بددهنی مشهور است که بنا بر روایات صحیح ما، اصلاً شایسته یک انسان متدین نیست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «اگر فردی را دیدید که برایش مهم نیست که چه می‌گوید و چه درباره‌اش گفته می‌شود، پس بدانید که یا هیچ ارزشی ندارد یا شریک شیطان (در فحاشی) است»؛ ثانیاً، این مرد خیلی راحت تکفیر می‌کند. هیچ کس نیست که ایشان تکفیر نکرده باشد. هر کس را که اندک اختلافی با او داشته، به زنا، زندق بودن و غیره متهم می‌کند. این تکفیر هم فقط در مورد مسائل اعتقادی نیست. تو با کسی که قمه‌زنی را جائز نمی‌داند اختلاف نظر داری، دیگر چرا او را زنازاده، کافر، زندق و بدتر از ناصبی‌ها و غیره می‌نامی؟ چرا؟ روشن است که این فرد عقل ندارد و مشکل همین است. اگر هم می‌فهمد چه می‌کند، پس مشکل بزرگتر است. این فرد نه تنها به امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری جسارت کرده، بلکه به علمای دیگر، مثل علامه طباطبایی و آیت‌... بهجت جسارت و آنان را زندق می‌شمرد، به آیت‌... وحید ناسزا می‌گوید و به بسیاری دیگر از علما و فقها به شدت توهین می‌کند.

**یاسر الحیب روحانی کویتی مقیم لندن نیز یکی دیگر از کسانی که در همین مسیر گام برمی‌دارد و نه تنها توهین به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مقدسات اهل سنت، بلکه هم‌زمان به شیعیان و علما هم حمله می‌کند و مثلاً اهل سنت را «بکری» و شیعیان را «بتری» می‌نامد؟**

این فرد اصلاً طلبه علوم دینی نیست و حتی یک روز هم در حوزه درس نخوانده است. این فرد اصلاً شناخته شده نبود و یک روزنامه نگار مغرور بی‌نام و نشان بود که دشمنان اسلام به برخی از ویژگی‌های او پی بردند و فهمیدند که امکان سوءاستفاده از او وجود دارد. در ابتدا مجله «المنبر» را منتشر کرد که بسیاری از اندیشه‌های فتنه‌انگیز را در همان جا طرح و بعد از آن بود که حکومت کویت، وی را بازداشت کرد. وقتی بازداشت شد، وزارت خارجه آمریکا و بریتانیا، بازداشت او را محکوم و با این اتفاق او اولین فرد در تاریخ

این‌که دولت بریتانیا

بسیاری از کارهای

امثال یاسر الحیب را

راه می‌اندازد و پیش

می‌برد، نشان از آن

است که این‌ها همه

مزدورند و سازمان‌های

جاسوسی این‌ها را

مدیریت می‌کنند.

اساسی‌ترین حربهای

که امروز دشمنان ما در

اختیار دارند، حربۀ

گسترش کینه مذهبی

و تفرقه بین مسلمانان

است؛ علت هم

این است که اگر این

تفرقه اتفاق نیفتد،

اسرائیل به زودی نابود

می‌شود.



بین مسلمانان است؛ علت هم این است که اگر این تفرقه اتفاق نیفتد، اسرائیل به زودی نابود می‌شود. آن‌ها شکست پروژه‌های استکباری خود را در منطقه دارند می‌بینند و می‌دانند که دیگر فرصتی برای تسلط بر اوضاع ندارند. می‌بینند که مجاهدان چگونه توانستند بدون کمک آمریکا و غرب، در عراق و دیگر جاها پیروزی‌های بسیاری را به دست آورند. حمله به شخصیت‌های دینی و مصلح در همین راستاست. جریان نبرد حق و باطل کاملاً روشن است.

**امروزمی بینیم که جریان‌های تکفیری شیعه نه تنها با اسرائیل مشکل ندارند، و هیچ موضعی ندارند بلکه بالعکس به محور مقاومت، مثل حزب... و رهبران آن حمله می‌کنند. علت دشمنی این جریان منحرف شیعی با مقاومت و تلاششان برای نابودی آن چیست؟**

فقهای شیعه قبل از اعلام رسمی اشغال فلسطین و در زمانی که فلسطین هنوز تحت قیمومیت بریتانیا بود، به مسئله فلسطین پرداختند. از جمله شخصیت‌هایی که در مبارزه با صهیونیست‌ها و پروژه انگلیس در فلسطین نقش داشت، مرحوم علامه کاشف الغطاء بود که بارها به فلسطین رفت و در مسجد الاقصی نماز گزارد؛ همچنین علامه شرف الدین عاملی که بر ضرورت جهاد در فلسطین تأکید می‌کرد و سخنان ایشان در این باره معروف است؛ هم چنین آیت ا... شیخ عبدالکریم زنجانی؛ در ادامه، مرحوم امام خمینی بودند که اجازه دادند وجوه شرعی به مجاهدان فلسطین پرداخت شود؛ همچنین از دیگر کسانی که نقش مهمی در یاری قضیه فلسطین داشتند مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم و آیت الله العظمی خویی بودند. گروه‌های افراطی شیعی که با قضیه فلسطین دشمنی دارند، همین طوری و بی اساس با این قضیه دشمن نیستند و این افکار نوپدید امروزی در میان شیعه هیچ سابقه‌ای ندارد. شیعه هرگز به یاد ندارد که با قضیه فلسطین همراهی نکرده و وجود اسرائیل در منطقه را پذیرفته باشد. آیا تا به حال هیچ کس از علما و فقهای ما نسبت به جهاد در فلسطین اعتراضی داشته است؟! هر کس شک دارد نگاهی به تاریخ ببیند تا ببیند که همه علما و فقها همواره مردم را به دفاع از فلسطین و مردم فلسطین و ایستادن در کنار مظلومان فراخوانده‌اند.

کویت بود که دو کشور بریتانیا و آمریکا به بازداشتش اعتراض کردند. بعد از آزادی هم زمینه خروج از کشور و سفر به بریتانیا را برایش فراهم کردند، بعد در آنجا روی او کار کردند تا همانند مدعیان دروغین دیگری که ساخته‌اند از او هم یک روحانی بسازند. این فرد حتی در میان بسیاری از اطرافیانش هم به تدین و دین‌داری شناخته نمی‌شود، بلکه بالعکس یک آدم مغرور و وقیح بوده است که اساساً همین وقاحتش باعث شده که دشمنان به او اعتماد و برایش شبکه ماهواره‌ای درست کنند. در سخنرانی‌هایش بیش از یکی دو نفر شرکت نمی‌کنند و اصلاً مخاطب حضوری ندارد و با این شبکه بزرگش می‌کنند تا به یکی از سردمداران فتنه تبدیلش کنند.

**لطفاً درباره فتوای مقام معظم رهبری به تحریم توهین به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی و تأثیر آن بفرمایید؟**

این فتوا همه چیز را به جای خود بازگرداند و به جلوگیری از فتنه کمک کرد. این فتوا ادامه همان مسیری بود که همواره فقهای ما طی کرده‌اند. کسانی همچون آقای بروجردی که از شیخ محمد تقی قمی که در بستر بیماری بود درخواست کرد برای تقویت «دارالتقرب بین المذاهب الإسلامیه» به قاهره بود. علمای ما همواره برای وحدت اسلامی تلاش کرده‌اند و فتوای مقام معظم رهبری حفظه الله نیز در چارچوب همین رویکرد اصیل در میان فقهای شیعه قرار می‌گیرد؛ از این روست که مانند این فتوا را از حضرت آیت الله العظمی سیستانی و دیگر فقهایمان نیز می‌بینیم و اساساً غیر این، خلاف آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است.

**نظر شما درباره نقش مجمع تقریب مذاهب و تأثیری که در اتحاد و وحدت مسلمانان داشته چیست؟**

مجمع جهانی تقریب مذاهب، نقش مهم و بزرگی در به هم فشردن صفوف مسلمانان و تقویت امت اسلام و مقابله با توطئه‌های زیرکانه‌ای که در پی ایجاد تفرقه و خدمت به مصالح دشمن صهیونیستی است، ایفا می‌کند. امروز این آمریکا و صهیونیست‌ها و دشمنان اسلام هستند که از تفرقه میان مسلمانان سود می‌برند. اساسی‌ترین حربه‌ای که امروز دشمنان ما در اختیار دارند، حربه گسترش کینه مذهبی و تفرقه

## جریان شیرازی‌ها و شیعیانی که فهمیدند تشیع مذهب باطلی است!

«شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ» مفتی اول سعودی: «بعد از اسائه ادب یاسر الحبیب به ام المؤمنین عایشه، انتشار مذهب تشیع در کشورهای عربی و اسلامی متوقف شده است». وی در دیدار خود با ائمه جمعه و جماعات مساجد عربستان سعودی گفت: «سخنان یاسر الحبیب، روحانی شیعه کویتی مقیم لندن باعث شد تا بسیاری از اهل سنت که تمایلی به تشیع داشتند، از مسیر انحرافی خود برگشته و راه مستقیم را برگزینند. مخابرین ما در کشورهای عربی به من اطلاع دادند عده زیادی از اهل سنتی که شیعه شده بودند، به خصوص در شمال آفریقا، پس از گفته‌های یاسر الحبیب متوجه شده‌اند که تشیع، مذهبی باطل است و به مذهب حق برگشته‌اند».